



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# آبِ دَنِيَّ

دنیا، آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...

نویسنده: سیدرضا امامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابدیت: (دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...)

نویسنده:

سید رضا امامی

ناشر چاپی:

حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	ابدیت: (دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...)
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۷	اهداء
۱۸	فهرست
۲۶	مقدمه
۲۸	فصل اول: نیت
۲۸	اشاره
۳۰	نیت
۳۰	شرح آیات
۳۲	بندگی
۳۳	ریا
۳۳	معالجه مرض ریا
۳۵	شرک چیست؟
۳۶	نتیجه
۳۷	ترک معصیت
۳۹	تفسیر آیه:
۴۴	فصل دوم: دنیا و آخرت
۴۴	اشاره
۴۶	دنیا و آخرت
۴۸	مقایسه دنیا و آخرت
۴۹	حضرت علی علیه السلام و دنیا و آخرت
۵۰	یوم الحسرة

۵۰	سفر آخرت
۵۲	وصف عمر آخرت از امام علی علیه السلام
۵۳	وصف عمر دنیا
۵۳	روزی یا قسمتی از یک روز
۵۵	وصف اموال دنیا
۵۶	تکاثر
۵۶	تکاثر چیست؟
۵۸	دنیا میهمان سراسر است
۵۹	ویژگی های دنیا پرستان در حدیث معراج
۵۹	آخرین کلام آیت الله میلانی
۶۰	مضرات حب دنیا
۶۲	فصل سوم: باقیات الصالحات
۶۲	اشاره
۶۴	هدف خلقت موت و حیات
۶۴	قبل از سفر
۶۵	وقایع معراج
۶۸	بهشت هشت در دارد.
۷۲	نوشته های روی درهای دوزخ
۷۳	یقین
۷۳	یقین چیست؟
۷۳	اشاره
۷۴	درجات یقین
۷۴	علامات شخص با یقین
۷۵	باقیات الصالحات
۷۸	نکات:
۸۲	موارد باقیات الصالحات

- ۱: قرآن ..... ۸۲
- اشاره ..... ۸۲
- غفران گناهان پدر و مادر ..... ۸۲
- قاضی خدا شاکی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و متهم امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۸۲
- حق تلاوت قرآن ..... ۸۳
- ۲: زیارت ..... ۸۳
- اشاره ..... ۸۳
- الف: حقی از حقوق خداوند ..... ۸۴
- ب: حشر با ذوات مقدسه ..... ۸۴
- ج: تارک زیارت متروک از تشیع ..... ۸۴
- د: بازدید در شب اول قبر ..... ۸۵
- ه- : افضل الاعمال ..... ۸۵
- و: تارک زیارت عاق پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ..... ۸۵
- ز: جان دادن از شوق زیارت ..... ۸۶
- ح: وجوب زیارت ..... ۸۷
- اسناد زیارت عاشورا و فوائد آن ..... ۸۸
- اشاره ..... ۸۸
- زیارت عاشورا ..... ۸۸
- روش بزرگان زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام ..... ۹۰
- ۳: صلوات ..... ۹۱
- ۴: نماز شب ..... ۹۳
- اشاره ..... ۹۳
- فائده نماز شب ..... ۹۴
- بشارت به قبولی نماز وتر ..... ۹۶
- ۵ : تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام ..... ۹۶
- دوری شیطان و خشنودی خدا ..... ۹۶

۹۶	نجات از شقاوت
۹۷	۶: احسان به دیگران
۹۷	۷: کمک و انفاق
۱۰۱	۸: ذکر یونسیه
۱۰۱	۹: شرط کمال
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	شرط قبول اعمال
۱۰۲	نشانه مخلص از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۰۴	حفظ زبان
۱۰۵	۱۰: شرط بقاء
۱۰۷	داستان سختی حساب سفید شدن موی سر دختر از ملاحظه عذاب قبر مادر
۱۱۰	فصل چهارم: وصیت
۱۱۰	اشاره
۱۱۲	وصیت
۱۱۲	تعریف وصیت
۱۱۳	شرح آیات ۱۸۲-۱۸۰ سوره بقره
۱۱۶	هدف از نوشتن وصیت نامه
۱۱۸	موارد مجاز در تغییر وصیت
۱۱۸	احکام وصیت (ثُلث)
۱۲۴	چند مسأله دیگر از رساله امام خمینی قدس سره
۱۲۶	منجزات مریض
۱۲۸	گرفتن مراسم
۱۲۸	پاسخ مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی به دو پرسش
۱۳۲	وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۳۵	وصیت نامه های بزرگان
۱۳۶	وصیت نامه عبرت آموز عالم عارف، حکیم ملامحمد هیدجی قدس سره



- ۱۳۷ ..... وصیت های معنوی شمس الدین محمد بن مکی عاملی (شهید اول)
- ۱۳۸ ..... وصایای آیت الله سید علی قاضی طباطبایی قدس سره
- ۱۴۲ ..... فصل پنجم: مرگ
- ۱۴۲ ..... اشاره
- ۱۴۴ ..... مرگ چیست؟
- ۱۴۶ ..... دو جنبه مادی و معنوی انسان
- ۱۴۷ ..... خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کیفیت حال احتضار
- ۱۵۰ ..... چگونگی قبض روح
- ۱۵۱ ..... مرگ یکی از نعمات خداوند
- ۱۵۲ ..... قالب مثالی
- ۱۵۴ ..... خواب و مرگ
- ۱۵۶ ..... مرگ و حیات دوباره
- ۱۵۸ ..... دوبار مردن و دوبار زنده شدن
- ۱۵۹ ..... فضیلت سوره ملک
- ۱۶۰ ..... روح چیست؟
- ۱۶۱ ..... اجل
- ۱۶۲ ..... داستانی واقعی
- ۱۶۲ ..... برزخ
- ۱۶۴ ..... فصل ششم: وظایف بازماندگان
- ۱۶۴ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... حین الفوت
- ۱۷۰ ..... فصل هفتم: وظایف پس از مرگ
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... وظایف پس از مرگ
- ۱۷۲ ..... معنی استرجاع
- ۱۷۳ ..... کفن (لباس سفر)

۱۷۳	..... اشاره
۱۷۵	..... مسئله فقهی خمس کفن
۱۷۵	..... مسئله فقهی:
۱۷۵	..... تشییع جنازه
۱۷۵	..... اشاره
۱۷۶	..... آداب آن :
۱۷۷	..... هنگام دفن
۱۷۸	..... شهادت چهل مؤمن
۱۷۸	..... آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۷۹	..... وظایف بازماندگان بعد از کفن و دفن
۱۷۹	..... پدر و مادر
۱۸۲	..... نماز فرزند برای پدر و مادر
۱۸۲	..... نماز برای اموات
۱۸۳	..... لیلة الدفن
۱۸۴	..... مسئله فقهی:
۱۸۵	..... مسأله فقهی درباره نماز وحشت
۱۸۶	..... وظیفه ما در قبال مصیبت زدگان
۱۸۸	..... احادیثی در ذم بی تابی و جزع و فزع کردن و دست بر زانو زدن
۱۸۸	..... مسئله فقهی:
۱۸۸	..... در خواب دیدن اموات
۱۹۰	..... فصل هشتم: قبر
۱۹۰	..... اشاره
۱۹۲	..... قبر
۱۹۲	..... فشار قبر
۱۹۳	..... ایمنی از فشار قبر
۱۹۴	..... سالم بودن بدن در قبر

- کیفیت ارتباط عالم برزخ با عالم طبع و قبر ..... ۱۹۴
- نفوس ناقصه در عالم برزخ تکمیل می شوند ..... ۱۹۵
- آداب سر قبر ..... ۱۹۶
- زیارت اهل قبور ..... ۱۹۷
- ایام زیارت اهل قبور ..... ۱۹۸
- دعا به هنگام ورود به قبرستان ..... ۱۹۹
- کیفیت زیارت اهل قبور ..... ۱۹۹
- حدیث اعرابی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفس سؤال نمود ..... ۲۰۱
- فصل نهم : صراط ، جهنم و حساب و کتاب ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- سؤالات قبل از صراط ..... ۲۰۸
- از چه سؤال می کنند؟ ..... ۲۱۰
- داستان سیدجواد کربلایی و پیرمرد مستضعف سنی ..... ۲۱۱
- داستانی دیگر ..... ۲۱۵
- حساب و کتاب عالم برزخ ..... ۲۱۹
- چگونگی حشر انسان ها ..... ۲۲۰
- در حقیقت جهنم و صراط و معنای آن در قیامت ..... ۲۲۳
- پل صراط ..... ۲۲۶
- سختی حساب ..... ۲۲۷
- دقت در حساب با وجود کثرت مخلوقات ..... ۲۲۸
- حجت و دلیل ..... ۲۲۹
- محل ارواح مؤمنین و کفار ..... ۲۳۰
- ارواح کافران ..... ۲۳۲
- برهوت ..... ۲۳۲
- آویختگان به شاخه های درخت زقوم ..... ۲۳۳
- وادی السلام ..... ۲۳۶

۲۳۷	حوض کوثر
۲۴۰	منابع و مأخذ
۲۴۴	دعای هنگام وصیت
۲۴۵	متن وصیتنامه و اقرار به عقائد
۲۵۶	گواهی ۴۰ نفر
۲۵۸	دعای جوشن کبیر
۲۶۲	درباره مرکز

## ابدیت: (دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امامی، سیدرضا، 1343-

عنوان و نام پدیدآور: ابدیت: (دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...) / مؤلف سیدرضا امامی.

مشخصات نشر: اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز مدیریت، 1400.

مشخصات ظاهری: 247 ص.؛ جدول: 5/14×5/21 س م.

شابک: 0-59-7302-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - عربی.

عنوان دیگر: دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ... .

موضوع: رستاخیز

Resurrection

رستاخیز -- جنبه های قرآنی

Resurrection -- Qur'anic teaching

زندگی پس از مرگ (اسلام)

Future life -- Islam

دنیای فانی

The Transitory world\*

وصیت و وصیت نامه ها (فقه)

(Wills (Islamic law

فقه جعفری -- رساله عملیه

.Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc\*

شناسه افزوده: حوزه علمیه اصفهان. مرکز مدیریت

رده بندی کنگره: BP222/5

رده بندی دیویی: 297/44

شماره کتابشناسی ملی: 8511117

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ابدیت (دنیا و آخرت، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...)

مؤلف: سیدرضا امامی

تایپ و صفحه بندی: مهدی آقابابایی

چاپ: اول / بهار 1402 شمسی

شابک: 978-600-7302-59-0

شمارگان: 500 نسخه / وزیری

ناشر : مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان

قیمت : 250000 تومان

تلفن مرکز پخش : 09132011896

ص: 1

**اشاره**

ابدیت

(دنیا و آخرت ، وصیت، قبر، قیامت، صراط و ...)

مؤلف: سید رضا امامی

ص: 2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 3



به ساحت مقدّسه نورالله و ولية الله الاطهر، مرآت جمال جمیل ربوبی و رمز عظیم ناگشوده هستی، غایت خلقت، سوره کوثر و کثرتی در عین وحدت، لیلۃ القدر و مادراک ما لیلۃ القدر، ممتحنه در هل اتی و بیتها فی بیوت اذن الله، مشکات درالله، نورالسموات و الارض، نساننا در مباحله و منزلتش منزل مصحف و هل اتی، محور آل کساء، ام ابیها و اصل و ریشه نبوت، هم شأن با ولایت در مرج البحرین یلتقیان، هم خلقتش از نور خدا و هم منشأ انوار امامان و اولی الامر یعنی منشأ حلم حسنی، شجاعت حسینی، عبادت سجادی، مآثر باقری، آثار جعفری، علوم کاظمی حجج رضوی، جود تقوی، تفاوت تقوی، هیبت عسکری و غیبت الهی و اسوه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صاحب حکومت برزخ سیده نساء از ازل تا شام تاریخ، مظلومه شهیده المجهولة قبرها و قدرها یعنی حضرت فاطمه صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهراى اطهر علیها السلام.

مقدمه.....	13
فصل اول: نیت.....	15
نیت.....	17
شرح آیات.....	17
بندگی.....	19
ریا.....	20
معالجه مرض ریا.....	20
شرک چیست؟.....	22
نتیجه.....	23
ترک معصیت.....	24
فصل دوم: دنیا و آخرت.....	31
دنیا و آخرت.....	33
مقایسه دنیا و آخرت.....	35
حضرت علی علیه السلام و دنیا و آخرت.....	36
يوم الحسرة.....	37
سفر آخرت.....	37
وصف عمر آخرت از امام علی علیه السلام.....	39
وصف عمر دنیا.....	40
روزی یا قسمتی از یک روز.....	40
وصف اموال دنیا.....	42
ص: 5	

نکات ..... 43

نکات چیست؟ ..... 43

دنیا میهمان سراسر ..... 45

ویژگی های دنیا پرستان در حدیث معراج ..... 46

آخرین کلام آیت الله میلانی ..... 46

مضرات حب دنیا ..... 47

فصل سوم: باقیات الصالحات ..... 49

هدف خلقت موت و حیات ..... 51

قبل از سفر ..... 51

وقایع معراج ..... 52

بهشت هشت در دارد ..... 55

نوشته های روی درهای دوزخ ..... 59

یقین ..... 60

یقین چیست؟ ..... 60

درجات یقین ..... 61

علامات شخص با یقین ..... 61

باقیات الصالحات ..... 62

نکات: ..... 65

موارد باقیات الصالحات ..... 69

1: قرآن ..... 69

غفران گناهان پدر و مادر ..... 69

قاضی خدا شاکی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و متهم امت پیامبر. صلی الله علیه و آله و سلم ..... 69.

ص: 6

حق تلاوت قرآن..... 70

2: زیارت..... 70

الف: حقی از حقوق خداوند..... 71

ب: حشر با ذوات مقدّسه..... 71

ج: تارک زیارت متروک از تشیع..... 71

د: بازدید در شب اول قبر..... 72

ه- : افضل الاعمال..... 72

و: تارک زیارت عاق پیامبر و اهل بیت علیهم السلام..... 72

ز: جان دادن از شوق زیارت..... 73

ح: وجوب زیارت..... 74

اسناد زیارت عاشورا و فوائد آن..... 75

زیارت عاشورا..... 75

روش بزرگان زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام..... 77

3: صلوات..... 78

4: نماز شب..... 80

فائده نماز شب..... 81

بشارت به قبولی نماز وتر..... 83

5 : تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام..... 83

دوری شیطان و خشنودی خدا..... 83

نجات از شقاوت..... 83

6 : احسان به دیگران..... 84

ص: 7

- 7: کمک و اتفاق..... 84
- 8 : ذکر یونسیه..... 88
- 9 : شرط کمال..... 88
- شرط قبول اعمال..... 89
- نشانه مخلص از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... 89
- حفظ زبان..... 91
- 10 : شرط بقاء..... 92
- داستان سختی حساب سفید شدن موی سر دختر از ملاحظه عذاب قبر مادر..... 94
- فصل چهارم: وصیت..... 97
- وصیت..... 99
- شرح آیات 180-182 سوره بقره..... 100
- هدف از نوشتن وصیت نامه..... 103
- موارد مجاز در تغییر وصیت..... 105
- احکام وصیت (ثُلث)..... 105
- چند مسأله دیگر از رساله امام خمینی قدس سره ..... 111
- منجزات مریض..... 113
- گرفتن مراسم..... 115
- پاسخ مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی به دو پرسش..... 115
- وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام..... 119
- وصیت نامه های بزرگان..... 122
- وصیت نامه عبرت آموز عالم عارف، حکیم ملامحمد هیدجی قدس سره ..... 123
- وصیت های معنوی شمس الدین محمد بن مکی عاملی (شهید اول)..... 124

- وصایای آیت الله سید علی قاضی طباطبایی قدس سره ..... 125
- فصل پنجم: مرگ..... 129
- مرگ چیست؟..... 131
- دو جنبه مادی و معنوی انسان..... 133
- خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کیفیت حال احتضار..... 134
- چگونگی قبض روح..... 137
- مرگ یکی از نعمات خداوند..... 138
- قالب مثالی..... 139
- خواب و مرگ..... 141
- مرگ و حیات دوباره..... 143
- دوبار مردن و دوبار زنده شدن..... 145
- فضیلت سوره ملک..... 146
- روح چیست؟..... 147
- اجل..... 148
- داستانی واقعی..... 149
- برزخ..... 149
- فصل ششم: وظایف بازماندگان..... 151
- حین الفوت..... 153
- فصل هفتم: وظایف پس از مرگ..... 157
- وظایف پس از مرگ..... 159
- معنی استرجاع..... 159
- کفن (لباس سفر)..... 160

- مسئله فقهی خمس کفن..... 162
- تشییع جنازه..... 162
- آداب آن : 163
- هنگام دفن..... 164
- شهادت چهل مؤمن..... 165
- آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... 165
- وظایف بازماندگان بعد از کفن و دفن..... 166
- پدر و مادر..... 166
- نماز فرزند برای پدر و مادر..... 169
- نماز برای اموات..... 169
- لیلة الدفن..... 170
- مسئله فقهی:..... 171
- مسأله فقهی درباره نماز وحشت:..... 172
- وظیفه ما در قبال مصیبت زدگان..... 173
- احادیثی در ذم بی تابی و جزع و فرع کردن و دست بر زانو زدن..... 175
- در خواب دیدن اموات..... 175
- فصل هشتم: قبر..... 177
- قبر..... 179
- فشار قبر..... 179
- ایمنی از فشار قبر..... 180
- سالم بودن بدن در قبر..... 181
- کیفیت ارتباط عالم برزخ با عالم طبع و قبر..... 181

- نفوس ناقصه در عالم برزخ تکمیل می شوند..... 182
- آداب سر قبر..... 183
- زیارت اهل قبور..... 184
- ایام زیارت اهل قبور..... 185
- دعا به هنگام ورود به قبرستان..... 186
- کیفیت زیارت اهل قبور..... 186
- حدیث اعرابی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفس سؤال نمود..... 188
- فصل نهم: صراط، جهنم و حساب و کتاب..... 193
- سؤالات قبل از صراط..... 195
- از چه سؤال می کنند؟..... 197
- داستان سیدجواد کربلایی و پیرمرد مستضعف سنی..... 198
- داستانی دیگر..... 202
- حساب و کتاب عالم برزخ..... 206
- چگونگی حشر انسانها..... 207
- در حقیقت جهنم و صراط و معنای آن در قیامت..... 210
- پل صراط..... 213
- سختی حساب..... 214
- دقت در حساب با وجود کثرت مخلوقات..... 215
- حجت و دلیل..... 216
- محل ارواح مؤمنین و کفار..... 217
- ارواح کافران..... 219
- برهوت..... 219



آویختگان به شاخه های درخت زقوم..... 220

وادی السلام..... 223

حوض کوثر..... 224

منابع و مأخذ..... 227

دعای هنگام وصیت..... 231

متن وصیتنامه و اقرار به عقائد..... 232

گواهی 40 نفر..... 243

دعای جوشن کبیر..... 245

ص: 12

و غیر تقی یا مر الناس بالتقی \*\*\* طیب یداوی الناس و هو علیل

شخص بی تقوایی مردم را به تقوا و پرهیزگاری فرا می خواند. مثل این شخص مانند ان طیبی است که مردم را مداوا می کند در حالی که خودش علیل و مریض است.

اگر اخلاص نداریم ولی می توانیم بگوییم که اخلاص را دوست داریم.

احب الصالحین و لست مثلهم لعل الله یرزقنی صلاحاً. نیکان را دوست دارم با اینکه از ایشان نیستم باشد که خداوند صلاح و نیکی به من روزی فرماید.

بعد از فوت یکی از بستگان دختر آن مرحومه نقل می کرد مادرم لحظه های آخر عمر به من نگاه می کرد و می گفت: حالا چه کار کنم و من مبهوت و هراسان فقط نگاه می کردم تا او فوت کرد. وقتی این ماجرا را شنیدم متوجه شدم اغلب از اعمال و آداب این سفر پر مخاطره و عظیم غافلیم چه آداب قبل از فوت آماده کردن کفن و چه هنگام فوت برای دیگران و چه بعد فوت لذا بعون الله تعالی از کتب معتبر شیعه مثل منتهی الآمال، حلیة المتقین، تقاسیر المیزان، نمونه، قمی، نور، اطیب البیان، و کتب حدیثی مانند میزان الحکمه و مفاتیح و ... شروع به تألیف کرده و

و متن وصیت و اقرار به اعتقادات از کتاب منتهی الآمال گرفته شده که جناب عبدالعظیم حسنی می گوید: وارد شدم بر امام هادی علیه السلام و عرضه داشتم می خواهم دین خود را بر شما عرضه کنم و شروع کردم به اقرار به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر و امامت ائمه معصومین و واجبات الهی و حضرت هادی علیه السلام تصدیق و تأیید کردند. در قسمت وصیت نامه آورده شده است.

سید رضا امامی







اعمالی که می بریم باید شرایطی دارا باشد تا شهر تأیید بزنند و آن را قبول کنند که شروط آن محقق و منطبق با میزان اعمال باشد که اعمال را با آن می سنجند که وجود مبارکش یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام که صلوات خداوند بر او و پدر و مادرش باد می فرماید چندان در قید بسیاری عمل نباشید در قید آن باشید که به درجه قبول برسد.

پس معلوم است که هر عملی به درجه قبولی نمی رسد کما اینکه خداوند متعال قربانی هایبل را قبول و هدیه قایل را رد کرد و قبول نکرد .

«داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان هنگامی که هر کدام عملی برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. \* (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: به خدا سوگند! تو را خواهم کشت (برادر دیگر) گفت: (من چه گناهی دارم زیرا) خداوند تنها از پرهیزکاران می پذیرد. \* اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی من هرگز دست خود به سویت برای کشتن دراز نخواهم کرد؛ زیرا من از خداوند که مالک و ملبر همه عالم است می ترسم. \* من از این عمل تو کراهتی ندارم چون اگر مرا بکشی هم وبال گناهان مرا به دوش می کشی و هم وبال گناهان خود را و در نتیجه از اهل آتش می شوی و سزای ستمکاران همین آتش است.» (1)

### شرح آیات

قربانی هایبل که مردی دامدار بود از بهترین گوسفندان و فرآورده های آن بود و قربانی قایل که وی کشاورز بود بدترین قسمت زراعت را انتخاب کرده بود این که خداوند می فرماید:

«لَنْ تَأْكُلُوا الْبَرَّ حَتَّى تُفَقُّوا مِمَّا تَحِبُّونَ» (2)

ص: 17

1- . مائده / 29-27.

2- . آل عمران / 92.

پس قاتل و مقتول هر دو می دانستند که از یکی رد شده و از دیگری قبول شده و اینکه هر قربانی که در امت های سابق خصوصاً بنی اسرائیل شرط قبولش این بوده که آتشی آن را می سوزاند و معلوم می شد آن از طرف خداوند قبول شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرِيٍّ مَا نَوَى ؛ هر عملی بستگی به نیت او دارد و بهره هر کسی مطابق با نیتی است که در عمل دارد. (1)

اساس هر عمل را نیت تشکیل می دهد آن هم نیت خالص.

آمر دستور بافت فرش را طبق نقشه می دهد پس لوازم را هم آماده می کند اگر شخص بافنده طبق نقشه نبافت پس لوازم را هم هدر داده و اجرتی هم بر او نیست. پس اعمال الهی و عبادی که خریدار او «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ» (2) که خریدار سرمایه های وجود انسان خداند متعال است پس در غیر آنچه امر شده خریداری نمی کند.

برای روشن شدن دقیق بودن و حائز اهمیت بودن و در عین حال که مکتوم و مخفی است و حتی نیاز به ذکر و خطوط قلبی هم نداشته و صرف توجه کفایت می کند و ما تخفی الصدور می باشد ولی نقش اساسی در عمل را ایجاد می کند مثلاً شخصی در کنار منبع آب به دفعات وارد می شود دفعه اول و سپس دفعه دوم ولی دفعه سوم متوجه می شود که غسل واجب بر او مستقر شده پس دفعه سوم نیت کرده و وارد آب می شود با اینکه دفعه سوم همان کار دفعه اول و دوم را انجام داده ولی در دفعات اول و دوم برای او نظافت حاصل ولی در دفعه سوم طهارت هم به آن اضافه شد.

ص: 18

---

1- . مصباح الشریعه ، ص 53 .

2- . توبه / 111 .

شخصی به بازار برده فروشان رفت. برده ای دید از او خوشش آمد جلورفت تا از او سؤالاتی کند و او را بهتر بشناسد از او پرسید: غدایت چیست و چه می خوری؟

گفت: هر چه مولا دوست داشته باشد.

پرسید: چه می پوشی؟

گفت: هر چه مولا دوست داشته باشد.

چه انجام می دهی و چه کار می کنی؟

گفت: هر چه مولا امر فرماید. سپس به آن عبد و بنده گفتم یعنی تو از خودت حرفی نداری.

گفت: اگر حرفی داشتم که بنده نبودم و عبد نمی شدم.

پس ملاک عمل صالح علاوه بر امر شارع مقدّس و منطبق بودن با اوامر الهی و پیامبران و حضرات انمه علیهم السلام جهت عمل نیز هست که به آن قرب و نیت قریبی تعبیر می شود و اینکه آن عمل و انگیزه آن رضای حق باشد و انسان عمل را برای رضای خداوند انجام دهد کما اینکه در سوره هل اتی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه روز روزه گرفتند و افطار خود را که قرص نان جویی بود در هر سه شب به مسکین و یتیم و شب سوم به اسیر دادند و با آب افطار کردند. قرآن در بیان این اطعام می فرماید اینها اینطور بیان کردند: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (1). ما شما را فقط به خاطر خدا اطعام کردیم.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ؛ عبادت من نه به خاطر ترس از جهنم است و نه به خاطر طمع به بهشت، بلکه تو را عبادت می کنم چون تو سزاوار عبادت هستی. (2).

ص: 19

1- . انسان / 9.

2- . بحارالانوار، ج 67، ص 186.



چون از او گشتی همه چیز او تو گشت چون از او گشتی همه چیز از تو گشت گشتن اول به معنی تعلق یافتن و گشتن دوم برگشتن است.

## ریا

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش به نام زراره فرمود:

مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ قَوْلُهُ عَلَى النَّاسِ يَا زُرَّارَةُ كُلُّ رِيَاءٍ شُرْكٌ؛ کسی که برای مردم عمل کند ثوابش بر مردم است. ای زراره! هر ریایی شرک است. (1)

آتش در خرمن فضله ای در دیگ و جرقه ای در انبار ابریشم است.

غلام همت آن نازنینم که کار خیر بی روی و ریا کرد. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ الْمُرَائِيَّ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ يَا كَافِرُ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا خَائِرُ حَيْطَ عَمَلِكَ وَ يُطَلَّ أَجْرُكَ فَلَا خَلَصَ لَكَ الْيَوْمَ فَالْتَبَسَ أَجْرُكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ؛ شخص ریا کار در روز قیامت با چهار نام صدا زده می شود: ای کافر، ای فاجر، ای حیله گر و ای زیانکار! عملت نابود شد و اجرت باطل گشت امروز هیچ راه نجاتی نداری پاداش خود را از کسی بخواه که از برای او عمل کردی. (3)

## معالجه مرض ریا

هر عملی که انسان برای غیر خدا انجام می دهد الا و لا بد منظوری از آن عمل در نظر دارد یا برای این می کند که در کردن آن عزتی سراغ دارد و می خواهد آن

ص: 20

1- . وسائل الشیعه، ج 1، ص 67.

2- . غزلیات حافظ.

3- . وسائل الشیعه، ج 1، ص 69.

را به دست آورد یا به خاطر ترس از نیرویی آن را انجام می دهد تا از شر آن نیرو محفوظ بماند قرآن کریم هم عزت را منحصر در خدای سبحان کرده و فرموده :

« إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً ؛ عزت همه اش از خداست. » (1) و هم نیرو را منحصر در او کرده و فرموده : « أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً ؛ نیرو همه اش از خداست. » (2).

و معلوم است کسی که به این دین و معارف ایمان دارد دیگر در دلش جایی برای ریا و سمعه (ریا به دیدن افراد رساندن و سمعه بعد عمل به گوش افراد رسانیدن) و ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا و تمایل و اعتقاد به غیر خدا باقی نمی ماند.

و نیز در کلام خدای سبحان مکرر آمده که ملک عالم از خداست و ملک آسمان ها و زمین از اوست و آنچه در آسمان ها و زمین است از آن وی است وقتی همین طور باشد که هست چه کسی از خود استقلال خواهد داشت و با پیدا شدن چنین ایمانی تمامی اشیاء هم ذاتشان و هم صفاتشان و هم افعالشان در نظر ما از درجه استقلال ساقط می شوند و دیگر چنین انسانی نه تنها غیر خدا را اراده نمی کند و نمی تواند غیر او را اراده کند و نمی تواند در برابر غیر او خضوع کند یا از غیر او بترسد یا از غیر او امید داشته باشد یا به غیر او به چیز دیگری سرگرم شده و از چیز دیگری لذت و بهجت بگیرد و یا به غیر او توکل و اعتماد نماید و یا تسلیم چیزی غیر او شود و یا امور خود را به چیزی غیر او واگذارد و اراده نمی کند و طلب نمی نماید مگر وجه حق باقی را حقی که بعد از فناى هر چیز باقی است و اعراض و فرار نمی کند جز از باطل باطلی که عبارتست از غیر خدا چون آنچه غیر خداست فانی و باطل است. البته ملک دو جور است: یکی ملک حقیقی که دارنده آن تنها و تنها خدای سبحان است و احدی با او در این ملکیت شریک نیست نه هیچ انسانی و نه هیچ موجود دیگر و یکی ملک اعتباری و ظاهری و صوری مثل ملکیت انسان نسبت به خودش و فرزندش و مالش و امثال اینها که در این چیزها مالک حقیقی خداست و مالکیت انسان به تملیک خدای تعالی است

ص: 21

1- . یونس/ 65.

2- . سوره بقره/ 165.

آن هم تملیک ظاهری و مجازی که این نوع که میان انسان ها دست به دست می شود به زودی باطل خواهد شد. (1)

### شرک چیست؟

قرآن می فرماید: « فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »؛ برای خداوند شریک هایی قرار ندهید در حالی که می دانید. (2)

این طور می فهماند که آدمی علمش به هر مقدار هم که باشد جایز نیست برای خدا مثل و مانندی قائل شود در حالی که خدای سبحان او را و نیاکان او را آفریده و روزی عطا کرده انداد جمع ند به معنای شریک و شبیه است یا به تعبیر دقیق تر چنانچه راغب در مفردات می گوید: «ند و ندید به معنای چیزی است که از نظر گوهر و ذات شریک و شبیه چیز دیگر باشد» حال قرار دادن شریک برای خدا تنها منحصر به ساختن بت های سنگی و چوبی یا از آن فراتر انسانی همچون مسیح را یکی از خدایان سه گانه دانستن نیست، بلکه معنی وسیعی دارد و صورت های مخفی تر و پنهان تر را نیز شامل می شود و به طور کلی هر چه را در ردیف خدا در زندگی مؤثر دانستن یک نوع شرک است. ابن عباس در اینجا تعبیر جالبی دارد می گوید: انداد همان شرک است که گاهی پنهان تر است از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب تاریک از جمله اینکه انسان بگوید به خدا سوگند به جان تو سوگند به جان خودم سوگند (یعنی خدا و جان خود و جان دوستش را در یک ردیف قرار دهد) و بگوید این سگ اگر دیشب نبود دزدان آمده بودند (پس نجات دهنده ما از دزدان این سگ است) یا به دوستش بگوید هر چه خدا بخواهد و تو بخواهی همه اینها بویی از شرک می دهد.

ص: 22

1- .المیزان، ج 1، ص 539؛ تفسیر نمونه، ج 1، ص 124.

2- . بقره / 22.

در تعبیرات عامیانه روزمره نیز بسیار می گویند اول خدا دوم تو. باید قبول کرد که این گونه تعبیرات نیز مناسب یک انسان موحد کامل نیست.

مردی در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ما شاء الله و شئت؛ هر چه خدا بخواهد و تو بخواهی. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اجعلتني لله ندا؟ ما شاء الله وحده؛ آیا مرا شریک خدا گرداندی؟ تنها آنچه خدا بخواهد.

در بعضی روایات دیگر می خوانیم که منظور (شُرک نعمت) است به این معنی که موهبتی از خداوند به انسان برسد و بگوید این موهبت از ناحیه فلان کس به من رسیده است اگر او نبود من می مردم و یا زندگانیتم بر باد می رفت و بیچاره می شدم. در اینجا غیر خدا را شریک خدا در بخشیدن روزی و مواهب شمرده است. (1)

قرآن کریم می فرماید: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ؛ و اکثر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند مشرکند». (2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: این اشاره به شرک خفی است مانند اینکه انسان به دیگری بگوید اگر تو نبودی من نابود شده بودم یا زندگانیتم بر باد می رفت. (3)

### نتیجه

در تفسیر قمی به سند خود از فضیل از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که در ذیل آیه فوق مقصود از آن شرک در طاعت است نه شرک در عبادت. یعنی معصیت هایی که ارتکاب می شوند در حقیقت شرک در اطاعت است و گناهکاران با گناه خود شیطان را اطاعت کرده اند.

در تفسیر عیاشی از محمد بن فضیل از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: مقصود شرکی است که به حد کفر نرسیده باشد.

ص: 23

---

1- . اصول کافی، ج2، ص 292؛ تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص 475.

2- . یوسف / 106.

3- . سفینه البحار، ج 1، ص 697.

راوی از ابی عبدالله سؤال کرد اگر کسی چنین بگوید: اگر خدا فلانی را نرسانده بود من هلاک می شدم چطور آیا این هم شرک است؟ فرمود: این خوب است و اشکالی ندارد.

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيُعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ پس کسی که امیدوار ملاقات پروردگار خویش است، باید به جای آرد کار نیکو، و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.» (1)

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند: مرد ریاکار، به طاعتی از طاعات دینی مشغول می شود؛ در حالی که رضای خدا را نمی جوید و تنها ستایش و تمجید مردم را می جوید؛ چون می خواهد طاعت و بندگی او شهره شود. این مرد ریا کار همان مشرکی است که دیگران را در اطاعت و بندگی حق سهیم کرده است. (2)

### ترک معصیت

تصمیم داشته باشیم اگر خداوند صد سال هم به شما عمر داد حتی یک گناه هم نکنید همچنانکه اگر صد سال عمر کنید حاضر نخواهید شد یکبار ته استکانی زهر بنوشید حقیقت و واقع گناه هم زهر و سم است اگر انسان یک گام در راه غیر رضای خدا بردارد دیگر گام های بعدی را نمی داند چه خواهد شد همان گام اول او را به جاهایی که نمی داند خواهد کشید.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِيَلَّ [سُبْحَانَهُ] أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ؛ کمترین حقی که خدا بر شما دارد آن است که با یاری نعمت هایش او را معصیت نکنید. (3)

ص: 24

1- . کهف / 110.

2- . المیزان، ج 11، ص 383.

3- . نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت 336.

باز آن سرور در حکمت 15 کتاب نهج البلاغه می فرماید: اینطور نیست که اجر مجاهد شهید بالاتر باشد از اجر کسی که قدرت برگناه دارد ولی خودداری می کند او فرشته ایست از فرشتگان.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهَلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ ؛ تقوا این است که هر چه را بلد نیستی، یاد بگیری و هر چه را هم می دانی عمل کنی. (1)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: المتقى من اتقى الذنوب ؛ متقی، کسی است که گناه نکند. (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: عیسی با یارانش از کنار قریه ای که تمام اهل آن حتی حیوانات و پرندگانشان مرده بودند عبور می کرد. حضرت عیسی تأملی کردند و فرمودند: اینها به مرگ طبیعی نمرده اند، بلکه با خشم الهی از دنیا رفته اند اگر اینطور نبود همدیگر را دفن می کردند. حواریون در خواست کردند دعایی بخوان آنها احیاء شوند و ما وقع معلوم شود. حضرت عیسی دعا کردند که خدا یا اینها را زنده کن تا ببینم اعمالشان چطور بوده تا بپرهیزیم ندا رسید آنها را بخوان شب هنگام در کنار قطعه زمینی ایستاد و صدا زد ای مردم قریه و یلکم، وای بر شما اعمال شما چه بوده؟

یکی از آنها جلو آمد و پاسخ داد یا روح الله! عبادت طاغوت و دنیاپرستی با ترس کم از خداوند و آرزوهای دراز و بی خبری همراه با لهو و لعب.

حضرت عیسی علیه السلام سؤال کردند: عشق شما به دنیا چگونه بود؟

گفت: مانند عشق کودک به مادرش هنگامی که دنیا به سوی ما رو می آورد خوشحال می شدیم و هنگامی که پشت می کرد گریه می کردیم.

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ » (3)

ص: 25

1- . مجموعه ورام، ج2، ص 120.

2- . غررالحکم، ص 268.

3- . حجج / 11.

ترجمه: بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند همین که دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنها برسد حالت اطمینان پیدا می کنند، اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان به آنها برسد دگرگون می شوند و به کفر روی می آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است.

### تفسیر آیه:

این افراد که ایمان قلبی صعیفی دارند و به تعبیر قرآن «علی حرف» هستند به این معنی می باشند که در متن ایمان و اسلام قرار ندارند. بلکه در کنار و لبه آند زیرا یکی از معانی حرف لبه کوه و کناره اشیاء است و می دانیم کسانی که در لبه چیزی قرار گرفته اند مستقر و پابرجا نیستند و با تکان مختصری از مسیر خارج می شوند چنین افراد ضعیف الایمان که با کوچکترین چیزی مثل گرفتاری پریشانی سلب و نقصان نعمت بیماری و فقر به کفر رو می آورند اما اگر پرستش خدا منافع دنیوی را به همراه داشته باشد مثل خوب شدن حال جسمانی زیادی اموال اطمینان پیدا می کنند گویی آنها دین و ایمان را به عنوان یک وسیله نیل به مادیات پذیرفته اند که اگر این هدف تأمین شد دین را حق می دانند و گرنه بی اساس و در صورت عدم تأمین منافع وسوسه های شیطانی قلبشان را فرا می گرفت و به آنها می گفت که تمام این بدبختی ها به خاطر این آئینی است که پذیرفته ای و آنها هم روی گردان می شوند در نتیجه این افراد هم دنیا را از دست داده اند به خاطر خسران دنیوی که دچار شدند به فتنه. و هم خسران آخرت که به خاطر روی گرداندن از دین است. (1)

از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند: عبادت طاغوت شما چگونه بود؟

ص: 26

گفت: اطاعت از گنه کاران و باز پرسید: پس عاقبت شما چگونه بود؟ عرض کرد شیی در نهایت عافیت و تندرستی بودیم و صبح در میان جهنم.

حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: ای دوستان خدا خوردن نان خشک و نمکی نسانیده و خوابیدن روی خاک بسیار بهتر است که دارای عافیت در دنیا و آخرت باشی. (1)

مهمترین جدّ و سعی ترک معصیت باشد که تا این خدمت را انجام ندهی نه ذکرت و نه فکرت به حال قلبت فائده ای نخواهد بخشید، چرا که پیشکش و خدمت کردن کسی که با سلطان در مقام عصیان و انکار است بی فایده خواهد بود، پس هر گناهی شرک به خداست چرا که هر گناه اطاعت از غیر خداست.

آن طور که مشهود است کشتی سازی در خشکی است ولی استفاده آن در دریا می باشد پس دنیایی و آخرتی و برزخی و قیامتی موجود می باشد. لقمان به فرزندش وصیت کرد: فرزندم! دنیایت را به آخرت بفروش که هر دو را به دست می آوری و آخرت را به دنیایت بفروش که هر دو را از دست می دهی. (2)

از محله چهارم است که محله پنجم ساخته می شود پس کسی که حنظل کاشت گل و یاسمن درو نمی کند و کسی که سم بخورد طعم عسل نمی چشد. ما آمده ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم و نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم. «الَّذِي خَلَقَ الْمُوتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَنِ كُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (3)

پس نماز بخوانیم قبل از اینکه بر ما نماز بخوانند. قرآن بخوانیم قبل از آن که بر ما قرآن بخوانند به حساب خودمان برسیم قبل از آنه به حسابمان برسند. وصی

ص: 27

---

1- . کافی، ج 2، ص .

2- . بحارالانوار، ج 13، ص .

3- . ملک / 2.



خودمان باشیم قبل از آنکه دیگران وصی ما باشند چرا که اگر خودم وصی خودم باشم بهتر و سنجیده تر عمل خواهم کرد تا دیگران. از بیخ فروشی در گرمای تابستان که سرمایه اش در معرض خورشید و نابودی قرار داشت پرسیدند: فروختی؟ گفت: نه ولی تمام شد.

نکنند عمر ما همین طور باشد.

افسوس که عمری پی اغیار دودیم \*\*\* از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم

سرمایه زکف رفت و تجارت نمودیم \*\*\* جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم

بعضاً بازی ها را جدی گرفتیم و حقایق و واقعیت ها را بازی و لهو و شوخی گرفتیم. پس این افراد گرفتار حسرت می شوند در یوم الحسره.

امام صادق علیه السلام: از خودت برای خودت بهره گیر از تندرستی قبل از بیماری و از قدرت و نیرو قبل از ناتوانی و از زندگی قبل از فرارسیدن مرگ. (1)

گاهی در مجلسی عده ای دور هم هستند یکی می گوید من چهل سال دارم او می گوید من شصت سال دارم و ... بلکه در اصل باید اولی بگوید من چهل سال ندارم و دومی هم بگوید من شصت سال ندارم حال بقیه اش چطور می شود همان طور که ما سبق طی شده به همان سرعت پس مبادا از غافلان باشیم که دفعته خود را در عالم دیگر بباییم و ندای و انفسا و «قَالَ رَبِّ اِزْجِعْ لِعَمَلِي صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ» (2) از او بلند که خدایا مرا برگردان شاید عمل صالحی انجام دهم که جواب بشنود کلا ابدأ (و مِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ). (3)

ص: 28

1- . کافی، ج 2، ص 455.

2- . مؤمنون/ 99 و 100.

3- . مؤمنون/ 99 و 100.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: هر که در مرگش شتاب شده مهلت می طلبد و هر که اجلس تأخیر افتاده یا به او مهلت داده اند کار را آینده حوالت می دهد.

و مثال آن فردی که در بیابان گرگی او را تعقیب کرد پس خود را از ترس به چاهی انداخت در میان چاه ریشه ای بود خود را به آن آویخت. نگاه به ته چاه کرد اژدهایی دید دهان باز کرده بالای چاه گرگ ایستاده پس نگاهبه ریشه کرد دید دو موش سیاه و سفید بُن آن را می جوئند در این اثنا متوجه کندویی عسل شد و مشغول به چشیدن شیرینی آن و از خطرات در اطراف خود غافل شد. عزیزان آن گرگ، گرگ اجل است که دنبال شخصی می دود آن دو موش سیاه و سفید تشابه به شب و روز می باشد که ریشه عمر انسان را می خورند و آن اژدها در قعر چاه اعمال بدوی و باز. علی رغم همه این احوال او مشغول به زرق و برق دنیا شده و غافل از سختی حساب و عقاب و موافقت عالم قیامت و برزخ و احوال قیامت و عذاب های دوزخ .







دنیا خانه غرور و فنا و محل برخورد و ملاقات است. یک ساعت با همدیگر و سپس وداع و مفارقت از هم مردم پیوسته در حرکت می آیند و می روند و دائماً دو دروازه دنیا باز دسته ای وارد و دسته ای خارج و بعد از آنکه در دنیا اثری بودند تبدیل به خبر می گردند یعنی بعد از زمانی که اثری از قدرت علم و حیات دنیوی و از تمام صفات و آثار آنها وجود داشت دیگر اثری از آثار آنان نیست و تبدیل به خبر می شوند روزی اثر بودند و روز دیگر خبر آقای ایده الله تبدیل به مرحوم رحمه الله می شود.

از امام باقر علیه السلام روایت است که سؤال شد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کدام یک از مؤمنین با کیاست تر هستند؟

حضرت فرمودند: آن کسی که بیشتر یاد مرگ کند و خود را برای آن بهتر مستعد و آماده سازد. (1)

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «تَخَفُّوْا تَلَحُّوْا، بار خود را سبک کنید تا برسید». (2) یعنی بار گناه علاقه های مادی و شهوی را ترک ریشه علانق را ببرید خود را سبک کنید تا بدین قافله رحمت و لقاء الهی برسید و عقب نیفتید.

همان طور که روح باطن جسد است عالم آخرت نیز باطن دنیاست با این تفاوت که عالم آخرت لامکان و لا زمان است و همان طور که لازمان بر همه زمان ها سیطره دارد لامکان نیز بر تمام مکان ها سیطره دارد نفس ناطقه ما که روح قدسی است چند روزی چون مرغ گرفتار قفس تن شده و پابند ماده و متعلق به علاقه های مادی و دنیوی ولی زمانی که از این محدودیت ها پرواز کرد خود را در جهان قدس و فضای لایتنای های تجرد آزاد می بیند و از همه جا مطلع و با هر کس و با هر چیز همراهی و معیت خواهد داشت.

هر چند اعمال او در این آزادی دخالت دارند آزادی مطلق یا مقید.

ص: 33

1- بحارالانوار، ج 6، آخوندی، ص 126.

2- نهج البلاغه، خطبه 21.

به ما چنین خبر رسیده است که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام اشتها کردند که جگر کباب شده و یا بریان شده ای را با نان نرم بخورند؛ همینطور این امر طول کشید و یک سال بر آمد که پیوسته حضرت این اشتها را داشتند ولی ابراز نمی نمودند؛ پس از یک سال در حالی که روزی از روزها روزه بودند؛ به حضرت امام حسن علیه السلام این مطلب را بازگو کردند؛ امام حسن علیه السلام برآین حضرت آماده ساخت؛ و چون هنگام افطار رسید و امام حسن علیه السلام این اطعام را به نزد پدر گذارد، ناگهان سانلی در خانه سؤال نمود.

حضرت فرمودند: ای نوردیده من! این طعام را بردار و به سائل بسپار! برای آنکه ما در فردای قیامت در صحیفه اعمال خود نخوانیم که: شما طیبیات خود را در زندگانی دنیا و پست خود از بین بردید! و در این حیات دنی و ناقابل، شما باطیبیات خود استمتاع نموده و بهره مند شدید! (1)

حضرت در این بیان استشهاد به آیه 19 از سوره 49 احقاف فرموده اند:

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ»؛

«و روز قیامت روزی است که مردمان کافر را بر آتش عرضه می دارند؛ و چنین به آنها خطاب می شود که: شما طیبیات و چیزهای پاکیزه و نفیس خود را در زندگانی دنیا از بین بردید و مصرف نمودید! و با آنها استمتاع کردید؛ و بنابراین در مقابل استکباری که در زمین، به ناحق نمودید و به واسطه فسقی که کردید و تجاوزی که نمودید؛ امروز به عذاب ذلت آمیز و اهانت بخش و پست و خوار ساز پاداش داده می شوید.»!

ملاحظه بفرمایید: علی بن ابیطالب علیهما السلام که خلیفه مسلمین است و حاکم بر جهان اسلام دلش میل به جگر بریان کرده، و یک سال می گذرد؛ که پیوسته با

ص: 34

این اشتها دست به گریبان است: (1)

و حال و وقت و مجال آن را ندارد؛ و آن قدر بی اعتناست که وقت و حال خود را برای این امور حتی در مدت طول یک سال به یک جمله که بگوید: جگر بریان می خواهم ندارد؛ و خلیفه اسلام و مسلمین در حال روزه پس از یک سال در وقت افطار که در برابرش مطلوب خود را می بیند؛ دست دراز نمی کند.

### مقایسه دنیا و آخرت

کلمه ابقی در «و الآخرة خیر و ابقی» (2) که به معنی باقی تر معمولاً برای مقایسه بین دو چیز استعمال می شود که عمر یکی بلندتر از دیگری باشد می گویند این باقی تر و بادام تر است و زندگی آخرت چنین نیست که از زندگی دنیا با دوام تر باشد بلکه زندگی آخرت الی الابد باقی است. (3)

«و جی ء یومئذ یجهنم یومئذ یتذکر الإنسان و آتی له الذکری \* یقول یا لیتنی قد مت لیحیاتی» (4)

و جهنم را حاضر سازند پس انسان در آن روز به روشن ترین وجه متذکر می شود که آنچه در دنیا به او دادند چه خیرش و چه شرش همه از باب امتحان بود. و او در کار خود کوتاهی کرده، ولی این تذکرش در آن روز هیچ سودی به حالش ندهد چون وقتی تذکر سودمند است که بتواند به وسیله توبه با عمل صالح آنچه را فوت شده جبران کند و روز جزا جای توبه و عمل نیست پس می گوید: ای کاش در دنیا برای این زندگی که زندگی آخرت است و یا این زندگی که حقیقت زندگی است توشه ای فرستاده بودم.

ص: 35

---

1- . از اینکه یک سال طول کشید و حضرت حال و مجال گفتن را نداشتند معلوم می شود که این داستان در حال خلافت بوده است که پیوسته مشغول اصلاح امور مسلمین بوده اند.

2- . اعلی / 17.

3- . المیزان، ج 20، ص 450.

4- . فجر / 23 و 24 ؛ المیزان، ج 20، ص 467.



«وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْخَيْرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ خداوند دنیا را لهُو و بازی و سرگرمی بیهوده خوانده ولی می فرماید زندگی آخرت زندگی حقیقی است اگر اهل دانش باشید.»(1)

### حضرت علی علیه السلام و دنیا و آخرت

الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَمَقَهَا؛ دنیا سرای عبور است نه خانه ماندن. مردم در آن دو گونه اند. یکی آنکه خود را به دنیا فروخته و خود را تباه ساخت و دیگری آنکه خود را خرید و آزاد ساخت.(2)

و جایی دیگر در نهج البلاغه می فرمایند: راستی چه تجارت بدی است که دنیا را در برابر آنچه خدا عوض کارهای تو قرار داده مزد خود قرار دهی کار ثواب می کنند برای سود دنیا هیچ گاه به فکر این نیستند که با کار دنیا سود آخرت به دست آورند.

مسافران هشدار و زنهار و الحذر که مبادا مثل آن پیره زنی باشیم که در قدیم وقتی یهودی ها به اسم نمک فروشی و خرید بنجل ها درب منازل می آمدند نسخ قدیمی قیمتی و بسیار گران قیمت را با یک فنکد عوض می کردند. توبندگی چو گدایان به شرط مزد مکن \*\*\* که خواجه خود روش بنده پروری می داند

آیا شنیدی آب از اب نکان نخواهد خورد همه چیز سر جای خود، شب و روز طبق روال و زندگی جریان عادی خود را خواهد داشت یا اینکه مثال درخت چناری بسیار تنومند که ده مرد دستها را به هم بدهند قطر آن باز هم بیشتر است حال اگر روی این درخت تنومند و عظیم پشه ای بنشینند و موقع پرواز بگویند

ص: 36

1- . عنکبوت / 64.

2- . نهج البلاغه ، صبحی صالح، ص 493.

محکم باش می خواهم پرواز کنم آن درخت در عالم معنا به آن پشه بگویند برو که من نه آمدنت را فهمیدم و نه رفتت را می فهمم.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«ما اکثر العبر و اقل الاعتبار؛ چه بسیارند عبرت ها و اندکند عبرت پذیری ها» (1).

### یوم الحسرة

حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام پس از دفن مادرش حضرت مریم علیها السلام روح او را دید و پرسید آیا آرزوی داری؟

گفت: آری آرزو دارم که در دنیا بودم شب سرد زمستانی را به درگاه خدا به عبادت به سر می بردم و روز گرم تابستانی را به روزه می گذراندم (2).

از عمر همان بود که در یاد تو بودم \*\*\* باقی همه سهواست و فسون است و فسانه

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

مرارة الدنيا حلاوة الآخرة و حلاوة الدنيا مرارة الآخرة؛ تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا تلخی آخرت است (3).

### سفر آخرت

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

انسان باید برای آخرتش از دنیا، برای مرگش از زندگی و برای پیری اش از جوانی، توشه بگیرد؛ چرا که دنیا برای شما آفریده شده و شما برای آخرت آفریده شده اید (4).

ص: 37

1- . بحار الانوار، ج 68، ص.

2- . مصابیح القلوب، ص .

3- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 512، حکمت 249.

4- . تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام)، ج 1، ص 131.

لهو و لعب بودن دنیا چهار مرتبه در قرآن آن هم در قالب حصر و انحصار آمده است.

1: وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ (1)

2: وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ (2)

3: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ (3)

4: اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ (4)

هرگاه دنیا را به عنوان هدف و مقصد بنگیریم دنیا وسیله اغفال و غرور خواهد بود ولی اگر دنیا را مزرعه آخرت و وسیله رسیدن به کمال بنگریم نعمت های آن ارزشمند و سازنده خواهد بود.

لعب: بازی طفلان و بدون فائده با نظم خیالی و غرض خیالی و هم فانی و زودگذر.

زندگی دنیا را بازیچه و لهو شمرده شده چون آدمی از مهماتش که حیات اخروی حیاتی حقیقی و ثابت است باز می دارد.

لهو: مشغول شدن توأم با غفلت و لذت و هر کار بیبوده ای که انسان را از کار مفید و مهمش باز دارد و به خود مشغول سازد.

چرا حیات دنیوی لعب شمرده شد. چون سرگرم شدن به موهومات و غرض های موهوم و یک سلسله عقاید اعتباری است و مثل بازی های بچه گانه که بر سر بازی داد و فریاد راه می اندازند و پنجه به روی هم می کشند با اینکه آنچه بر سر آن می جنگند جز وهم و خیال چیزی نیست مردم نیز بر سر امور دنیوی با هم می جنگند با اینکه

ص: 38

1- . انعام/32.

2- . عنکبوت/64.

3- . محمد صلی الله علیه و آله و سلم / 36.

4- . حدید / 20.

انچه این سستمگران بر سر ان نکال می کنند از قبیل اموال همسران فرزندان، مناصب، مقامها و ریاست ها. خدمتگزاران، یاران و امثال آن چیزی جز اوهام نیستند و در حقیقت سرابی هستند که از دور آب به نظر می رسد و انسان منافع مذکور را مالک نمی شود مگر در ظرف وهم و خیال. و عالم زندگی آخرت را منحصر در حیوان یعنی زندگی واقعی کرده جدی است لهُو و لعب در آن راه ندارد بقائی است که فنانی با آن نیست لذتی است که با الم آمیخته نیست سعادت است که شقاوتی در پی ندارد. (1)

آفریدگار دنیا غفلت از آخرت و سرگرمی به دنیا را لهُو و لعب می داند چرا ما باور نمی کنیم. (2)

مثل صحنه نمایش یکی لباس شاه می پوشد دیگری نقش نوکر و سومی وزیر و لی ساعتی بعد همه لباس ها و نقش ها کنار رفته و می فهمند خیالی و تصویری بیش نبوده.

### وصف عمر آخرت از امام علی علیه السلام

و فریفته ای که از دنیا به بالاترین مقصود خود رسیده چونان کسی نیست که از آخرت به کمترین نصیب دست یافته باشد. بکوشید تا از دنیا که دوره آن کوتاه است برای آخرت که دوره اش دراز و طولانی است توشه بگیرید چه دنیا جای کار و عمل است و آخرت سرای ماندن و پاداش دیدن «فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ»، (3)

پس از گذرگاه خود برای ماندگان و سرای همیشگی خویش توشه بگیرید. (4)

ص: 39

1- . المیزان ، ج 16 ،

2- . نور، ج 3.

3- . امالی ، شیخ صدوق، ص 110 ، مجلس 23.

4- . میزان الحکمه، ج 1، ص 55.

1: عمر آن قدر کوتاه که وقتی از بهشتی ها و جهنمی ها سؤال می کنند چقدر در دنیا بودید می گویند روزی یا نصف روزی.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اعقل الناس بلکه هو العقل می فرماید: اَعْمَارُ أُمَّتِي بَيْنَ السَّبْعِينَ إِلَى السَّبْعِينَ وَقَلَّ مَنْ يَتَجَاوَزُهَا؛ یعنی عمر امت من بین شصت تا هفتاد سال است و تعداد اندکی عمر طولانی تری دارند. در حدیثی دیگر می فرماید: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلُوهَا طَاعَةً؛ دنیا ساعت و لحظه ای بیش نیست آن را در راه اطاعت خدا به کار گیرید. (1)

### روزی یا قسمتی از یک روز

«قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ\* قَالُوا لَيْشَاءَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَنَلُ الْعَادِينَ\* قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ\* أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ». (2)

ترجمه و تفسیر:

خداوند از مردم در روز قیامت سؤال می کند که مدت درنگ شما در زمین چقدر بود که منظور از سؤال از مقدار عمر آنها در دنیا در مقایسه با ایام آخرت است پس جواب می دهند با توجه به مقایسه با زندگی ابدی قیامت که آن روز برایشان مشهود می شود یک روز یا ظهری از یک روز در حقیقت عمرهای طولانی در دنیا گویی لحظه های زودگذری هستند در برابر زندگی آخرت که هم نعمت هایش جاویدان و هم مجازات هایش نامحدود. پس می گویند فسئل العادین از فرشتگانی

ص: 40

1- . بحارالانوار، ط بیروت، ج 74، ص 164.

2- . مؤمنون /115-112.

که حساب و کتاب عمر آدمیان و اعمال آنان را دقیقاً نگاه داشته اند سؤال کن. پس به عنوان سرزنش خداوند می فرماید: آری شما مقدار کمی در دنیا توقف کرده اید اگر می دانستید.

بعضی مفسرین «لو» را به معنی لیت آورده اند نه اینکه اگر می دانستید یعنی ای کاش این مطلب را در دنیا می دانستید افسوسم.

آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد این بیان در هنگام مشاهده مرگ و بعد از آن و مشاهده برزخ و در آخر مشاهده بعث و حساب و جزا هست که آیا باز هم خیال می کنید که ما شما را بیهوده آفریدیم که زنده شوید و بمیرید و پس دیگر نه هدفی از خلقت شما داشته باشیم و دیگر شما به ما بر نمی گردید. این جمله کوتاه یکی از زنده ترین دلایل رستاخیز و حساب و جزای اعمال را بیان می کند و آن اینکه اگر راستی قیامت و معادی در کار نباشد زندگی دنیا عبث و بیهوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: وقتی خداوند اهل بهشت را وارد بهشت و اهل جهنم را داخل جهنم کرد به اهل بهشت می فرماید چقدر در زمین زندگی کردید؟

می گویند: روزی یا بعضی از یک روز.

می فرماید: در این مدت کوتاه چه خوب تجارتي کردید که رحمت و رضوان و بهشت مرا کسب نمودید پس در آن جاودانه بمانید. آن گاه به اهل دوزخ خطاب می فرماید که چقدر در دنیا زندگی کردید؟

می گویند: روزی یا پاره ای از یک روز.

می فرماید: چه بد تجارتي کردید در یک روز یا کمتر از آن که در این مدت کوتاه آتش و غضب مرا کسب نمودید پس در آن جاودانه بمانید. (1)

ص: 41

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّولِ وَالْعَرْضِ» (1).

بهره هر کدام از شما از زمین به اندازه ای طول و عرض قامت شماست.

یکی از نام های دنیا را خداوند عاجله نامیده یعنی زودگذر.

امام صادق علیه السلام فرمودند: آگاه باشید و به حساب کشتی از نفس خود بپردازید قبل از آنکه خدای تعالی از شما حساب بکشد برای اینکه در قیامت پندجاه موقوف است هر موقفی مثل هزار سال از سال های دنیا است آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَاؤُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (2).

در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه: «كَلَّا بَلْ تُجْبَوْنَ الْعَاجِلَةَ\* وَ تَذُرُونَ الْآخِرَةَ» (3) آمده که معصوم علیه السلام فرموده: عاجله همین دنیای حاضر است و رها می کنید آخرت را. (4).

«بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا\* وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ لَبِئْسَ» (5) ولی شما ای مردم زندگی دنیا را بر آن رستگاری مقدم می دارید با اینکه زندگی آخرت خیر محض و فناپذیر است.

شما انسان ها در پی پاک شدن نیستید و بر اساس دعوتی که طبع بشری شما دارد شما را به تعلق تام به دنیا و اشتغال به تعمیر آن و ترجیح آن بر زندگی آخرت می خواند که این سیاق کلام سیاق عتاب است پس آیه بعد با کلمه

ص: 42

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 83.

2- . معارج / 4.

3- . قیامت / 20 و 21.

4- . المیزان ، ج 20، ص 450.

5- . اعلی / 16-17.

«ایقی»: «بَلْ تُؤْتُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (1) بلکه زندگی دنیا را بر می گزینند در حالی که آخرت بهتر و ماندگار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای دنیا خود چنان کار کن که گویی جاودانه می مانی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد. (2)

### تکاتر

«الْهَائِكُمُ التَّكَاثُرُ» (3) تقاخر و مباحات بر یکدیگر شما را از خدا و قیامت به خود مشغول داشت که از ماده لهو گرفته شده و لهو چیزی است که انسان را به خود مشغول داشته و از مقاصد و اهدافش باز می دارد.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «ما اخشى عليكم الفقر ولكن اخشى عليكم التكاثر. من از فقر بر شما نمی ترسم ولی از تکاتر بر شما بیم دارم.» (4)

### تکاتر چیست؟

عقل کل یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: تَكَاثُرُ الْأَمْوَالِ جُمُعُهَا مِنْ غَيْرِ حَقِّهَا وَ مَنُوعُهَا مِنْ حَقِّهَا وَ سَدُّهَا فِي الْأَوْجَعِ؛ تکاتر جمع آوری اموال از طرق نامشروع و خودداری از ادای حق آن و بستن آنها در خزینه ها و صندوق ها است. (5)

ص: 43

1- . الاعلی / 16-17.

2- . میزان الحکمه، ج 1، ص 590.

3- . تکاتر / 1.

4- . نهج الفصاحه، ص 694.

5- . نور الثقلین، ج 5، ص 662.



حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: خداوند دنیا را به دوست و دشمن می دهد اما آخرت را فقط به کسی می دهد که دوستش دارد هر یک از دنیا و آخرت را فرزندان است شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: غنی ترین مردم در آخرت فقیرترین آنان در دنیا است و بهره مندترین مردم در آخرت کم بهره ترین آنها در دنیا است. (1)

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: به خدا قسم! دنیا و آخرت همانند دو کفه ترازو هستند هر کدام پایین آید دیگری بالا رود.

مسافران عزیز با نگاهی به کتاب خالق متعال مجهولات این مقایسه روشن می شود «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (2) این حیات دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و حیات حقیقی حیات آخرت است اگر می دانستند. و آنها که مستغرق حیات دنیوی بودند و محبت دنیا قلوبشان را تسخیر کرده بود و اعمال صالحی برای زندگی آخرت نفرستادند آرزو می کنند ای کاش چیزی برای حیات آخرت که حیات حقیقی و جاویدان است از پیش فرستاده بودند. پس می گویند: «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي» (3).

امام صادق علیه السلام می فرمایند: دنیا برای مؤمن زندان است و صبر و بردباری حریم آن است و جایگاه مؤمن در بهشت است و اما دنیا بهشت کافر است و قبر زندان او و آتش جایگاه او. (4)

دنیا زندان مؤمن است ولی گاهی یکی را از زندان آزاد می کنند و نجات و راحت و آسایش پیدا می کند ولی یکی را آزاد می کنند و او را برای اعدام یا شکنجه می برند.

ص: 44

---

1- . میزان الحکمه، ج 4.

2- . عنکبوت/64.

3- . فجر/24.

4- . تحف العقول ، ص 263.

پيامبر خدا صلی الله عليه و آله و سلم : ای مردم! هر که در دنياست ميهمان است و آنچه دارند عاريت است ميهمان سرانجام بايد برود و عاريه بايد برگردانده شود. (1)

گاهی انسان مسافرت می رود در مسافرخانه ای اطاقی به او می دهند برای چند روز آن اطاق و لوازم که به او داده می شود اباحه تصرف است نه اباحه ملکیت چون بعد چند روز از او گرفته می شود و به دیگری داده می شود آیا دنيا این طور نبود. اباحه تصرف برای گذشتگان و آیندگان کذلک و اباحه ملکیتی در آن متصور نیست. زبان حال کسانی که رفته اند با اهل خود

السلام ای بعد ما آیندگان رفتنی \*\*\* بر شما خوش باد این مهمانی ناماندنی

پيامبر خدا صلی الله عليه و آله و سلم می فرماید: نزد خدای تعالی چیزی مبیغوض تر از دنيا نیست. خداوند دنيا را آفرید و سپس آن را به نمایش گذاشت اما خود به آن نگاه کرد و تا قیام قیامت نگاهش نخواهد کرد. (2)

امام صادق علیه السلام : ما دنيا را دوست داریم اما اگر دنيا به ما داده نشود بهتر است از آن که داده شود چیزی از دنيا به فرزند آدم داده نشد مگر آنکه از بهره آخرت او کم گشت. (3)

و عنه علیه السلام : آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود سلیمان بن داوود است و این بدان سبب است که دنيا به او داده شد.

امام حسین علیه السلام فرموده اند: زیر دیوار یکی از شهرها لوحی یافت شد که در آن نوشته شده بود: من الله هستم و خدایی جز من نیست و محمد پیامبر من است در شگفتی از کسی که دنيا را آزموده است و با این حال به آن دل خوش می کند.

ص: 45

1- . بحارالانوار، ج 13، ص .

2- . میزان الحکمه، ج 4، ص .

3- . میزان الحکمه، ج 4،

یا احمد! دنیا خواهان کسانی هستند که پرخور و پرخنده و پرخواب و پرخشمند و کمتر خشنودند اگر به کسی بدی کنند پوزش نمی طلبند و اگر کسی از آنان پوزش بخواهد معذرت او را نمی پذیرند در طاعت خدا تنبلند و در معصیت بی باک با آنکه مرگشان نزدیک است آرزوهای دور و دراز دارند از نفس خود حساب نمی کشند کم خیرند پُر گویند کمتر از خدا می ترسند در موقع خوردن بسیار شادمانند دنیاخواهان در هنگام برخورداری سپاسگذار نیستند و به گاه سختی شکیبایی نمی ورزند زیاد مردم در نظر آنان کم است. از کارهای خود تعریف و تمجید می کنند و مدعی چیزی هستند که ندارند از آرزوهای خود سخن می گویند از بدی های مردم یاد می کنند و خوبی های آنان را پوشیده می دارند. پیامبر عرض کرد بار خدایا! آیا عیب دیگری هم در دنیا پرستان هست؟ فرمود: یا احمد! دنیا پرستان عیب های زیادی دارند آنها مردمانی نادان و احمقند در برابر معلم خود فروتنی نمی کنند به نظر خودشان مردمانی خردمندند اما نزد فرزندانگن نابخردانی بیش نیستند.

پیامبر خدا حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: بنده باید از دنیای خود برای آخرتش و از زندگی خود برای مردنش و از جوانی خود برای پیریش توشه بگیرد؛ زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت. (1)

### آخرین کلام آیت الله میلانی

این حرف را زد و از دنیا رفتند. یک لحظه لذت آخرت با تمام دنیا قابل ملاحظه نیست چقدر نادان هستند کسانی که دنیا را بر آخرت مقدم می دارند.

تا که دست می رسد شو کارگر \*\*\* چون فتی از پای خواهی زد به سر

ص: 46

حضرت علی علیه السلام می فرماید: به سبب دنیا دوستی است که گوش ها از شنیدن حکمت کر شده و دل ها از دیدن نور بصیرت کور گشته است.

در کافی از اسحاق بن عمار از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای عزوجل می فرماید من دنیا را میان بندگانم قرض نهادم هر کس از دنیا چیزی به من قرض دهد به هر یکی ده تا هفتصد برابر به او اجر می دهم و کسی که به من قرض ندهد و من خودم از او چیزی به زور بگیرم سه چیز در برابر به او می دهم که اگر یکی از آن سه چیز را به ملائکه ام می دادم از من راضی می شدند. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود و این سه چیز همان است که آیه: « إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ\* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ(1)» به آن اشاره دارد اول صلوات است و دوم رحمت و سوم اعتناء. سپس امام صادق علیه السلام فرمود این سه مزد مخصوص آن هایی است که خدا چیزی را از آنان به زور گرفته باشد.(2) اما انسان چنین طبیعی دارد که وقتی پروردگارش امتحانش کند و در محیط زندگی اش ارجمندهش کند و نعمتش بدهد گوید پروردگارم ارجمندم کرده است این به خاطر کوتاه فکری او است که خیال می کند اگر خدا به او نعمتی داده به خاطر آن است که نزد خدا کرامت و احترامی دارد و آنکه مبتلا به فقر و فقدان است به خاطر این است که درگاه خداوند خوار و بی مقدار است و حال اینکه امر بر او مشتبه شده ، بلکه اگر قدرت و ثروت دارد و اگر به فقر و تنگی معاش است همه به منظور امتحان الهی است تا روشن کند چه چیز از دنیایش را برای آخرتش از پیش می فرستد پس کسی دارای نفس مطمئنه شد و دلش به

ص: 47

1- . بقره / 156 و 157 .

2- . تفسیرالمیزان، ج 1، ص 576؛ اصول کافی، ج 2، ص 92.

پروردگارش گرم است و تسلیم امر اوست تغییر حالت نمی دهد پس اگر ثروتمند شد طغیان نمی کند و اگر فقیر شد کفران نمی ورزد و به هز دلتی تن نمی دهد.

ص: 48





از کلمه بلا که به معنی امتحان است معلوم می شود که انسان ها را با امر و نهی امتحان می کند تا مشخص شود که کدام یک از شماها عمل نیکویی دارد. (1) و مقصود بالذات از خلقت رساندن جزای خیر به بندگان بوده و اینکه معلوم شود کدامیک عملش بهتر است پس صاحبان عمل نیک مقصود اصلی از خلقتند و اما دیگران به خاطر آنان خلق شده اند و این آزمایش نوعی پرورش است به این معنی که انسان را به میدان عمل می کشد تا ورزیده و آزموده و پاک و پاکیزه شوند و لایق قرب خداوند گردند پس اکثر عمل ذکر نشده بلکه احسن عمل و کیفیت نه کمیت کما اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آن می فرمایند یعنی کدامتان از حرام های خدا بیشتر می پرهیزید و واجبات خدا را سریعتر انجام می دهید. و امام صادق علیه السلام می فرمایند: عمل خالص صالح عملی است که نمی خواهی احدی جز خداوند تو را به خاطر آن ستاید. (2)

### قبل از سفر

امام سجاد علیه السلام در شب 27 رمضان این دعا را اول شب تا آخر شب می خواندند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْإِسْتِغْنَاءَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَبْرِ؛ خدایا! روزیم کن دوری گرفتن از خانه غرور و قریب و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ را پیش از رسیدن آن ، پس ای دل غافل و ای در خواب رفته و یا ای خواب زده از خواب برخیز و مهبیای سفر آخرت شو. فقد نودی فیکم بالرحیل، صدای رحیل و بانک کوچ بلند است و عمال حضرت عزرائیل د رکازند و تو را در هر آن به سوی عالم آخرت سوق می دهد پس بیاید وصیت سید شباب اهل بهشت حسن بن علی علیهما السلام را عمل کنیم که فرمود: استعد

ص: 51

1- . تفسیر قمی، ج 5.

2- . تفسیر نمونه و المیزان ذیل سوره ملک، آیه 2.



لسفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک یعنی مہیای سفر آخرت شو و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل تحصیل نما. پس چون این سفری است بعید و هولناک و منزل های سخت و جاهای دشوار محتاج است به زاد و توشه بسیار که باید آتی از آن غفلت ننمود.

## وقایع معراج

هدف معراج: 1: بزرگداشت فرشتگان و کروییان؛ 2: دیدن عجائب و اسرار آفرینش؛ 3: بازگو نمودن آن برای مردم.

ثابت بن دینار از امام سجاد علیه السلام در مورد علت و هدف از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد آن حضرت در پاسخ فرمودند: لیریه ملکوت السموات و ما فیها من عجائب صنعه و بدایع خلقه؛ برای اینکه خداوند فرازهای با عظمت آسمان ها و باطن آنها و آنچه در آنها از شگفتی های آفرینش و زیبایی های خلقتش وجود دراد به پیامبرش نشان دهد. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در شب معراج همراه جبرئیل به دیدار بهشت و دوزخ شتافتم، دیدنی ها و شنیدنی های آنجا را از نزدیک مشاهده کردم، بهشت دارای هشت در بود، و دوزخ دارای هفت در، بر روی آن درها پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چهار کلمه نوشته شده بود که آن چهار کلمه برای آن کسی که می داند و عمل می کند بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا وجود دارد، جبرئیل آنها را برای من توضیح داد، نوشته های هشت در بهشت و آن چهار کلمه در هر در آن چنین بود:

بر روی در اول نوشته شده بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الْعَيْشِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ الْقَنَاعَةُ وَ تَبَدُّ الْحَقْدِ وَ تَرْكُ الْحَسَدِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرِ؛

ص: 52

1- . علل الشرایع، ص 55؛ بحارالانوار، ج 18، ص .

مبعودی جز خدای یکتا و بی همتا نیست، محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا است، علی علیه السلام ولی خدا است، برای هر چیزی چاره ای هست، چاره زندگی (سالم و بی تیش) در چهار خصلت است: 1: قناعت، 2- دوری از کینه، 3- ترک حسادت؛ 4- همنشینی با انسان های نیک.

بر روی در دوم پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ السُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعٌ مَسْحُ رُؤُوسِ الْيَتَامَى وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَزْمَلِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُسْلِمِينَ وَ تَقَدُّمُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ؛

برای هر چیزی چاره ای است، و چاره شادمانی در آخرت، در انجام چهار خصلت است: 1- دست مهربانی بر سر یتیمان کشیدن؛ 2- مهربانی به بیوه زنان؛ 3- سعی و تلاش در انجام نیازهای مسلمانان؛ 4- دلجویی از مستمندان و تهی دستان. بر روی در سوم پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعٌ خِصَالٌ قَلَّةُ الْكَلَامِ وَ قَلَّةُ الْمَنَامِ وَ قَلَّةُ الطَّعَامِ وَ عَدَمُ قَلَّةِ الصِّيَامِ.

برای هر چیزی چاره ای است، و چاره سلامتی و عافیت در دنیا چهار چیز است: 1- کم سخن گفتن؛ 2- کم خوابیدن؛ 3- کم خوردن؛ 4- زیاد روزه گرفتن.

بر روی در چهارم پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ صَيْفَهُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ وَالِدَيْهِ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ؛

کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، مهمانش را گرامی می دارد، کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، همسایه اش را گرامی می دارد، کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد مادرش را گرامی می دارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، یا سخن نیک می گوید یا سکوت می کند.

بر روی در پنجم پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُشْتَمَ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَذَلَّ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُظْلَمَ وَلَا يُظْلَمَ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَمِيكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ؛

کسی که می خواهد فحش داده نشود، خودش به کسی فحش ندهد، کسی که می خواهد ذلیل نگردد، کسی را ذلیل نکند، کسی که می خواهد ظلم به او نشود، خودش ظلم نکند، کسی که می خواهد به دستگیره محکم در دنیا دست بزند، بگوید: معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا است و علی علیه السلام ولی خدا است.

بر روی در ششم بهشت پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ قَبْرُهُ وَاسِعاً فَسَبِّحْ بِالْمَسَاجِدِ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدَّيْدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ طَرِيقاً مَطْراً فَلْيَكْسُوا الْمَسَاجِدَ بِالْبُسْطِ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرَى مَوْضِعَهُ مِنَ الْحَجَّةِ فَلْيَأْتِ الْمَسَاجِدَ. کسی که دوست دارد قبرش وسیع و جادار گردد، به بنا و تعمیر مسجدها بپردازد، کسی که می خواهد کرم ها در قبر، بدنش را نخورند، در مسجدها رفت و آمد کند و مدتی از شبانه روزش را در مسجدها بگذراند، کسی که می خواهد بدنش تازه و شاداب باشد، مسجدها را فرش کند، کسی که دوست دارد مقام خود در بهشت را بنگرد، با مسجدها انس و الفت داشته باشد.

و بر روی در هفتم بهشت پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

بِيَاضِ الْقَلْبِ فِي أَرْبَعِ خِصَالٍ: عِبَادَةُ الْمُرْصَى وَ اتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَ شِرَاءُ الْكُفَّانِ الْمَوْتَى وَ رَدُّ الْقَرْضِ؛

سفیدی و نورانیت قلب در چهار خصلت است: 1- عبادت بیماران، 2- تشییع جنازه ها؛ 3- خریداری کفن (آمادگی برای مرگ)؛ 4- برگرداندن قرض ها به صاحبانش.

و بر روی در هشتم بهشت پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام چنین نوشته شده بود:

مَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ فِي هَذِهِ الْأَبْوَابِ الثَّمَانِيَةِ فَلْيُحْسِبْ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ وَ هِيَ الصَّدَقَةُ وَ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ كَفُّ الْأَذَى عَنِ عِبَادِ اللَّهِ؛

کسی که می خواهد از همه درهای هشتگانه بهشت وارد بهشت شود، به چهار خصلت متمسک شود و دارای این چهار صفت باشد که عبارتند از: صدقه دادن، سخاوت ورزیدن، نیک خلقی، و دوری از آزار به بندگان خدا. (1)

### بهشت هشت در دارد.

در خصال با سند خود از جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که:

قَالَ: أَحْسِبُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ عُرِضَ كُلُّ بَابٍ مِنْهَا مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

فرمود: گمان و پندار خود را به خدا نیکو کنید، و بدانید که برای بهشت هشت در است، و عرض هر دری به اندازه مسیر چهل سال راه است! (2)

ص: 55

1- . احقاق الحق ، قاضی نورالله شوشتری، ج 4، ص 129.

2- . خصال ، باب الثمانیه، ص 408.

و در امالی صدوق از انس بن مالک روایت کرده است، که چون پسری از صحابی کبیر و شریف: عثمان بن مظعون وقات کرد، غصه و اندوه او شدت یافت، تا جایی که در خانه خود برای محل عبادت مسجدی قرار داد، تا در آنجا به عبادت مشغول شود.

این داستان به رسول الله رسید، و حضرت به نزد او آمد وگفتند: ای عثمان! خداوند برای ما رهبانیت را ننوشته است، و رهبانیت امت من در جهاد فی سبیل الله است.

ای عثمان بن مظعون! از برای بهشت هشت در است، و از برای جهنم هفت در. آیا تو را خوشحال نمی کند اینکه از یک در آن وارد نشوی مگر اینکه پسر خودت را در پهلو و کنارت ببینی، که دست به دامن تو زده است، و تو را شفیع خود به سوی پروردگارت قرار می دهد؟! [\(1\)](#)

عثمان گفت: آری!

حضرت فرمود: ای عثمان! کسی که نماز صبح را در جماعت بخواند و سپس برای تعقیب به ذکر خدا بنشیند، تا آفتاب طلوع کند، از برای او بهشت فردوس است، که دارای هفتاد مرتبه و درجه است، و مابین هر درجه تا درجه دیگر به قدر هفتاد سال راهی را که اسب لاغر تیزرو می دود، فاصله است.

و کسی که نماز ظهر را به جماعت بخواند، برای او پنجاه مرتبه و درجه در بهشت های عدن است، که ما بین هر درجه تا درجه دیگر به قدر پنجاه سال دویدن اسب تندرو است. و کسی که نماز عصر را به جماعت بگذارد، برای او پاداش آزاد کردن هشتاد نفر از فرزندان اسماعیل است که هر کدام آنها صاحب خانه و زندگی باشند. و کسی که نماز مغرب را به جماعت بگذارد، اجر و مزد او، یک حج مبرور و یک عمره مقبوله است. و کسی که نماز عشا را به جماعت بخواند، ثواب او بیداری و شب زنده داری در شب قدر است. [\(1\)](#)

و بر همین اساس است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ص: 56

« مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا ؛ کسی که سنت نیکویی را در بین مردم بگذارد برای او است ثواب تمام افرادی که به آن سنت عمل کرده اند و کسی که سنت ناپسندی در بین مردم بگذارد برای اوست گناه تمام افرادی که به آن سنت عمل کرده اند» (1) و اما رد بر کسانی که می گویند: فعلاً بهشت و جهنم آفریده نشده اند، گفتار خداوند تعالی است:

« عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى \* عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ؛ در نزد آخرین درخت (که نهایت سیر ارواح و نفوس و فرشتگان است) و در نزد سدره المنتهی بهشت محل سکونت است» (2).

و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من در بهشت داخل شدم، و در آنجا قصری را از یاقوت سرخ دیدم، که داخل آن از خارج آن دیده می شد، و خارج آن از داخل آن دیده می شد، از شدت نوری که داشت.

گفتم: ای جبرائیل! این قصر از آن کیست؟

گفت: لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ آذَانَ الصَّيَّامِ - وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ تَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ.

برای کسی که گفتارش را پاکیزه گرداند، و روزه اش را ادامه دهد، و اطعام طعام کند، و شبانگاه که مردم به خواب روند، او به تهجد مشغول باشد!

امیرالمؤمنین علیه السلام گویند: من به رسول الله عرض کردم: در امت تو کیست که چنین طاقتی داشته باشد؟!

رسول الله فرمود: ای علی! نزدیک بیا. چون نزدیک شدم، فرمود: آیا می دانی پاکیزگی گفتار چیست؟

گفتم: خدا و رسول خدا داناترند.

ص: 57

1- . معاد شناسی، آیت الله حسینی تهرانی.

2- . نجم / 13 و 14.

رسول الله فرمود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ - وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ گفتن است.

فرمود: آیا می دانی ادامه دادن روزه کدام است؟!

من عرض کردم: خدا و رسول خدا دانانترند.

فرمود: کسی که ماه رمضان را روزه بدارد، و یک روز از آن را افطار نکند!

فرمود: آیا می دانی اطعام طعام کدام است؟!

من عرض کردم: خدا و رسول خدا دانانترند.

فرمود: کسی که برای عیالات خود روزی حلال طلبد، به طوری که از فقر و پریشانی آبروی آنان را حفظ کند.

فرمود: آیا می دانی شب زنده داری در وقت خواب رفتن مردم چیست؟!

من عرض کردم: خدا و رسول خدا دانانترند. فرمود: کسی که شب را نخوابد مگر آنکه نماز عشا را که در آخر انجام داده می شود به جای آورد. و مراد از مردم در این کلام طائفه یهود و نصاری هستند؛ زیرا آنها بین نماز مغرب و عشا می خوابند.

و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون مرا به سوی آسمان سیر دادند، من داخل در بهشت شدم؛

فَرَأَيْتُ فِيهَا قِيَامَانَ وَرَأَيْتُ فِيهَا مَلَائِكَةً يَبْتُونَ لَيْبَةً مِنْ ذَهَبٍ وَ لَيْبَةً مِنْ فِضَّةٍ؛ وَرُبَّمَا أَمْسَ كُوا فَقُلْتُ لَهُمْ مَا لَكُمْ رُبَّمَا بَنَيْتُمْ وَرُبَّمَا أَمْسَ كُنْتُمْ؟ فَقَالُوا: حَتَّى تَجِيبَنَا النَّفَقَةَ. فَقُلْتُ: وَ مَا نَفَقَتُكُمْ؟! قَالُوا: قَوْلُ الْمُؤْمِنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ فَإِذَا قَالَ بَنَيْنَا وَإِذَا أَمْسَكَ أَمْسَكْنَا

در آنجا دیدم زمین هایی را که در آنها فرشتگان، با یک خشت از طلا و یک خشت از نقره مشغول ساختمان بودند؛ و چه بسا می شد که آنها دست از کار می کشیدند. من به آنان گفتم: به چه علت شما از کارتان دست بر می دارید؟!

آنان گفتند: دست بر می داریم تا به ما نفقه و مصالح ساختمانی برسد.

من گفتم: نفقه شما چیست؟

آنان گفتند: گفتار مؤمن که می گوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. چون بگوید ما مشغول ساختمان می شویم؛ و چون از گفتن دست بردارد ما هم از ساختن دست بر می داریم» (1).

حضرت صادق علیه السلام بنا به روایت پدرانشان گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من داخل بهشت شدم و اکثر اهل بهشت را ابله یافتم. عرض کردم: مقصود از ابله چیست؟

فرمودند: کسی که در کار خیر عاقل است و از کار شر غافل است و در هر ماه سه روز را روزه می دارد. (2).

### نوشته های روی درهای دوزخ

بر روی درب اول این سه جمله نوشته شده بود: کسی که امید به خدا داشته باشد سعادت مند گردد و کسی که از خدا بترسد ایمن می شود. انسان هلاک شده و مغرور کسی است که به غیر خدا امیدوار باشد و از غیر او بترسد. در دوم دوزخ: کسی که می خواهد در قیامت عریان نگردد باید در دنیا برهنگان مستمند را بپوشاند و کسی که می خواهد در قیامت نشسته نشود باید در دنیا به تشنگان آب برساند و کسی که می خواهد در قیامت گرسنه نباشد باید در دنیا به گرسنگان غذا برساند.

در سوم دوزخ: خداوند دروغگویان را لعنت کند. خداوند بخیلان را لعنت کند. خداوند ستمگران را لعنت کند.

در چهارم دوزخ: خداوند ذلیل کند کسی را که به اسلام اهانت نماید. خداوند خوار کند کسی را که خاندان نبوت صلی الله علیه و آله و سلم اهانت نماید. خداوند ذلیل کند کسی را که ظالمان را در ظلمشان بر مردم کمک کند.

ص: 59

1- . تفسیر القمی، ج 1، ص 21.

2- . معانی الاخبار، ص 203.



در پنجم دوزخ: از هوی و هوس پیروی ممکن که نتیجه آن دوری از ایمان است. در امور بی هدف زیاد سخن نگو که نتیجه اش سقوط از رحمت خداست. و یار و یاور ستمگران نباش.

در ششم دوزخ: من بر شب زنده داران حرام هستم. من بر صدقه دهندگان حرام هستم. من بر روزه داران حرام هستم.

در هفتم دوزخ: قبل از آنکه شما را به حساب بکشند خود را به حساب بکشید. و قبل از آنکه شما را سرزنش کنند خود را سرزنش کنید و قبل از آنکه بر خداوند وارد گردید و قدرت دعا کردن را نداشته باشید هم اکنون دعا کنید و به درگاه الهی به راز و نیاز بپردازید. (1)

### یقین

امیرالمؤمنین علیه آله و التحیه و السلام: هر که یقین کند از دوستان جدا خواهد شد و در دل خاک خواهد خفت و حساب و کتابی در پیش رو دارد و آنچه بر جای می نهد به کارش نخواهد آمد و به آنچه پیش فرستاده نیازمند است سزاوار است که رشته آرزو را کوتاه و دامنه عمل را دراز گرداند. (2)

### یقین چیست؟

### اشاره

امام محمد بن علی علیه السلام می فرماید: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام بالاتر و تقوی یک درجه از ایمان بالاتر و یقین یک درجه از تقوی برتر و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

ص: 60

---

1- . احقاق الحق، ج 4، ص 130-128.

2- . بحارالانوار، ج 73، ص 167، ح 31.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عیسی بن مریم روی آب راه می رفت اگر یقین بیشتری داشت روی هوا نیز راه می رفت .

حضرت علی علیه السلام : لو كشف الغطاء ما ازددت یقیناً ؛ اگر پرده ها کنار بروند بر یقین علی علیه السلام چیزی اضافه نمی شود.

#### علامات شخص با یقین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: 1: در حقانیت خدا یقین کرده و لذا به او ایمان آورده است. 2: یقین پیدا کرده که مرگ راست است لذا از آن در حذر است؛ 3: یقین پیدا کرده رستاخیز حق است و از این رو از رسوایی در آن روز می ترسد؛ 4: یقین پیدا کرده بهشت حقیقت است از این رو مشتاق آن است؛ 5: یقین پیدا کرده دوزخ راست است از این رو برای نجات از آن می کوشد؛ 6: یقین پیدا کرده حساب راست است و از این رو از خود حساب می کشد.

پس یقین عبارت است از : شناختی که در آن شک و شبهه نباشد و اعتقاد جازم در آن باشد. مثل انسان زنده که در گرما و سرما درجه حرارت بدن او 37 را نشان می دهد و در گرما متعفن نمی شود و در سرما یخ نمی زند یا یک قبله نما که در هر شرایطی عقربه اش سمت خاص را نشان می دهد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: غایت یقین اخلاص است و اخلاص نهایت دین عبادت مقربان و ملاک و معیار عبادت است و خداوند به حضرت موسی خطاب کرد ای موسی! هر کاری که برای من انجام شود اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام گیرد زیادش ناچیز است.

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزند زینت زندگی دنیاست و باقیات الصالحات (ارزش های پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امید بخش تر است. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : در حین دفن شخصی کنار قبر نشستند و ناظر دفن بودند و گریستند و رو کردند به افراد حاضر و فرمودند: اخوانی لمثل هذا فاعدو؛ برادران من از برای مثل این مکان آماد شوید و تهیه ببینید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: اگر مؤمن از دنیا برود و یک ورقه از خودش باقی بگذارد که بر آن علمی نوشته شده باشد روز قیامت این ورقه حائل است بین او و بین آتش خداوند تبارک و تعالی در عوض هر حرفی که بر آن ورقه نوشته است شهری وسیع تر از دنیا به اندازه هفت برابر به او اعطا می فرماید. (2)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: بعد از مرگ انسان پرونده اعمال او بسته می شود و اجر و پاداش به او نمی رسد مگر از سه طریق، بناها و اشیاء مفیدی که برای استفاده از مردم از خود به یادگار گذارده و بعد از او جریان خود را طی می کند و سنت هدایت گری که آن را به وجود آورده و بعد از مرگ او به آن عمل می شود و فرزند صالحی که برای او استغفار می کند. (3)

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ»؛ (4)

در این آیه مراد از «نفس» جنس انسان ها است عمومیت را افاده می کند و مراد از آنچه مقدم و مؤخر داشته اعمالی است که خودش کرده و سنت هایی است که برای بعد از مرگش باب کرده حال چه سنت خوب و چه سنت بد و زشت که بعد از مردنش هر کس به آن سنت ها عمل کند ثواب و عقاب را به حساب او نیز

ص: 62

1- . کهف / 46 .

2- . عدةالداعی و نجاح الساعی، ص 72 .

3- . بحارالانوار، ج 71، ص 257 .

4- . آل عمران/ 30 .

می نویسند همچنان که فرموده: «وَتَكْتُمُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارُهُمْ» ما کردار گذشته و آثار آینده شان را می نویسیم»<sup>(1)</sup> حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند: نیکوکار زنده است هر چند به خانه های مردگان منتقل شود.<sup>(2)</sup>

گاهی شخصی سال هاست از دنیا رفته بدن خاک شده باد خاک ها را پراکنده می کند، ولی هنوز پرونده حسناش مفتوح و اعمال صالحه در آن منظور می گردد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: در شگفتم از کسی که می بیند هر روز از جان و عمر او کاسته می شود اما برای مرگ آماده نمی شود.<sup>(3)</sup>

یکی از اصول جهان بینی اسلامی که از ارکان ایمانی و اعتقادی دین اسلام است اصل ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است که منکر آن از زمره مسلمانان خارج می شود و پیامبران الهی بدون استثنا پس از اصل توحید مهمترین اصلی که به مردم متذکر می شوند همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام اصل معاد نامیده شده است که اگر این اصل وجود نداشت خلقت و آفرینش عبث و باطل و لعب محسوب می شد. در قرآن کریم به صدها آیه بر می خوریم که به نحوی از انحاء درباره عالم پس از مرگ و روز قیامت، کیفیت حشر اموات، میزان و حساب، ضبط اعمال و بهشت و جهنم و جاودانگی عالم آخرت بحث کرده است.

انسان باقی و جاوید است اعمال و آثار انسان نیز باقی و مضبوط و جاوید است و انسان در جهان دیگر با اعمال و اخلاق و مکتسبات خود در این دنیا زندگی می کند که اینها سرمایه های خوب یا بد و مصاحبان نیک یا زشت همیشگی انسان در سرای جاوید است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمودند: از هم اکنون رفیقان و مصاحبان و معاشران خوبی برای خود در جهان دیگر انتخاب کنید که

ص: 63

1- . یس / 12. تفسیر المیزان و نمونه ذیل آیه.

2- . میزان الحکمه، ج 3، ص .

3- . غررالکلم و دررالکلم، ص 163، ح 3156.

در آن جهان همراه و مصاحب زنده هر کس همانا اعمال و رفتارهای تجسم یافته خود اوست «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا؛ هر عملی که در دنیا انجام داده اید در آنجا حاضر می بینید.»(1)

و در روایت آمده است:

رحم الله امر اخذ من حياه للموت و من فناء لبقاء و من ذاهب لدائم؛ خدا رحمت کند آن را که از زندگی برای مرگ توشه بگیرد و از فنا برای بقاء و از (دنیای رونده برای (سرای) پاینده.(2) علی بن ابیطالب علیهما السلام فرمودند: شما را از دنیا و فریفته شدن به آن برحذر می دارم؛ زیرا دنیا به زودی از شما گرفته و جدا خواهد شد همچنان که از پیشینیان شما جدا شد پس کوشش خود را در دنیا مصروف این دارید که از چند روزه کوتاه آن برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید.(3)

مرگ برای اندرز گرفتن است.(4)

امام علی علیه السلام: نفس های آدمی گام های او به سوی مرگ است.(5)

«كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم و ما هم بخارجين من النار»(6)

این چنین خداوند اعمالشان را برایشان به صورت حسرت ها مجسم می سازد و ایشان هرگز از آتش بیرون نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه می فرماید: این درباره کسانی است که اموال خود را بیکار می گذارند و از انفاق آن در راه طاعت خداوند دریغ و بخل می ورزند و در آخر می میرند و آن را برای کسانی باقی می گذارند که آن اموال

ص: 64

---

1- . كهف /49. زندگی جاوید، شهید مطهری.

2- . غررالحکم، 5219.

3- . میزان الحکمه، ج4، ح 5870.

4- . تحف العقول، ص 35؛ کافی، ج2، ص 275.

5- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 480، حکمت .

6- . بقره / 167.

موروثی را در راه اطاعت خدا و یا معصیت او خرج می کنند چون اگر در راه طاعت خدا خرج کنند صاحب مال در قیامت می بیند که مال او میزان دیگری را سنگین کرده حسرت می خورد با اینکه مال ، مال او بود و اگر در راه معصیت خدا صرفش کند صاحبش باز می بیند که مال او ورثه را در نافرمانی خدا تقویت کرده است باز حسرت می خورد. (1)

#### نکات:

(1) - حسرت بر اموالی که فراهم کردند و بهره آن را دیگران بردند.

(2) - حسرت بر امکانات فوق العاده ای که برای رستگاری و نجات در اختیار داشتند و از دست دادند.

(3) - این حسرت دال بر قدرت اختیار انسان است که می توانستیم کار دیگری انجام دهیم و نکردیم.

(4) - این حسرت بیهوده است چرا که نه موقع عمل است و نه جای جبران، بلکه تنها هنگام مجازات است و دیدن نتیجه اعمال. در سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موعظه معروف جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در جواب عطنی مرا موعظه کن. پیامبر ، جبرئیل گفت: يَا مُحَمَّدُ عَشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحْسِبْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَعَزَّةُ كَفُّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ؛ ای محمد! هر چه می خواهی زندگی کن، ولی روزی خواهی مُرد و هر چه می خواهی دوست بداری، ولی روزی از آن جدا خواهی شد، و هر چه از کارها می خواهی انجام بده، ولی روزی با کارهایت ملاقات می کنی و بدان که شرافت مؤمن نماز او در دل های شب است و عزت او به این بستگی دارد که از ریختن آبروی مردم خودداری کند. (2)

ص: 65

---

1- . کافی، ج 4، ص 42.

2- . بحارالانوار، ج 79، ص 21.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که روزی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود فرمود: کدام یکی از شماها تمام روزها را روزه می گیرید؟

سلمان گفت: یا رسول الله من.

حضرت فرمود: کدام یکی از شماها شب را تا سحر به عبادت به سر می برد؟

سلمان گفت: من یا رسول الله!

حضرت فرمود: از شما کسی هست که هر روز ختم قرآن کند؟

جناب سلمان گفت: یا رسول الله من.

یکی از اصحاب ناراحت شد و گفت: یا رسول الله سلمان یک نفر عجم از اهل فارس می خواهد بر ما اهل قریش افتخار کند، شما پرسیدید کدام از شماها تمام روزها را روزه می گیرید؟

سلمان گفت: من در حالی که ایشان بسیار روزهایش را غذا می خورد.

شما فرمودید: کدام از شماها تا سحر عبادت می کنید؟

ایشان گفت: من، در صورتی که ایشان اکثر شب ها را می خوابد.

شما فرمودید: کسی هست که هر روز یک ختم قرآن کند؟

او گفت: من در حالی که ایشان روزها ساکت هستند.

حضرت فرمودند: ساکت شو ای فلان من بر شما مثل لقمان حکیم هستم، از خود سلمان پرس تو را متنبه سازد.

پس از آن مرد به سلمان گفت: یا ابا عبدالله آیا تو خیال می کنی تمام روزها را روزه می گیری؟

سلمان گفت: بلی.

آن مرد گفت: من تو را بسیار روزها می بینم غذا می خوری.

سلمان گفت: نیست آن طوری که تو خیال می کنی، من هر ماه (سه) روز روزه می گیرم و خداوند می فرماید: « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا » (1).

ص: 66

یعنی هر کس کار نیکو کند او را ده برابر آن خواهد بود، و ماه شعبان را به ماه مبارک رمضان متصل می‌کنیم پس این است معنی صوم الدهر.

سپس آن مرد گفت: تو خیال می‌کنی تمام شب را احیاء نگه می‌داری؟

جناب سلمان گفت: بلی.

آن مرد گفت: تو که اکثر شب‌ها را می‌خوابی.

حضرت سلمان گفت: نیست آن طوری که تو خیال می‌کنی، و لکن من شنیدم از حبیب خود حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: «مَنْ بَاتَ عَلَى طُهْرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ؛ یعنی هر کس با وضو بخوابد مثل این است که تمام شب را احیاء نموده است بنابراین من همیشه با وضو می‌خوابم. (1)

سپس آن مرد گفت: تو خیال می‌کنی هر روز یک ختم قرآن می‌کنی؟

حضرت سلمان گفت: بلی.

آن مرد گفت: تو که اکثر اوقات خود را ساکت هستی کی قرآن می‌خوانی؟

جناب سلمان فرمود: آن طور نیست که تو خیال کردی، و لکن من از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: یا علی! مثل تو در امت من مثل سوره «قل هو الله احد» است هر کس آن را یک مرتبه بخواند، ثلث قرآن را خوانده است. هر کس سوره «قل هو الله احد» را دو بار بخواند، دو ثلث قرآن را خوانده است، و هر کس آن را سه مرتبه بخواند مثل این است که تمام قرآن را خوانده است.

پس حضرت فرمود: یا علی! هر کس تو را فقط در زبان دوست دارد، ثلث ایمانش کامل است. و هر کس تو را با زبان و دل دوست دارد، دو قسمت ایمانش

ص: 67

---

1- قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ نَامَ عَلَى الْوُضُوءِ إِنْ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ فِي لَيْلِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدٌ؛ هر کس با وضو بخوابد اگر مرگ او را همین شب درک کند، در نزد خدا شهید حساب می‌شود. بحار الانوار، ج 76، ص 183، ح 7.



کامل می شود و هر کس تو را با زبان و دل دوست داشته باشد و به تو با ارکانش نصرت کند، ایمانش کامل می شود.

سپس حضرت اضافه کرد و فرمود: قسم به آن خدایی که مرا به حق مبعوث کرده است یا علی! اگر اهل زمین تو را آن طوری که اهل آسمان دوست می دارند دوست می داشتند هرگز احدی در آتش جهنم معذب نمی شد و سپس جناب سلمان نتیجه گرفته و می گوید: بنابر این من هر روز سه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را می خوانم و این معنی ختم قرآن است.

در این هنگام آن مرد بلند شد مثل اینکه دهانش با سنگ بسته شده بود. (1)

از این حدیث شریف چند مطلب استفاده می شود:

اول اینکه سوره «قل هو الله احد» ثلث قرآن است.

دوم اینکه بعضی اعمال و لو اینکه در ظاهر امر کوچک به نظر می رسد، اما در واقع و فی عندالله از ارزش کامل برخوردار می باشد.

سوم این که محبت حضرت مولی متقیان امیرالمؤمنین علیه الصلوه و السلام مستکمل ایمان است و این همین مطلب است که خداوند بزرگ در قرآن کریم به آن اعلام فرموده و در روز غدیر خم آیه شریفه را به عنوان اکمال دین و اتمام نعمت بر وجود مقدس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمود و آن آیه این است:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم» (2)

ص: 68

---

1- . بحارالانوار، ج 76، ص 181.

2- . مانده / 3.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند به وسیله سخنانش در مقابل بندگان ظاهر شده است ولی بندگان او را نمی بینند. (1)

#### غفران گناهان پدر و مادر

امام صادق علیه السلام می فرماید: ... خواندن قرآن از روی مصحف عذاب پدر و مادر را سبک می کند اگر چه کافر باشند. (2)

#### قاضی خدا شاکی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و متهم امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (3) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: پروردگارا! قوم من این قرآن را متروک گذاشتند و دوری کرده و آن را فراموش کرده اند.

هجر جدایی با عمل بدن، زبان و قلب را شامل می شود. (4) و شامل نخواندن قرآن ترجیح غیر قرآن بر قرآن محور قرار ندادن آن، تدبیر نکردن در آن، عدم تعلیم به دیگران و عمل نکردن به آن از مصادیق آن است. پس مؤمنان می گویند سمعنا و اطعنا (5)؛ شنیدیم و اطاعت می کنیم و دشمنان مثل یهود می گویند به زبان حال سمعنا و عصینا (6)؛ شنیدیم و عصیان و مخالفت می کنیم.

ص: 69

1- . المحجۃ البيضاء، ج2، ص .

2- . الکافی، ج2، ص 613.

3- . فرقان / 30.

4- . مفردات راغب.

5- . بقره / 285.

6- . بقره / 93؛ نساء / 46.

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (1)

کسانی که کتاب آسمانی را به آنها داده ایم و آن را از روی دقت می خوانند.

امام صادق علیه السلام راجع به حق تلاوت قرآن می فرماید: منظور این است که آیات آن را با دقت بخوانند و حقایق آن را درک کنند

و به احکام آن عمل بنمایند، به وعده های آن امیدوار و از وعیدهای آن ترسان باشند از داستان های آن عبرت گیرند به اوامرش گردن نهند و نواهی آن را بپذیرند. به خدا سوگند! منظور حفظ کردن آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره ها و یادگرفتن و اعشار و اخماس آن نیست آنها حروف قرآن را حفظ کردند اما حدود آن را ضایع ساختند منظور تنها این است که در آیات قرآن بیاندیشند و به احکامش عمل کنند چنانکه خداوند می فرماید: این کتابی است پربرکت که ما بر تو نازل کردیم تا در آیاتش تدبر کنند. (2)

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (3)

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا آیاتش را تدبر کنند.

## 2: زیارت

### اشاره

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم \*\*\* به آن امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

علی الصباح قیامت که سر ز خاک برآرم \*\*\* به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

اهمیت زیارت حسین بن علی علیهما السلام از بیان احادیث ائمه معصومین علیهم السلام واضح می گردد:

ص: 70

1- . بقره / 121.

2- . تفسیر نمونه، ج 1، ص 432.

3- . ص / 29.

## الف: حقی از حقوق خداوند

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ سَحَّ حِجَّتَهُ ثُمَّ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَكَانَ قَدْ تَرَكَ حَقًّا مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ حَقُّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقْرُوضٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ ؛ اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود، ولی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود مسلماً حقی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن مورد سؤال و بازخواست می شود. و سپس فرمود: حق امام حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است. (1)

## ب: حشر با ذوات مقدسه

قال الباقر علیه السلام : مَنْ أَنَاهُ سُوقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ بِأَكُلِ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ.

کسی که از روی شوق و محبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و به حضرت فاطمه علیها السلام به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ، خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند و او را با ذوات مقدسه معصومین هم غذا فرموده در حالی که مردم در حساب مانده اند. (2)

## ج: تارک زیارت متروک از تشیع

قال الصادق علیه السلام : مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ؛

ص: 71

- 1- . بحارالانوار، ج 101، ص 5.
- 2- . کامل الزیارات، ص 270 باب 50، ح 2.

کسی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر اهل بهشت هم باشد مهمان بهشتیان محسوب می شود. (1)

#### د: بازدید در شب اول قبر

قال الحسين عليه السلام : مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي زُرْتَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ فِي لَيْلَةِ الْوَحْشَةِ؛

هر کس مرا زیارت نماید بعد از شهادت من او را زیارت کنم در شب اول قبر که وقت وحشت اوست. (2)

#### ه: افضل الاعمال

قال الصادق عليه السلام :

إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ ؛

زیارت امام حسین علیه السلام برترین اعمال می باشد. (3)

#### و: تارک زیارت عاق پیامبر و اهل بیت عليهم السلام

قال الصادق عليه السلام :

ان من ترك زيارته (زيارة الحسين) و هو قادر على ذلك فقد عاق رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وعقنا؛ به درستی که هر کس ترک نماید زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را و حال آنکه او قادر است به زیارت آمدن ، پس به تحقیق عاق شده به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و عاق باشد. (4)

ص: 72

1- . کامل الزیارات، ص 356، باب 78، ح.3.

2- . انوار الشهاده، ص 250.

3- . کامل الزیارات، ص 277.

4- . خصائص الحسينيه، ص 317.

## ز: جان دادن از شوق زیارت

قال الباقر عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا سُوقًا وَتَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مِنْ أَنَاةٍ تَسُوْقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَتُؤَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَتُؤَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظًا سَنَتَهُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَهْوَنُهَا الشَّيْطَانُ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكًا كَرِيمًا يَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ فَإِنْ مَاتَ سَنَتَهُ حَضَرَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ يَحْضُرُونَ غُسْلَهُ وَ أَكْفَانَهُ وَ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يُسَيِّعُونَهُ إِلَى قَبْرِهِ بِالْاسْتِغْفَارِ لَهُوَ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرٍ وَ يُؤْمِنُهُ اللَّهُ مِنْ صُعُطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَنْ يَرُوعَاهُ وَ يُفْتَحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِبَيْبِنِهِ وَ يُعْطَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُورًا يُضِيءُ لِنُورِهِ مَا بَيْنَ الْمَسْرَقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ هَذَا مِنْ زُؤَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سُوقًا إِلَيْهِ فَلَا يَبْتَغِي أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمَئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُؤَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛

اگر مردم می دانستند که چه فضیلتی در زیارت قبر امام حسین علیه السلام هست، از شوق زیارت می مردند و از حسرت زیارت جان های ایشان از بدن جدا می شد.

محمد بن مسلم (راوی حدیث) عرض کرد: مگر در زیارت قبر امام حسین علیه السلام چه فضیلتی است؟

فرمودند: کسی که از روی شوق حضرت را زیارت کند خداوند برای او هزار حج و هزار عمره مقبول ثبت کند. پاداش هزار شهید از شهداء بدر، پاداش هزار روزه دار، اجر هزار صدقه دهنده از او پذیرفته شده و اجر هزار بنده ای که در راه خدا آزاد شود را منظور می دارد در طول سال پیوسته از هر بلایی محفوظ است که کمترین آن شیطان می باشد و خداوند فرشته کریمی را موکل او قرار می دهد که از جلو و پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالای سر و پائین پا او را حفظ کند. پس اگر در آن

سال فوت کرد فرشتگان رحمت بر او حاضر می شوند و وی را غسل می دهند و کفن می کنند و برای او استغفار می کنند و تا قبر در حالی که برای او طلب آمرزش می کنند او را تشییع می نمایند و تا جایی که چشم کار می کند در قبرش وسعت ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش می دارند و از خوف و ترس ملکیں دورش می کنند دری به سمت بهشت برایش گشوده می شود و کتابش به دست راستش داده می شود. در روز قیامت نوری به وی اعطا می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد آنگاه منادی ندا می دهد این از زائران حسین بن علی علیهما السلام است که از روی شوق و محبت او را زیارت کرده است. پس در روز قیامت کسی نمی ماند مگر اینکه آرزو می کند که ای کاش از زائران حسین بن علی علیهما السلام بود. (1)

### ج: وجوب زیارت

قال الصادق علیه السلام: زیارة الحسین بن علی ع واجبة علی کل من یتقو للحسین بالإمامة من الله عز وجل. زیارت امام حسین علیه السلام واجب است بر هر که اقرار به امامت آن حضرت از جانب خدای عزوجل دارد. (2)

همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی \*\*\* که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

امام محمدباقر علیه السلام: مؤوا شیعتنا بزیارة قبر الحسین علیه السلام فإن إتيانه مفترض علی کل مؤمن - یقو للحسین علیه السلام بالإمامة من الله عز وجل.

توصیه و امر کنید شیعیان ما را که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام حرکت کنند؛ زیرا آن مایه زیادتی در رزق و عمر طولانی و رفع سوء بدی خواهد بود. بلکه به

ص: 74

1- . مستدرک الوسائل، ج 10، ص 310، باب 47؛ سفینه البحار، ج 1، ص 565.

2- . الارشاد، ج 2، ص 136.

زیارت امام حسین علیه السلام، رفتن به هر مؤمنی که به امامت او معترف است یک فریضه است.(1)

## اسناد زیارت عاشورا و فوائد آن

### اشاره

بزرگانی چون شیخ طوسی قدس سره در مصباح المتعجب، ابن قولویه قمی قدس سره در کتاب کامل الزیارات، مرحوم کفعمی در کتاب بلدالامین، مرحوم ابن طاووس در مصباح الزائر، و شهید اول در مزار تمام فراهی زیارت و فضائل آن را ذکر کرده اند.

این زیارت به نص امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام وارد شده است و از مصادیق زیارت سیدالشهدا علیه السلام می باشد که طبق روایات وارده اجر و ثواب فراوانی دارد و اثر معنوی عجیبی در زندگی انسان بر جای می گذارد که فی الجمله به بعضی از آنها اشاره می نماییم: حفظ عرض و مال، لقاء الله، دفع پریشانی و قضای حوائج، طول عمر، افزایش رزق و روزی، آمرزش معاصی، دفع بلاها، اعطاء خیر و برکات، اعطاء ثواب حج، رفع عقوبت عالم قبر و قیامت و ایام زیارت امام جزء عمر حساب نمی شود و نهایت مأوای بهشت.(2)

### زیارت عاشورا

این زیارت که احادیث قدسیه می باشد؛ چرا که ظاهر روایت صفوان آن است که جبرئیل امین زیارت را از خداوند جلیل نقل کرده و سلسله اسناد آن از امام صادق علیه السلام توسط یک یک امامان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل و سرانجام به خداوند تبارک و تعالی و (قال الله) پایان می پذیرد.

امام صادق علیه السلام تضمین فرمودند برای خواننده آن اینکه زیارتش قبول، سعی و کوشش او مشکور، و حاجاتش هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و

ص: 75

1- بحارالانوار، ج 98، ص 48.

2- فرائز از شبهه، اثر آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی.



نا امید از درگاه خدا بر نگردد و خداوند عزوجل قسم خورده به ذات اقدس خود که هر کس زیارت کند امام حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا و زیارت و دعای او را قبول می کنم و خواسته اش هر چه باشد برآورده سازم و عطا می کنم. پس از درگاه من با نا امیدی و زیان باز نگردد و او را به بر آمدن حاجتش و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ خرسند می کنم و شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند می پذیرم. (1)

افراد زیادی با چهل روز خواندن زیارت عاشورا حاجت گرفته اند یا ده روز و ثواب آن را هدیه روح شریف نرجس خاتون والده حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف نمایند.

خواب یکی از علما قدیم را دیدند و سؤال کردند آرزوی داری؟

جواب داد: یکی و آن این است که چرا در دنیا هر روز زیارت عاشورا نخواندم.

مرحوم میرزای بزرگ (صاحب حکم تباکو) را که در خواب دیدند و سؤال که بهترین عمل برای سفر آخرت چیست؟ بعد از موعظه فرمودند: زیارت عاشورا.

و مؤیداً لما سبق شیخ جواد عرب مرجع تقلید گروهی از شیعیان عراق که در نجف زندگی می کرده در احوالاتش نقل شده که شب 26 صفر در عالم خواب عزرائیل را دیدم و پس از سلام پرسیدم از کجا می آیی؟

فرمود: از شیراز. روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم. پرسیدم: روح او در برزخ چه حالی دارد؟

فرمود: در بهترین حالات و بهترین باغ های برزخ و خداوند فرشتگانی را برای خدمت به ایشان گمارده است.

پرسیدم: در اثر چه کاری به این مقام نائل شد؟

فرمود: در اثر خواندن زیارت عاشورا در هر روز. بعد از اینکه از خواب بیدار شدم فردای آن روز تلگراف درگذشت میرزای محلاتی از شیراز به نجف مخابره

ص: 76

شد و صدق رؤیایی را دانستم و لذا از آن شب به بعد هرگز زیارت عاشورا را ترک نکردم حتی در ایام بیماری که از خواندن عاجز بودم بر این امر نائب می گرفتم. (1)

و از همه مهمتر سید رشتی در تشرف به محضر با برکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: حضرت به من فرمودند: چرا نافله نمی خوانی؟ نافله نافله نافله، چرا عاشورا نمی خوانی؟ عاشورا عاشورا عاشورا، چرا جامعه نمی خوانید و باز تکرار فرمودند: جامعه جامعه جامعه.

### روش بزرگان زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام

از امام هادی علی بن محمد الهادی علیه السلام نقل شده که هر کس زیارت عاشورا بخواند و یک مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَابِعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً .

پس 99 مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً .

و بعد بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اولاد الحسين و علی أصحابِ الْحُسَيْنِ

و سپس 99 مرتبه بگوید: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اولاد الحسين و عَلَى أصحابِ الْحُسَيْنِ

مثل این است که تمام صد لعن و صد سلام آن را از اول تا به آخر خوانده باشد. (2)

ص: 77

1- . داستانهای شگفت، ص 273.

2- . الصدف المشحون، ص 199 ؛ شفاء الصدورفی شرح زیارة العاشور، ج 1 ، ص 110.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهترین کارها از نظر پاداش در آخرت سه چیز است: 1- صلوات بر محمد و آل محمد؛ 2- آب رساندن به تشنگان؛ 3- حب و دوستی علی بن ابیطالب علیهما السلام. (1) «فاما من ثقلت موازینہ» (2)؛ اما کسی که ترازوهای عملش سنگین است او در یک زندگی سراسر رضایت بخش خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ما فی المیزان شیء اقل من الصلوة علی محمد و آل محمد؛ در میزان عمل چیزی سنگین تر از درود فرستادن بر محمد و آل محمد نیست» و در ذیل روایت می فرماید: افرادی در قیامت در پای میزان عمل قرار می گیرند و کفه اعمالشان سبک است سپس درود بر محمد و آل محمد را در آن می نهند و سنگین می شود. (3)

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «انما اتخذ الله ابراهیم علیه السلام خلیلاً لکثرة صلواته علی محمد و اهل بیته صلوات الله علیهم اجمعین؛ خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود انتخاب کرد برای این که او بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش که درود خدا بر آنان باد زیاد صلوات می فرستاد. (4)

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (5)

ص: 78

1- . اصول کافی، ج ، ص .

2- . قارعه / 6.

3- . نورالثقلین، ج 5، ص 659.

4- . علل الشرایع ، ج 1 ، ص 43.

5- . احزاب / 56 .

الف: نخست می فرماید: خداوند و فرشتگانش بر پیامبر، رحمت و درود می فرستند و «یصلون» فعل مضارع آورده شده یعنی این فعل هنوز استمرار دارد و رحمت و درودی پیوسته و جاودانی بر او می فرستند.

ب: صلوات و (صلوات) که جمع آن است هرگاه به خدا نسبت داده شود به معنی فرستادن رحمت و (تذکیر و ثنای اوست و صلوات فرشتگان و ملائکه مدح و ستایش رسول خداست و صلوات مردم دعای آنها برای آن حضرت و تصدیق و اقرار به فضل اوست. (1))

ج: یکی از واجبات نماز صلوات است که تمام فقهای اهل بیت علیهم السلام آن را در تشهد اول و دوم نماز واجب می دانند و در غیر آن مستحب.

د: امر خدوند به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در اینکه قبل از امر به مؤمنین که بر او صلوات بفرستند نخست صلوات خود و ملائکه خود را ذکر کرد. دلالتی هست بر اینکه صلوات مؤمنین بر آن جناب به پیروی خدای سبحان و متابعت ملائکه اوست. وقتی فعل، فعل خدای امر امر خدای در نتیجه جزا و پاداش هم خدایی و عظیم خواهد بود. (2))

این ذکر هم توحید است هم نبوت و هم ولایت هم دعای متسجاب و باقیات الصالحات و یک مداد و پاکن که سینات را پاک و حسنات را ثبت می کند.

آیت الله بهجت قدس سره می فرمود: اعظم الاذکار صلوات است. چون همه اصول دین در آن هست. «اللهم» اشاره به مبدأ است و مبدأ از معاد جدا نیست و مبدأ بی عدل نداریم «صل علی محمد» اشاره به نبوت است و «آل محمد» اشاره به امامت است.

ه- : فضیلت عظیم این ذکر

امام صادق علیه السلام فرموده اند: هرگاه نام پیامبر برده شد، بسیار بر او صلوات بفرستید؛ زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد خداوند هزار بار در هزار

ص: 79

1- . تفسیر قمی، ج، ص .

2- . المیزان، ج 16، ص .

صف از فرشته ها بر او صلوات می فرستند و چیزی از مخلوقات خداوند نماند جز اینکه بر آن بنده صلوات فرستد برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات می فرستند و هر کس در این فضیلت رغبت نکند پس او نادان و مغرور است و خداوند و رسول و خاندانش از او بیزارند. (1)

در کتاب «خلاصه الاذکار» است که از حضرت زهرا علیها السلام روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر من وارد شد در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می خواستم بخوابم. فرمود: ای فاطمه! مگر آنکه چهار عمل به جای آوری، ختم قرآن کنی و پیغمبران را شفیعیان خود گردانی و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حج و عمره بکنی و این را فرمود و داخل نماز شدند. توقف کردم تا نماز خود را تمام کرد. گفتم: یا رسول الله! امر فرمودی به چهار چیزی که من قدرت ندارم در این وقت آنها را به جا آورم.

آن حضرت تبسم کرد و فرمود: هرگاه بخوانی «قل هو الله احد» را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده ای و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من ما شفیعیان تو خواهیم بود در روز قیامت. و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند و هرگاه بگویی: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» پس حج و عمره کرده ای. (2)

#### 4: نماز شب

##### اشاره

امام حسن عسکری علیه السلام به ابن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) نامه نوشتند و در آن سفارش کردند بر توباد به نماز شب خواندن؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام چنین سفارش کرد و فرمود: ای علی! بر توباد به نماز شب خواندن و این جمله را سه بار تکرار نمود. سپس فرمودند: هر کس نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست، پس توصیه مرا به کار بند و شیعیانم را بر انجام آن فرمان ده تا عمل کنند

ص: 80

1- اصول کافی، ج 2، کتاب الدعاء، ص .

2- مفاتیح الجنان،

و بر توباد به صبر و انتظار فرج؛ زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است امت من و شیعیان ما همواره اندوهگین خوانند بود تا فرزندم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت ظهور او را داده است قیام کند او زمین را پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده سرشار از عدالت و برابری خواهد نمود. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قبر چند ندا دارد اینکه من منزل تاریکم چراغی تهیه کنید. سپس فرمودند: چراغ این دخمه ظلمانی نماز شب است.

### فائده نماز شب

امام رضا علیه السلام می فرمایند: بر توباد به نماز شب، هیچ بنده ای نیست که آخر شب بیدار شود و هشت رکعت نماز شب و دو رکعت نماز وتر و یک رکعت نماز وتر بخواند و در قنوت آن هفتاد بار استغفار کند مگر اینکه خداوند او را از عذاب قبر و آتش پناه داده و عمر او را طولانی کرده و به زندگی او گشایش می دهد. (2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «ان الحسنات یدهین السیئات» (3)؛ کارهای نیک اثر کارهای بد را از بین می برد، می فرمایند: نماز شب گناهان روز را از بین می برد. (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: عَلَیْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَأَدَبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَمَطْرَدَةُ الدَّاءِ عَنِ أَجْسَادِكُمْ؛ بر شما باد به اقامه نماز شب که آن سنت پیامبر شماسست و شیوه صالحین پیش از شما و دور کننده درد و بیماری از جسم هایتان. حضرت علی علیه السلام می فرماید: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ؛ بهترین کارها آن است که خود را به آن وادار کنی.

ص: 81

1- . بحار الانوار، ج 50، ص 317.

2- . بحار الانوار، ج 87، ص 161.

3- . هود / 114.

4- . بحار الانوار، ج 87، ص 161.

نقل از یکی از علما در نجف فرمودند: روزی حرکت می کردم دستی بر شانه ام آمد برگشتم یکی از اولیاء الله بود. فرمود: فرزندم دنیا می خواهی نماز شب، آخرت می خواهی نماز شب، اگر هم دنیا و هم آخرت می خواهی نماز شب. به این معنی که بیداری سحر هم برای مزاج مادی مفید است و هم برای مزاج معنوی که این عمل شیوه صالحان بوده که هیچ شبی را بی نافله صبح نمی کردند.

صدوق با سند خود از علی بن محمد نوفلی نقل می کند که گفت: از امام هادی علیه السلام شنیدم می فرمود: بنده ای برای نماز شب بر می خیزد و در حالی که از خواب آلودگی چانه ای او بر سینه اش افتاده و به راست و چپ خم می شود خدای سبحان فرمان می دهد تا درهای آسمان را بگشایند سپس به فرشتگان خود می فرماید به بنده ام بنگرید که در راه تقرب من با عباداتی که بر او واجب نکرده ام چه سختی می کشد او از من سه امید دارد، گناهی که ببخشم یا توبه ای که تازه کنم یا رزقی که بیفزایم ملائکه من گواه باشید که همه را به او دادم.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: هیچ قطره ای نزد خداوند عزوجل محبوب تر از دو قطره نیست: قطره خون شهیدی که در راه خدا ریخته می شود و قطره اشکی که در تاریکی شب در پیشگاه خداوند جاری می شود و بنده تنها برای خدا اشک بریزد. (1)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (2) می فرماید: وقتی نمازی مستحبی را بر خود واجب می کنند و بر آن مداومت دارند. (3)

ص: 82

---

1- . بحارالانوار، ج 93، ص 331.

2- . معارج / 23.

3- . المیزان، ج 20.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: کسی که در نماز وتر سوره فلق و ناس و قل هوالله احد بخواند به او گفته می شود: ای بنده خدا! بشارت بر تو، خدا نماز وتر تو را قبول کرد. (1)

## 5: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

### دوری شیطان و خشنودی خدا

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید: « مَنْ سَبَّحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ - ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفْرَ لَهُ وَ هِيَ مَائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَ تَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ تُرْضِي الرَّحْمَنَ؛ هر کس تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام را به جا آورد و پس از آن استغفار کند، مورد مغفرت قرار می گیرد، و آن تسبیح به زبان صد تا است، و در میزان (اعمال) هزار (ثواب) دارد، و شیطان را دور کرده، و خدای رحمان را خشنود و راضی می نماید. (2)

### نجات از شقاوت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمُهُ عَبْدٌ عُقُوبَةً؛ ای اباهارون! ما بچه های خود را همان طور که به نماز امر می کنیم، به تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام نیز امر می کنیم تو نیز بر آن مداومت کن؛ زیرا هرگز به شقاوت نیفتاده بنده ای که بر آن مداومت نموده است. (3)

این صد ذکر تکبیر، تحمید و تسبیح هر چند فی نفسه حائز اهمیت و عظمت و مآجور برای قاری هست ولی این کثرت ثواب آن به خاطر انتساب به حضرت فاطمه

ص: 83

1- . نورالثقلین، ج5؛ مجمع البیان، ج 10.

2- . وسائل الشیعه، ج 6، ص 442.

3- . فروع کافی، ج3، ص 343، ح 13.



زهره‌ها علیها السلام است که خداوند به خاطر زهرای اطهر این اجر و ثواب عظیم را بر آن مترتب ساخته است. از علما بزرگ که از ختم از آنها سؤال می شد آنها این تسبیحات را معرفی می کردند، چرا که مختص به تعقیبات نیست و در هر حال می شود انجام داد.

#### 6: احسان به دیگران

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: فَضَاءُ حَاجِبَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَشْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: انجام کار مؤمن از آزاد کردن هزار برده و بخشیدن بار هزار اسب در راه خدا بهتر است. ابوعبدالله علیه السلام از محبوب ترین کارها به درگاه خدا شاد کردن مؤمنان است شکم او را سیر کند، رنج و غم او را برداید، وام او را ادا کند. (1)

#### 7: کمک و انفاق

(1) - عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذْ أَدْخَلَ السُّرُورَ عَلَى أَخِيهِ أَنَّهُ أَدْخَلَهُ عَلَيْهِ فَقَطُّ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلْ وَاللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

یکی از معصومین علیه السلام فرموده اند: کسی که مؤمنی را شاد ساخت گمان نبرد که تنها او را مسرور کرد. بلکه به خدا سوگند ما را و بلکه رسول خدا را هم خرسند و مسرور نموده است. (2)

(2) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَّافِيِّ قَالَ سَجَعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِيمَا نَاجَاهُ اللَّهُ بِهِ عَبْدُهُ مُوسَى قَالَ إِنَّ لِي عِبَادًا أُبِيحُهُمْ جَنَّتِي وَأُحْكَمُهُمْ فِيهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ هُمْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تُبِيحُهُمْ جَنَّتِكَ وَتُحْكَمُهُمْ فِيهَا قَالَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا؛

ص: 84

1- . گزیده کافی، 281؛ کتاب حقوق برادران دینی در اسلام، شیخ صدوق.

2- . مصادفة‌الاخوان ، ص 60.

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال با بنده خویش موسی مناجات کرد و از جمله بدو فرمود: مرا بندگانیست که بهشت را بر آنها روا داشتیم و آنها را در بهشت داور قرار خواهم داد.

موسی پرسید: کیانند؟

فرمود: آنان که مؤمنی را شاد سازند. (1)

(3) - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.

امام سجاد علیه السلام فرمودند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: بهترین کارها نزد خدا شاد کردن مؤمنان است. (2)

(4) - عَنْ جَبْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْنَاهُ يَقُولُ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از محبوب ترین کارها نزد خدا مسرور ساختن مؤمن است. (3) عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال: مَنْ ذَهَبَ مَعَ أَخِيهِ فِي حَاجَةٍ فَصَاَهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که با برادر خویش پی کاری رود خواه انجام گیرد و خواه انجام نگیرد، چنان است که خدای را پرستیده است. (4)

عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ اسْمِعْ مَا أَقُولُ لَكَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ الْحَقُّ وَاتَّبِعْهُ وَاتَّخِذْ بِهِ عَلِيَّةً إِخْوَانِكَ فُلْتُ وَمَا عَلِيَّةُ إِخْوَانِي قَالَ الرَّائِغُونَ

ص: 85

1- . مصادقة الاخوان ، ص 60.

2- . مصادقة الاخوان ، ص 60.

3- . مصادقة الاخوان ، ص 60.

4- . مصادقة الاخوان ، ص 68.

فِي قِصَاةِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ قَصَدَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَصَدَ إِلَى اللَّهِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةُ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْلَاهُ الْجَنَّةَ لَهُ وَ مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَدْخُلَ لَهُ قَرَابَتُهُ وَ مَعَارِفُهُ وَ إِخْوَانُهُ الْجَنَّةَ بَعْدَ أَنْ لَا يَكُونُوا نَضَابًا فَكَانَ مُفْضَلُ إِذَا سَأَلَ الْحَاجَةَ أَخَا مِنْ إِخْوَانِهِ فَقَالَ لَهُ أَمَا تَشْتَهِي أَنْ تَكُونَ مِنْ عَلَيْهِ إِخْوَانٍ.

امام صادق عليه السلام فرمود: ای مفضل! آنچه گویم بشنو و بدان که راست است که آن را به کار بند و به برادر ارجمندت بگو، گفتیم: برادران ارجمند کیانند؟

فرمود: آنانکه رسیدگی به کارهای برادران را خواهانند. سپس فرمود: هر کس یک حاجت از برادر مؤمن خویش را برآورد خداوند در روز قیامت صد حاجت از وی برآورده سازد که نخستین آنها بهشت است، دیگر آنکه نزدیکان و آشنایان و برادران او را به بهشت ببرد، ولی به این شرط که ناصبی(1).

نباشند. از آن پس مفضل از هر برادری از برادران خویش که کاری می خواست به او می گفت مگر نمی خواهی از برادران ارجمند به شمار آیی؟(2)

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَنْ أُلْغِمَ مُمْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَعْطَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ سَقَاةِ اللَّهِ مِنَ الرَّجِيحِ الْمَخْتُومِ وَ مَنْ كَسَاهُ ثَوْبًا لَمْ يَزَلْ فِي صَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ مِنْ ذَلِكَ الثَّوْبِ هُدْبَةٌ أَوْ سِلْكٌ وَ اللَّهُ لَقِصَاةُ حَاجَةِ

الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ.

محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر که مؤمن گرسنه را سیر کند، خداوند وی را از میوه های بهشت می خوراند، و هر که او را از تشنگی سیراب کند خداوند وی را از شربت مشکبو بنوشاند و هر که او را جامه بپوشاند، تاریخه و نخی از آن جامه

ص: 86

1- ناصبی: طایفه ای از اهل سنت بوده اند که قتل عام شیعه را سبب به بهشت رفتن می دانسته اند و خوشبختانه در عصر حاضر تقریباً منقرض شده اند.

2- . مصادقه الاخوان ، ص 52.

بر تن آن مؤمن است در ضمان خدا خواهد بود، به خدا سوگند! همانا بر آوردن حاجت مؤمن از یک ماه روزه و اعتکاف برتر است. (1)

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَإِشْبَاعَ جُوعَتِهِ وَتَنْفِيسَ كُرْبَتِهِ وَفَصَاءَ دِينِهِ.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: همانا شاد نمودن مؤمن و سیر کردن وی و غم و اندوه وی را از بین بردن و ادای دین او، از محبوب ترین کارها نزد خداوند بزرگ است. (2)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا كَلْبَةَ أَطْعُمُهَا أَخَا لِي فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْبِعَ عَشْرَةَ مَسَاكِينَ وَلَا أَنْ أُعْطِيَ أَخَا لِي فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ مِائَةَ دِرْهَمٍ لِلْمَسَاكِينِ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: لقمه را به برادر دینی خود بخورانم بیشتر دوست می دارم تا ده گدا را سیر کنم ، و ده درهم به برادر دینی خود بدهم بیشتر دوست دارم تا صد درهم به گدایان ببخشم. (3)

امام صادق علیه السلام به هارون نایبنا فرمود: خداوند سوگند خورده که خاتنی را همجوار خود نکند. سؤال شد: خاتن کیست؟

فرمود: آن که درهمی یا چیزی از مال دنیا از مؤمنی دریغ و پنهان کند هر یک از یاران ما که برادرش در مشکلی از او کمک بخواهد و وی با تمام توان خود در کمک به او نکوشد هر آینه به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است.

سؤال شد: مؤمنان کیانند؟

فرمود: از زمان امیرالمؤمنان تا آخرشان.

ص: 87

1- . مصادقة الاخوان ، ص 43.

2- . مصادقة الاخوان ، ص 44.

3- . مصادقة الاخوان ، ص 44.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در شب معراج در سیر خود به بهشت رفتم. جبرئیل قصری بسیار زیبا و شکوهمند و بزرگ را به من نشان داد ولی دیدم چنین قصری دالان ندارد و در کنارش بوستان نیست. از جبرئیل سوال پرسیدم: چرا این کاخ دالان و بوستان ندارد؟

جبرئیل گفت: ای محمد! این قصر از آن نمازگزارانی است که در مورد تأمین نیازهای برادران دینی خود بخشی از توان خود را به کار می اندازند نه همه توان خود را، از این رو قصرهایشان دالان و بوستان ندارد. (1)

#### 8: ذکر یونسیه

در هر روز و شبی یک سجده طولانی کند و در آن بسیار بگوید: « لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ » (2) و در آن قصد کند که روح من در زندان طبیعت اسیر و مقید به این قیود است و پروردگار پاکتر از این است که به من ستم کند و من هستم که به خودم ستم کرده ام و آن را در این مهلکه ها انداخته ام. (3)

#### 9: شرط کمال

##### اشاره

پیشتازی در عمل زمان خاص و مکان خاص (هدیه اعمال به حضرات معصومین از کتاب مکیال المکارم مرحوم فقیه احمد آبادی)

در کتاب مکیال المکارم این حدیث آورده شده که اگر انسان ثواب نمازها و اعمال را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هدیه کند هم حبط نمی شود و هم ثواب فروانی دارد.

استفتاء از آیت الله صافی گلپایگانی: هدیه ثواب اعمال به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها منافاتی با اخلاص ندارد بلکه ارزش و ثواب عمل را توأم با عرض ارادت به رسول خدا و ابراز محبت به آن حضرت مضاعف می گرداند.

ص: 88

1- . بحار الانوار، ج 85، ص 286.

2- . انبیاء / 87.

3- . میرزا جواد آقا ملکی.

استفتاء از آیت الله العظمی مظاهری: منافاتی با اخلاص ندارد و تعمیم آن نیز برای دیگر معصومین مانعی ندارد.

آیت الله العظمی وحید خراسانی حفظه الله: اصل عمل (حج) را برای خود و ثواب آن را هدیه به امام عسکری علیه السلام نمایید.

### شرط قبول اعمال

شرط قبول نمونه ای از اهل حسرت آنان که عبادات بسیار دارند ولی رهبری و ولایت علی بن ابیطالب علیهما السلام را نپذیرفته اند. (1)

قال علیه السلام: « فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا؛ هر کس ولایت و رهبری ما را نپذیرد خدا هم اعمال او را قبول نمی کند». (2) امام محمدباقر علیه السلام می فرماید: كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيُهُ غَيْرٌ مَقْبُولٌ؛ کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خداوند ندارد تلاشش بی فایده است. (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست اگر بنده ای روز قیامت عمل هفتاد پیامبر را داشته باشد تا ولایت من و اهل بیت من را نداشته باشد، خداوند از او قبول نخواهد کرد. (4)

### نشانه مخلص از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نشانه مخلص چهار چیز است: قلبی سلیم دارد، اعضا و جوارحش تسلیمند، خیرش به دیگران می رسد و از بدی خوددار است. (5)

ص: 89

1- بحارالانوار، ج 27، ص 184.

2- کافی، ج 1، ص 430.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 118.

4- امالی طوسی، ص 140.

5- میزان الحکمه، ج 3.

« يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ » ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد. (1)

مفسرین کدح را به معنی تلاش و کوششی که با رنج و تعب همراه باشد و روی جسم و جان اثر بگذارد بیان کرده اند. و اشاره این آیه به یک اصل اساسی در حیات همه انسان ها است که همواره زندگی آمیخته با زحمت و رنج و تعب است حتی اگر هدف رسیدن به متاع دنیا باشد تا چه رسد به اینکه هدف آخرت و سعادت جاویدان و قرب پروردگار باشد این طبیعت ز ندگی دنیا است و زمانی این رنج و تعب تا آن روز ادامه خواهد یافت و به پایان خواهد رسید که پرونده این دنیا بسته شود و انسان با عملی پاک خدای خویش را ملاقات کند. (2)

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام می فرماید:

راحتی و آسایش در دنیا و برای اهل دنیا وجود ندارد راحتی و آسایش تنها در بهشت است و برای اهل بهشت رنج و تعب در دنیا آفریده شده و برای اهل دنیا به همین دلیل هر کس پیمانه ای از آن به دست می آورد دو برابر آن حرص نصیب او می شود و کسانی که از دنیا بیشتر دارند فقیرترند؛ زیرا محتاج دیگران در حفظ اموال خویشند و به وسائل و ادوات زیادی برای حفظ آن نیازمندند، بنابراین در ثروت دنیا راحتی نیز وجود ندارد. سپس امام در ذیل این حدیث فرمودند: كَلَّا مَا نَعِبُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا بَلَّ نَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ ؛ هرگز دوستان خدا در دنیا به خاطر دنیا رنج و تعب نمی کشند بلکه رنج و تعب آنها در دنیا برای آخرت است. (3)

ص: 90

1- . انشقاق/6.

2- . تفسیر نمونه ذیل آیات.

3- . خصال، ج 1 ، ص 65.

از اهم مراقبات که انسان واردات و صادرات دهانش را مراقب باشد چرا که وقتی واردات هرزه باشد صادرات هم بالطبع هرزه و کثیف می شود از کوره همان برون طراود که در اوست. و بدانیم اکثر گناهان فرزند آدم از زبان اوست مسلمانی را با بیان کلماتی بانگه باور قلبی کافر می کند که دست تر نمی شود به او گذاشت و او را در ردیف نجاسات کلب و خوک و ... تنزیل می دهد که این امر از هیچ کدام اعضای دیگر ساخته نیست پس فلسفه وجودی زبان گفتن ذکر خداوند، تلاوت قرآن، ارشاد بندگان خدا و ابراز خواسته های انسان اعم از دینی و دنیایی است اگر در غیر از این موارد به کار گیری نعمت خدای سبحان را کفران و ناسپاسی کرده ای چه شکر نعمت به کار بردن نعمت در راهی است که خداوند امر فرموده است. (شهید ثانی)

یکی از علما می فرمودند: در جوانی بد اخلاقی که با خانواده داشتیم حرف هایی زدیم که بعد گفتند در عالم معنا آقای عالم بیست سال ناله های تویی اثر شد.

ماه های رجب و شعبان و رمضان فرق گاه های خدا هستند پس در این فرق گاه ها داخل شو اما حرمت آن را پاس بدارد. و در ماه ها بیدار باش تا برای مسافرت خویش توشه برداری. شبی در عالم خواب و رؤیای صادقه که در دهه فاطمیه واقع شده بود عالم محشری دیدم از افرادی که از دنیا رفته بودند و همگی به سمت کوه نورانی در حرکت بودند گویا زهرای اطهر بار عام داده بودند. در میان ان جمعیت پدر مرحومم (سید علی اکبر امامی) را مشاهده کردم و مثل کسی که گم شده ای را پیدا کرده دویدم جلو، ولی مأمورینی همراه ایشان و مراقبت می کردند صحبت هایی رد و بدل شد که سنوالم کردم امری دارید انجام بدهم ایشان فرمودند: از این نمازهای مستحیی ماه رمضان بفرستید.

و بدانید که آنها بر اعمال خیر شما واقفند بعد تبدیل شدن به نعمت هایی که آنها آن طرف نیازمند آن هستند این قضیه را فرزند محدث قمی مؤلف مفاتیحالجانان نقل می کند که: بعد فوت پدرم هر شب جمعه کنار صحن حضرت علی علیه السلام کنار حجره



محل دفن پدرم ظرف آبی می گذاشتم و به افراد زائر آب می دادم. یک شب جمعه فراموش کردم پدرم را شبی در خواب دیدم عرض ارادت کردم و او در جواب گفت: بابا من تشنه ام در فکر بودم که چه کنم برای رفع تشنگی پدر که او خودش راهنمایی کرد. از آن هایی که شب های جمعه به زائران می دادی می خواهم پس فهمیدم پدرم از نرسیدن خیرات آن شب جمعه به وی ناراحت بود.

#### 10 : شرط بقاء

عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمودند: آیا می دانید مفلس کیست؟

گفتند: نزد ما کسی است که نه درهم دارد و نه مال و نه متاع.

حضرت فرمودند: جز این نیست که مفلس از امت من کسی است که با داشتن نماز و روزه و زکات و حج ، می آید کسی که به او فحش داده و دیگری می آید که آن شخص مالش را خورده و دیگری می آید که خوش را ریخته و دیگری می آید که او را زده است. پس حسنات آن شخص گرفته و به هر یک از صاحبان حق به اندازه حقشان داده می شود و اگر بیش از آنکه صاحبان حق به حق خود برسند حسناتش تمام شود از گناهان صاحبان حق برداشته می شود و برا و می اندازند آنگاه او را به جهنم می افکنند. (1)

وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلنا هباءً منثوراً. (2)

و به سراغ اعمالی که انجام داده ایم می رویم و همه را همچون ذرات پراکنده در هوا می کنیم. (3)

در الدر المنثور جلد پنجم از علی بن ابیطالب علیهما السلام روایت شده که فرمودند: هباء به معنای باد غباری است که بالا می شود و می رود و اثری از آن باقی نمی ماند. خدا هم با اعمال کفار این طور معامله می کند.

ص: 92

1- . گناهان کبیره ، بحار الانوار، ج 3.

2- . فرقان / 23.

3- . تفسیر المیزان، ج 19، ص 285؛ تفسیر نمونه، ج 19، ص 61.

و عمل چیزی است که در نشأه بعد از مرگ مایه معیشت آدمی است پس آن را طوری از هم می پاشیم که چون غبار نابود شود و دیگران از آن بهره مند نشوند و این طرز سخن بر اساس تمثیل است می خواهد قهر خدا را بر جمیع اعمال کفار که به منظور سعادت حیات انجام داده اند برساند و بفهماند که چگونه می تواند آنها را باطل سازد به طوری که اثری در سعادت زندگی ابدی آنها نداشته باشد.

امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می فرماید: روز قیامت خداوند گروهی را مبعوث می کند در حالی که نوری در مقابل آنان همچون لباس های سفید و درخشانده است (این نور همان اعمال آنها است) سپس به آن اعمال فرمان می دهد همگی ذرات پراکنده غبار شوید و به دنبال آن همه محو می گردند سپس فرمود: آنها نماز و روزه را به جا می آوردند ولی هنگامی که حرامی به آنها عرضه می شد آن را می چسبیدند و موقعی که از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای آنها بیان می گشت انکار می کردند. (1)

یکی از علما نقل می کردند که مادر یکی از نزدیکان فوت کرد. بنابر وظیفه در تسلی دادن در مراسم تدفین تشییع و ترحیم او شرکت و بعد از چهلم مرحومه بود که پسر آن مرحومه با یک بسته از کتاب دعا که برای مادر انتشار داده بود آمد و در حال غضب گفت: این کتاب ها را به افرادی می دهم که تابلوی خیرات فرستاده اند و به شما که ندادید و آبروی ما را بردید نخواهم داد. گفتم: وظیفه من شرکت در مراسم و تسلیت بوده و وظیفه ای در تابلو دادن نداشتم و قضیه گذشت البته با دلخوری و ناراحتی بعد از چندی آن شخص را باز ملاقات و گفتم: ناراحتم که هنوز خبر رسید کتاب ها را مادرم به من نداده است تا اینکه یک شب در عالم خواب آن مادر آمد و به زبان عامیانه گفت: به او بگوید کار را می کنید ولی خرابش می کنید این قصه چند پیام دارد: اول اینکه خداوند می فرماید: « لا تبطلوا الصدقات بالمن و الاذی » کارهای خیر را با منت و اذیت باطل نکنید. می شود این

ص: 93

---

1- . تفسیر علی بن ابراهیم، طبق نور الثقلین، ج 4، ص 9.

مثال را زد که کار خیر شما مثل یک ظرف شیر بزرگ است و آن ممت و اذیت مثل یک فضله موش که همه را خراب و از بین می برد.

دوم اینکه: از مطلع بودن عالم ارواح از کم و کیف قضایا که همه را مطلع بودند پس هشدار که مبدا اعمال خیر را با حیط و نابودی از بین ببریم و با ممت و اذیت و در غیر مورد آن صرف کردن یا نیت چشم و هم چشمی و ریا کردن که آن عمل را بی فایده می کند.

عواملی مثل عجب، حسد، ریا و بی ایمان رفتن از دنیا تمام اعمال را حیط و نابود می کند.

### **داستان سختی حساب سفید شدن موی سر دختر از ملاحظه عذاب قبر مادر**

علامه طباطبایی از مرحوم آیه الحق عارف عظیم الشان آقای حاج میرزا علی آقا قاضی رضوان الله علیهما نقل می کنند که در نجف اشرف در نزدیکی منزل ما مادر یکی از افندی ها (سنی های عثمانی) فوت کرد. این دختر در مرگ مادر بسیار ضجه می کرد و جداً متألّم و ناراحت بود و با تشییع کنندگان تا قبر مادر آمد و آنقدر ناله کرد که تمام جمعیت مشیعین را منقلب نمود.

تا وقتی که قبر را آماده و خواستند مادر را در قبر گذارند فریاد می زد که من از مادرم جدا نمی شوم؛ هر چه خواستند او را آرام کنند مفید واقع نشد.

دیدند اگر بخواهند اجباراً دختر را جدا کنند بدون شک جان خواهد سپرد.

بالاخره بنا شد مادر را در قبر بخوابانند و دختر هم پهلوی بدن مادر در قبر بماند ولی روی قبر را از خاک انباشته نکنند و فقط روی آن را از تخته ای بپوشانند و سوراخی هم بگذارند تا دختر نمیرد و هر وقت خواست از آن دریچه و سوراخ بیرون آید. دختر در شب اول قبر، پهلوی مادر خوابید؛ فردا آمدند و سرپوش را برداشتند که ببینند بر سر دختر چه آمده است، دیدند تمام موهای سرش سفید شده است.

گفتند: چرا اینطور شده ای؟

گفت: هنگام شب من که پهلوی مادرم خوابیدم، دیدم دو نفر از ملائکه آمدند و در دو طرف ایستادند و یک شخص محترمی هم آمد و در وسط ایستاد.

آن دو فرشته مشغول سؤال از عقائد او شدند و او جواب می داد. سؤال از توحید نمودند، جواب داد: خدای من واحد است، و سؤال از نبوت کردند. جواب داد: پیغمبر من محمد بن عبدالله است.

سؤال کردند: امامت کیست؟

آن مرد محترم که در وسط ایستاده بود گفت: کَسْتُ لَه بامام؛ من امام او نیستم.

در این حال آن دو فرشته چنان گرز بر سر مادرم زدند که آتش به آسمان زبانه می کشید.

من از وحشت و دهشت این واقعه به این حال که می بینید در آمده ام.

مرحوم قاضی رضوان الله علیه می فرمود: چون تمام طایفه دختر سنی مذهب بودند و این واقعه طبق عقائد شیعه واقع شد، آن دختر شیعه شد و تمام طائفه او که از افندی ها بودند همگی به برکت این دختر شیعه شدند.

ص: 95







«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ \* فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ \* فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (1)

بر شما مقرر شده چون یکی از شما را مرگ در رسد، اگر مالی از خود به جا گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشان به طور پسندیده وصیت کند. این حقی است بر عهده پرهیزکاران. پس کسانی که بعد از شنیدن وصیت در آن تغییری دهند، گناهش فقط بر عهده آنانی است که تغییرش می دهند؛ یقیناً خدا شنوا و داناست. و کسی که از انحراف وصیت کننده [در مورد حقوق ورثه] یا از گناه او [که به کار نامشروع و ناحقی وصیت کند] بترسد، و میان ورثه [با تغییر دادن وصیت بر اساس احکام دین] اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

**تعریف وصیت****تعریف وصیت (2)**

آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد یا صرف در خیرات و میراث کند یا برای اولاد خود قیام و سرپرستی معین کند و کسی را که به او وصیت می کنند وصی می گویند که این کار را با گفتن یا نوشتن مقصود خود را به او بفهماند و اگر قادر به سخن گفتن و نوشتن نباشد می تواند با اشاره ای که مقصودش را برساند وصیت کند شخصی که وصیت می کند باید عاقل و بالغ باشد و از روی اختیار

ص: 99

1- . بقره / 182-180.

2- . توضیح المسائل مراجع.



وصیت کند و در حال بالغ شدن، سفیه نباشد یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکند و حاکم شرع هم او را از تصرف در اموالش جلوگیری نکرده باشد.

### شرح آیات 182-180 سوره بقره

مفسران می فرمایند: (1) بعضی وصیت کردن را واجب دانسته اند با توجه به کلمه کتب که یعنی نوشته شد فلان امر بر فلان قوم و مؤید آن جمله آخر آیه که می فرماید: حقاً چون کلمه حق نیز مانند کتابت اقتضای معنای لزوم را دارد لکن از آنجا که همین کلمه را مقید به متقین کرده و فرمود: حقاً علی المؤمنین می فهمیم که برای عموم مؤمنین واجب نیست.

2: وصیت باید بر اساس معروف یعنی عقل پسند و شناخته شده برای عقل و خرد و شایسته باشد نه از روی کینه و انتقام و یا مهرورزی های بی جا و بی رویه و نه بکنوع تبعیض ناروا و مایه نزاع و دعوا و انحراف از اصول حق و عدالت. مؤید اینکه در متون روایی آمده است که شخصی با داشتن کودکان صغیر تمام اموال خود را در راه خدا بخشید چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوجه شدند پرسیدند با این مرد چه کردید؟

گفتند: او را دفن کردیم.

فرمود: اگر قبلاً به من خبر داده بودید اجازه نمی دادم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید؛ چرا که او با داشتن این همه فرزند برای آنان هیچ مالی نگذاشته و بچه های صغیر خود را رها کرده تا گدایی کنند و همه را در راه خدا داده است. (2)

3: در آیه شریفه به جای کلمه مال از کلمه خیر استفاده شده تا روشن شود که مال و ثروت، مایه خیر و نیکی است اگر در راه درست مصرف شود.

ص: 100

1- . تفسیر نمونه، قمی، المیزان، نور

2- . سفینه البحار، ذیل کلمه وصی.

- 4: چون از ارث تنها بعضی از بستگان بهره مند می شوند آن هم به مقدار معین، لذا اسلام سفارش می کند اگر در میان فامیل و خویشاوندانی که از او ارث نمی برند کسانی هستند که فقیر هستند با وصیت سهمی را به آنان اختصاص دهد کما اینکه روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: کسی که در دم مرگش برای خویشاوندانش که از او ارث نمی برند وصیتی نکند عمل خود را با معصیت ختم کرده است. (1)
- 5: وصیت کار دقیقی است که اگر خدای ناکرده با بی توجهی انجام شود و بعداً عامل فتنه و ناراحتی هایی گردد تمام کارهای خیر محو می شود. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: گاهی انسان شصت سال عبادت می کند ولی چون وصیت نامه خود را عادلانه تنظیم نمی کند به دوزخ می رود. (2)
- 6: مقدار وصیت یک سوم مال است و اگر شخصی در مورد بیش از این مقدار وصیت کند اجازه وارثان شرط است. (3)
- پس بنابراین آنچه در میان افراد ناآگاه معمول است که تمام اموال خود را از طریق وصیت تقسیم می کنند به هیچ وجه از نظر قوانین اسلامی صحیح نیست و بر شخص وصی لازم است که آن را اصلاح و تا سر حد ثلث تقلیل دهد و از خونریزی، نزاع و فساد جلوگیری کند و زیر نظر حاکم شرع اصلاح گردد.
- 7: تأکید زیاد بر وصیت شده است از جمله در حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سزاوار نیست مسلمان شب بخوابد مگر اینکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد (کنایه از آماده بودن آن است). و جای دیگر می فرماید: عنہ صلی الله علیه و آله و سلم مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بدون وصیت از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیت است. (4)

ص: 101

- 
- 1- . تفسیر عیاشی، ج 1، ص 76.
  - 2- . نهج الفصاحه، جمله 626.
  - 3- . وسائل الشیعه، ج 13، ص 361.
  - 4- . وسائل الشیعه، ج 13، ص 352.

8: وصیت منحصر به مسائل مالی صرف نیست، بلکه باید وضع دیون و اماناتی که به او سپرده شد قضاای نماز و عبادات دیگر حج پرداخت حقوق واجبه مانند خمس، زکات، بدهی های مردم و یا وصیت مستحب مثل وصیت به امور خیریه به گونه ای که هیچ امر مبهمی در حقوق مردم یا حقوق الهی که بر عهده اوست وجود نداشته باشد. 9: وصیت راهی برای تداوم عمل صالح و باقیات الصالحات پس از مرگ است که باز رسول معظم اسلام حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: هر کس با وصیت از دنیا برود گویا شهید مرده است. (1)

10: در وصیت تعدی و جور و ضرار نکند و آن به وصیت بیش از ثلث است که ورثه را از حق مشروعشان باز دارد و یا اینکه تبعیضات ناروایی به خاطر حب و بغض های بی دلیل انجام دهد حتی در بعضی موارد که ورثه سخت نیاز مندند دستور داده شده وصیت به ثلث هم نکنند و آن را به یک چهارم و یک پنجم تقلیل دهند. (2)

11: در وصیت باید شاهد گرفت. شخصی آمد خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گفت: یا رسول الله من باغی دارم می خواهم به یکی از فرزندانم ببخشم. شما بیابید شاهد باشید. حضرت فرمودند: آیا فرزند دیگری هم داری؟

گفت: آری.

حضرت فرمودند: به همه آنها چیزی بخشیدی؟

گفت: نه.

حضرت فرمودند: ما سلسله پیغمبران به چنین ظلمی شاهد نمی شویم. (3)

پس هر کس که آن وصیت را بعد شنیدن تغییر دهد گناهش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می دهند همانا خداوند شنوا و داناست. (4)

ص: 102

1- . وسائل الشیعه، ج 13، ص .

2- . وسائل الشیعه ج 13، ص 360.

3- . وسائل الشیعه، ج 27، ص 414.

4- . بقره/ 181.

هنگامی که وصیت جامع تمام ویژگی های بالا باشد از هر نظر محترم و مقدس است و هر گونه تغییر و تبدیل از سوی دیگران حرام است هر چند خلافتکاری های وصی (کسی که عهده دار انجام وصایا است) هرگز اجر و پاداش وصیت کننده را از بین نمی برد و او به اجر خود رسیده، تنها گناه بر گردن وصی است که تغییری در کمیت یا کیفیت و یا اصل وصیت داده است پس اگر اموال میت بر اثر اعمال خلاف وصی به افرادی داده شود که مستحق نبوده و آنها نیز از این موضوع بی خبر باشند بر آنها نیز گناهی نیست و تنها گناه متوجه وصی است که دانسته چنین عمل خلافی را انجام داده است.

نکته: خود وصیت کننده مادامی که زنده است می تواند مقدار و چگونگی وصیت و شخص وصی را تغییر دهد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ترک الوصیه عار فی الدنیا و نار و ثار فی الآخرة؛ نداشتن وصیت ننگ دنیا و ننگ و آتش آخرت است. (1)

امام سجاد علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: یکی از گناهانی که موجب پشیمانی می شود نداشتن وصیت است. (2)

### هدف از نوشتن وصیت نامه

نوشتن آن واجب است بر شخصی که به دیگران بدهکار است یا امانتی از مردم پیش او هست یا واجباتی مانند نماز و روزه و حج و کفارات بر عهده دارد و جلوگیری می کند از تضییع حقوق طلبکاران از نزاع ها و درگیری ها شدید بین وارثان که در دادگاه ها و محاکم بین خواهر و برادر و بستگان زیاد است جلوگیری می کند هر چند برای تنظیم آن مراجعه به عالم دینی آگاه به مسائل وصیت یا دفاتر مراجع تقلید بهتر است.

ص: 103

1- . نهج الفصاحه، ص 575.

2- . بحارالانوار، ج 70، ص 370.

از مهم بودن وصیت این که اگر شخصی که نماز و روزه او قضا شده وصیت کند برای او نائب بگیرند وارثان مکلف به گرفتن نائب خواهند بود. اما اگر وصیت نکند به نظر مشهور مراجع تقلید وارثان حتی اگر از موضوع آگاه باشند در این زمینه تکلیفی ندارند مگر پسر بزرگ که البته با شرایطی مخصوص؛ یادآور می شود وصیت به قضاء نماز و روزه مسئولیتها را در قیامت بر نمی دارد؛ زیرا چه بسا به وصیت ما عمل نشود، بنابراین بهتر است تا می توانیم قضا نماز و روزه خود را به جا آوریم. (1)

\* وصیت به پرداخت مقداری از ثلث برای خویشاوندانی که وارث نیستند و یا وصیت به مبلغی غیر از سهم ارث برای پدر و مادر مستحب است و در قرآن کریم و روایات تأکید فراوانی به آن شده است.

در سوره بقره می خوانیم: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ؛ بر شما مقرر شده هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز ارزشمندی مالی از خود به جای گذارده برای پدر و مادر و خویشاوندان، به طور شایسته وصیت کند این وظیفه ای است بر پرهیزکاران.» (2)

در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

« مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِي قَرَابَتِهِ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِيَةٍ؛ کسی که هنگام مرگش برای خویشانی که از او ارث نمی برند وصیت نکند پایان کار خود را به گناه ختم کرده است.» (3)

\* بسیار مناسب است وصیت کنیم از ثلث ارث ما، مبلغی به عنوان ردّ مظالم پرداخت شود، تا اگر به افرادی مدیون بوده و یا خسارتی وارد نموده و غفلت کرده ایم جبران شود، همچنین وصیت به قضای نماز و روزه احتیاطی اضافه بر نماز و روزه هایی

ص: 104

1- . برگرفته از کتاب وصیت نامه سید حسین حسینی قمی.

2- . بقره / 180.

3- . من لا یخضر الفقیه، ج 4، ص 183.

که یقین به قضا شدن آن داریم بسیار خوب است. البته اگر یقین به فوت نماز و روزه داریم، لازم است دلیل فوت شدن آن را هم بنویسیم؛ زیرا در این که در چه مواردی وظیفه قضا بر پسر بزرگ می باشد فتوای مراجع متفاوت است.

در شرح زندگانی عالم وارسته آخوند ملاعباس تربتی آمده است که وی تمام سهم ارث خود از پدرش را برای پدر به عنوان زکات، خمس و رد مظالم پرداخت کرد. و می فرمود: معلوم نیست پدر من حقوق شرعیه اش را کاملاً ادا کرده باشد.

### موارد مجاز در تغییر وصیت

در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام روایت آورده که فرمود: وقتی مردی به وصیتی سفارش کرد جایز نیست که وصی او وصیتش را تغییر دهد، بلکه باید طبق آنچه وصیت کرده عمل کند، مگر آنکه به غیر از دستور خدا وصیت کرده باشد که اگر وصی بخواهد مو به مو به آن عمل کند دچار معصیت و ظلم می شود در این صورت برای وصی جایز است آن را سوی حق برگرداند و اصلاح کند. مثل اینکه مردی چند وارث دارد تمامی اموالش را برای یکی از ورثه وصیت کند و بعضی دیگر را محروم کند که در اینجا وصی می تواند وصیت را تغییر داده بدانچه که حق است برگرداند اینجاست که خدای تعالی می فرماید: « جَنْتَماً أَوْ إِثْمًا » که جنف انحراف به طرف بعضی از ورثه و اعراض از بعضی دیگر است و اثم عبارت از این است که دستور دهد با اموالش آتشکده ها را تعمیر کنند و یا شراب درست کنند که در اینجا وصی می تواند به وصیت او عمل نکند. (1)

### احکام وصیت (ثُلث)

قبل از هرگونه تصرف در اموال میت باید بدهی های او مانند حج واجب، خمس، زکات، مظالم و یا بدهکاری به افراد مانند مهریه همسر و ... را از اصل مال میت پرداخت نمود، اگر چه میت به آن ها وصیت نکرده باشد.

ص: 105

---

1- . فروع کافی، ج 7، ص 21، مأخذ المیزان.

سعی کنیم بدهی های خود را در زمان حیات بپردازیم و یا حداقل به مقدار بدهی ها، میراثی از خود به جا بگذاریم.

در روایتی آمده است هنگامی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقاضا می شد به جنازه مسلمانانی که بدهکار مرده نماز بخوانند، حضرت سنوالمی می فرمودند: آیا مالی که بدهی اش را بپردازد به ارث گذاشته است؟ اگر می گفتند: آری، حضرت بر جنازه او نماز می خواندند. (1)

در ضمن تمام بدهی های مدت دار انسان پس از مرگ به روز شده و باید فوراً پس از مرگ توسط وارثان از اموال او پرداخت شود. پس از پرداخت این حقوق و بدهی ها اگر از مال میت چیزی اضافه آمد چنانچه در مورد ثلث اموالش وصیت کرده باشد باید به وصیت او عمل کرد و پس از آن بقیه اموال به وارثان تعلق دارد.

به عبارت دیگر تقسیم دارایی های کسی که از دنیا می رود به این شکل است:

1- مرحله اول: پرداخت بدهی های میت به دیگران، از جمله: خمس، زکات، رد مظالم، و کفاراتی که بر عهده وی می باشد و این موارد باید از اصل مال میت برداشته و بشود، هر چند تمام ثروت او را شامل شود و حتی اگر در این موارد وصیتی نکرده باشد.

کسی که از دنیا می رود، باید خمس درآمدهای او تا زمان فوتش را پرداخت کرد، مثلاً اگر سال خمسی او چند ماه دیگر فرا می رسد و با زنده بودنش خمس درآمدهای خود را پرداخت می کرد، حال که در میان سال از دنیا رفته است، باید خمس درآمدهای او را تا زمان فوت او محاسبه و پرداخت نمود، بنابراین لازم است تاریخ سال خمسی خود را و هم چنین میزان درآمدهای خود در سال خمسی گذشته را در وصیت نامه بنویسیم تا خمس درآمدهایی که از سال خمسی گذشته تا زمان فوت به دست آمده محاسبه و پرداخت گردد.

هم چنین وصیت های مالی بدنی مثل حج که بر او واجب شده است باید از اصل مال برداشته شود.

ص: 106

برای گرفتن نایب در حج و یا قضای نماز و روزه حتماً با دفتر مراجع تقلید ارتباط برقرار کنید؛ زیرا نایب شرایط ویژه ای دارد و هر کسی نمی تواند در این امور نیابت کند.

نایب گرفتن در حج واجب پس از مرگ در صورتی واجب است که حج بر انسان مستقر شده باشد، اما در مورد کسانی که در همان سال استطاعت، ثبت نام کرده و قبل از آن که نوبت آنان فرا رسد از دنیا می روند، با توجه به فتاوی مختلف مراجع تقلید هر کسی باید حکم مسأله را از مرجع تقلید خود سؤال کند.

پرداخت مهر همسر نیز از اصل مال میّت و در همین مرحله است.

در مورد مهریه همسر، به فتاوی بعضی از مراجع تقلید باید پرداخت آن به نرخ روز و با محاسبه تورم صورت پذیرد، بنابراین در این مسأله باید از مرجع تقلید خود سؤال کنیم.

(2) - در مرحله دوم اگر وصیت کرده است، مثلاً مسجدی بسازند و یا به نیازمندان کمک شود این گونه موارد از ثلث میت پرداخت می شود و اگر از ثلث بیشتر شود مشروط به اجازه وارثان است و الا وصیت به بیشتر از ثلث باطل است. همچنین وصیت به نماز و روزه از ثلث و به مقدار ثلث انجام می شود.

(3) - پس از این دو مرحله، دو سوم باقی مانده از اموال میّت میان وارثان به همان صورتی که در احکام ارث آمده است تقسیم می شود.

اگر برخی از وارثان میّت، حاضر به پرداخت دیون میّت نباشند، هر کس که به او ارث می رسد، باید از ارثیه خود همه دیون او را بپردازد.

با توجه به این که ارث زن از شوهر با داشتن اولاد یک هشتم از اموال شوهر (غیر از زمین) می باشد و فرزندان پس از مرگ پدر، برای تقسیم ارث می توانند خانه مسکونی پدر را تصرف و به فروش برسانند و با تقسیم خانه مسکونی میان وارثان، همسر انسان آواره می گردد و گاهی سهم ارث او به مقداری نیست که بتواند خانه مسکونی آبرومندی برای خود تهیه کند و یا حتی اگر بتواند، جا به جایی او از خانه و محله ای که سال ها در آن زندگی می کرده است و به آن انس و



علاقه پیدا کرده است برای او مشکلاتی ایجاد می کند، برای حلّ این مشکل راهی وجود دارد که وارثان نیز ضرری نمی بینند.

جمعی از بزرگان دینی از این راه حل استفاده نموده اند. از جمله امام خمینی قدس سره (1) و آن این که: انسان می تواند در زمان حیات خود حق استفاده از خانه مسکونی خود را به همسرش تا زمان حیات همسرش واگذار کند و در نتیجه با مرگ شوهر، استفاده از خانه مسکونی هم چنان در اختیار همسر خواهد بود و وارثان پس از فوت او می توانند خانه را میان خود تقسیم کنند. به این کار در اصطلاح فقه اسلامی «حبس» و یا «عمری» می گویند. یعنی مرد به همسرش می گوید: حق استفاده از خانه مسکونی خودم را تا زمان حیات شما به شما واگذار می کنم و پس از آن همسر می گوید: پذیرفتم، البته باید خانه مسکونی را معین کند که کدام خانه است. انجام این کار نیازمند شرایط خاصی است که حتماً برای آگاهی از آن باید به یک عالم دینی و در صورت امکان به دفتر مراجع تقلید مراجعه شود، لازم به یادآوری است در این صورت تا زمانی که شوهر زنده است خانه از ملک شوهر بیرون نمی رود و پس از مرگ او نیز از ارثیه وارثان بیرون نمی رود، البته با این کار، منافع خانه به ملک همسر در می آید و هیچ کس حتی شوهر، بدون اجازه او حق تصرف، مانند فروش خانه و یا تبدیل آن را نخواهد داشت. همچنین انسان می تواند استفاده از تمامی اثاث خانه را به همین شکل به همسرش تا زمان حیات همسرش واگذار نماید، بسیار مناسب است این گونه موارد در وصیت نامه آورده شود. بری توضیح بیشتر در این مسأله به «کتاب وقف» مراجع تقلید مراجعه فرمایید.

آیت الله بهجت: زنی که به عقد موقت به نکاح مردی در آمده از مرد ارث نمی برد. اما ارث بین پدر و فرزند یا مادر و فرزند ثابت است. (2)

ص: 108

1- رجوع شود به وصیت نامه امام خمینی قدس سره در کتاب وعده یار، ص 77.

2- توضیح المسائل مراجع.

\* اگر انسان از وصیت خود برگردد مثلاً بگوید که یک سوم مالش را به کسی بدهند، بعد بگوید به او ندهند وصیت باطل می شود و اگر وصیت خود را تغییر دهد مثل آن که سرپرستی برای بچه های خود معین کند بعد دیگری را به جای او سرپرست نماید، وصیت اولش باطل می شود و باید به وصیت دوم او عمل نمایند.

\* ثلث مال را وقتی حساب می کنند که آن چه باید از اصل مال برداشته شود برداشته شده باشد یعنی دین میت و واجبات مالی او را جدا کرده باشند اگر چیزی باقیمانده باشد ثلث آن را برای میت منظور می کند.

\* کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر مالی پیش کسی دارد، یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی دانند، چنان چه به واسطه ندانستن، حقیقتاً از بین برود، باید به آنان اطلاع دهد، و لازم نیست برای بچه های صغیر خود قیم و سرپرست معین کند، ولی در صورتی که بدون قیم مالشان از بین می رود، یا خودشان ضایع می شوند، باید برای آنان قیم امینی معین نماید.

\* در نفوذ وصیت به طور اجمال این شرط معتبر است که زیاده از یک سوم اموال او نباشد، و تفصیل آن اینکه وصیت اگر درباره واجب مالی از قبیل اداء دیون و پرداخت حقوق چون خمس و زکات و مظالم و کفارات باشد باید آن را از اصل مال بردارند هر مقدار که بوده باشد هر چند که تمام اموال او را فراگیرد حتی اگر وصیتی هم نکرده باشد باید این واجبات از اصل مالش برداشته شود، و ملحق به این وصیت است وصیتی که مربوط باشد به مالی آمیخته با بدنی نظیر حج هر چند که حج او به خاطر نذر واجب شده باشد که بنا بر اقوی از اصل مال برداشته می شود. اما اگر وصیت تملیکی و یا عهده تبرعی باشد، مثل اینکه وصیت کند بعد از مرگم فقرا را اطعام کنید و یا نائب الزیاره برایم بفرستید و یا روضه خوانی کنید و امثال اینها مخارج آن از ثلث است اگر بیش از مقدار ثلث بشود تنها به مقدار ثلث اموالش نافذ است و زائد بر آن احتیاج به اجازه ورثه دارد اگر ورثه اجازه ندادند باطل است بدون تفاوت در اینکه وصیت را در حال سلامتی انجام داده باشد و یا در حال بیماری، و همچنین است وصیت به واجب غیر مالی که

بنابر اقوی به مقدار ثلث اموال او نافذ است مثل اینکه وصیت کرده باشد برایش نماز و روزه استیجار کنند و ذمه او بر این عبادت مشغول باشد.

\* اگر ورثه بعد از مرگ مورث خود وصیت زائد بر ثلث او را تنفیذ کنند و اجازه دهند آن وصیت بلا اشکال نافذ است، هر چند که قبل از مرگ مورث آن را رد کرده باشند. \* اگر ورثه مقداری از زائد بر ثلث را اجازه دهند نه همه آن را، به همان مقدار نافذ است و وصیت نسبت به بقیه باطل است.

\* اگر بعضی از ورثه مازاد بر ثلث را اجازه دهند و بعضی دیگر رد کنند وصیت نسبت به اجازه دهندگان نافذ و نسبت به دیگران باطل است.

\* صاحب وصیت می تواند ثلث مالش را در یک عین مخصوصی از اموال خود معین کند و نیز می تواند تعیین آن را به وصی خود واگذار نماید که اگر چنین کند آن چه وصی او به عنوان ثلث جدا کند متعین می شود و اما اگر معین نکند و به طور مطلق بگوید ثلث مال من برای فلان، آن شخص با ورثه شریک در همه اموال می شود به طور اشاعه و به نسبت یک ثلث و دو ثلث در این صورت جدا ساختن ثلث از دو ثلث باید با رضایت همه شرکاء صورت بگیرد مانند اقرار در همه شرکت ها.

\* انسان می تواند یک سوم اموالش را برای انجام کارهای خیر بعد از مرگش وصیت کند. اما وصیت به یک سوم برای امور خیریه در صورتی خوب است که وارثان ما نیازمند و گرفتار نباشند. اما در صورتی که آنان حقیقتاً نیازمندند، بهتر است به کمتر از یک سوم مثلاً یک چهارم یا یک پنجم وصیت کرد و یا اصلاً وصیتی به کارهای خیر نکرد. همچنین اگر وارثان ما نیازمند می باشند از هزینه کردن تمام دارایی خود در کارهای خیر قبل از مرگ خودداری کنیم.

در روایتی آمده است یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و فرزندان خردسالی از او به یادگار ماند، او در آستانه مرگ اموال خود را در راه خدا صرف کرد، به

گونه ای که هیچ مال دیگری از او باقی نماند، هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خبر شدند فرمودند: با او چه کردید؟

گفتند: او را دفن کردیم، حضرت فرمود: اگر قبلاً آگاه شده بود اجازه نمی دادم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید، چرا که فرزندان خردسال خود را رها کرده تا از مردم گدایی کنند. (1)

### چند مسأله دیگر از رساله امام خمینی قدس سره

1: اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد ثلث مال را به مصرف خود او برسانند، ولی مصرف آن را معین نکرده باشد، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، می توانند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند. (2)

2: اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند، می توانند به طور متعارف که لایق شأن میت باشد، کفن و چیزهای دیگری را که از واجبات دفن است از اصل مال بردارند. (3)

3: مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن، سدر و کافور خود را تهیه کند. (4)

4: تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است مگر آنکه بدهکاری او را بدهند یا بنا داشته باشند بدون مسامحه بپردازند. (5)

ص: 111

1- . بحارالانوار، ج 103، ص 198.

2- . رساله امام خمینی قدس سره، م 574.

3- . همان، مسأله 575.

4- . همان، مسأله 584.

5- . همان، مسأله 875.

5: تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است حرام، و نماز در آن باطل است ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند تصرف اشکال ندارد. (1)

6: اگر میت قرض نداشته باشد، ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، تصرف در ملک او حرام، و نماز در آن باطل است. ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد. (2)

7: اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم آنان بردارند، اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن و همچنین مقداری را که احتیاطاً لازم است، از سهم وارثی که بالغ نشده بردارند. (3)

8: قرآن و انگشتر و شمشیر میت و لباسی را که پوشیده یا برای پوشیدن گرفته و دوخته است، اگر چه پوشیده باشد مال پسر بزرگتر است و اگر میت از این چهار چیز بیشتر از یکی دارد، مثلاً دو قرآن یا دو انگشتر دارد چنانچه مورد استعمال است یا برای استعمال مهیا شده، مال پسر بزرگتر است. 9: اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشد، از او ارث نمی برد. ولی اگر از روی خطا باشد، مثل آن که سنگ به هوا بیندازد و اتفاقاً به یکی از خویشان او برخورد و او را بکشد، از او ارث می برد، ولی از دیه قتل ارث نمی برد.

10: هرگاه بخواهند ارث را تقسیم کنند، در صورتی که میت بچه ای داشته باشد که در شکم مادر است، و در طبقه او وارث دیگری هم مانند اولاد و پدر و مادر باشد، برای بچه ای که در شکم است، که اگر زنده به دنیا بیاید ارث می برد، سهم دو پسر را کنار می گذارند. ولی اگر احتمال بدهند بیشتر است، مثلاً احتمال

ص: 112

1- . همان، مسأله 876.

2- . همان، مسأله 877.

3- . همان، مسأله 572.

بدهند که زن سه بچه حامله باشد، سهم سه پسر را کنار می گذارند و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمد، زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند.

\* برای تنظیم وصیت نامه، حتماً به یک عالم دینی که به مسائل وصیت آشنایی کامل داشته باشد و در صورت امکان به دفتر مراجع تقلید مراجعه فرمایید؛ زیرا وصیت، احکام و مسائل ویژه ای دارد که بدون مراجعه به عالم دینی روشن نمی شود، امروزه فراوان مشاهده می شود که به دلیل اشکالات و ابهامات در وصیت نامه، عمل به آن با مشکل روبرو شده و گاهی موجب اختلاف شدید میان وارثان گردیده است. همچنین دقت کنید متن وصیت نامه بدون ابهام و گویا باشد، ابهام در وصیت نامه مشکلات بسیاری به وجود می آورد که گاهی فقط از راه مصالحه میان وارثان قابل حل است و همین مسأله سبب درگیری میان وارثان می گردد.

\* کسی را که برای اجرای وصیت خود معین می کنیم باید مورد وثوق و اطمینان باشد.

### منجزات مریض

#### منجزات مریض (1)

مسأله 2709: اگر کسی در مرضی که به آن مرض می میرد مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به کس دیگر بدهند آنچه را که در حال زندگی بخشیده از اصل مال است و احتیاج به اذن ورثه ندارد و چیزی را که وصیت کرده اگر زیادتز از ثلث باشد زیادی آن محتاج به اذن ورثه است. (2)

آیت الله گلپایگانی و صافی: آنچه بخشیده از اصل خارج می شود و آنچه وصیت کرده اگر بیشتر از ثلث نباشد یا اگر بیشتر است و ورثه اجازه بدهند به وصیت او

ص: 113

1- توضیح المسائل مراجع.

2- توضیح المسائل امام خمینی قدس سره .

عمل می شود و اگر آنچه وصیت کرده بپتر از ثلث باشد و ورثه هم اجازه ندهند باید تا مقدار ثلث ترکه او به وصیتش عمل شود.

آیت الله خویی و تبریزی (ره): باید مالی را که بخشیده از اصل ترکه خارج نمایند ولی مالی را که وصیت کرده باید از ثلث خارج کنند.

مسئله 2256: انسان می تواند (1)

در مرضی که به آن مرض از دنیا می رود، هر قدر از مال خود را به مصرف خود و عیال و مهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی شود برساند و نیز اگر مال خود را به کسی ببخشد یا ارزانتتر از قیمت بفروشد یا اجاره دهد صحیح است.

آیت الله سیستانی: چنانچه ثلث او برای هر دو مال کافی نباشد و ورثه هم حاضر به اذن دادن زائد بر ثلث نباشند باید ابتدا مالی را که بخشیده از ثلث خارج کنند و سپس باقیمانده آن را در مورد وصیت صرف نمایند.

آیت الله مکارم: چنانچه مجموعاً بیش از ثلث مال او باشد در مقدار اضافی احتیاط آن است که از ورثه اجازه بگیرند.

آیت الله بهجت: اگر به مقدار ثلث میراث یا کمتر باشد وصیت نافذ است و اگر زیادت از ثلث باشد زیادی آن احتیاج به اذن ورثه دارد.

آیت الله خویی، فاضل، تبریزی: اظهار این است که اگر مال خود را به کسی ببخشد یا ارزانتتر از قیمت بفروشد (فاضل: یا اجاره دهد) اگر چه بیشتر از ثلث باشد و ورثه هم اجازه ننمایند تصرف او صحیح نیست.

آیت الله گلپایگانی، صافی: اگر مال خود را به قیمت بفروشد، یا اجاره دهد اشکال ندارد، بلکه اگر مثلاً مال خود را به کسی ببخشد یا ارزانتتر از قیمت بفروشد بنا بر اقوی تصرف او صحیح است، اگر چه در تمام مال باشد و محتاج به اجازه ورثه نیست.

آیت الله سیستانی:

اگر مال خود را به قیمت بفروشد، یا اجاره دهد اشکال ندارد، ولی اگر مثلاً مال خود را به کسی ببخشد، یا ارزانتتر از قیمت معمول بفروشد، چنانچه

ص: 114

1- آیت الله بهجت: بنا بر اقرب ...

مقداری را که بخشیده یا ارزان تر فروخته است به اندازه ثلث مال او یا کمتر باشد تصرف او صحیح است؛ و اگر بیشتر از ثلث باشد، در صورتی که ورثه اجازه بدهند صحیح است و اگر اجازه ندهند تصرف، او در بیشتر از ثلث باطل می باشد. آیت الله مکارم: مسأله- انسان می تواند قبل از مرگ خود، خواه صحیح و سالم باشد یا بیمار هر قدر از مال خود را بخواهد، به دیگری ببخشد، یا جنسی را ارزانتر از قیمت بفروشد، یا به مصرف خود و عیال و میهمان برساند، ولی احتیاط آن است که در مرضی که با آن از دنیا می رود (یعنی در آستانه مرگ) در بیش از ثلث مال خود چنین تصرفاتی نکند مگر با اجازه ورثه.

### گرفتن مراسم

با توجه به این که برگزاری مراسم ترحیم مانند اول، سوم، هفتم و اطعام به مردم نیازمند اجازه وارثان می باشد و در صورتی که وارث صغیر باشد، نمی توان از سهم او برداشت، خوب است در وصیت نامه نوشته شود که هزینه این گونه مجالس و هم چنین تصرفات در خانه برای این مراسم از ثلث محاسبه شود.

### پاسخ مرحوم آیت الله العظمی تلمیسانی به دو پرسش

سؤال 1: برگزار کردن جلسات میهمانی در خانه کسی که از دنیا رفته در شب اول، سوم، هفتم و چهلم و شرکت مردم برای طلب آمرزش تسلیت بازماندگان اشکال دارد؟

جواب: تشکیل جلسات مذهبی و مجلس دعوت و میهمانی از مؤمنین جهت طلب آمرزش برای اموات، موجب اجر و ثواب و بسیار مستحسن و به جا است و لکن اگر میت صغیر د ارد از سهم صغیر مصرف نکنند، بلی اگر وارثان کبیر بخواهند از سهم خود خرج کنند مانعی ندارد. (1)

ص: 115



سؤال 2: دربارهٔ مخارج تجهیز میت در صورتی که میت وصیت نکرده و دارای فرزندان صغیر می باشد چه می فرمایید؟

جواب: مخارج تجهیز به مقدار واجب از اصل برداشته می شود و بیش از مقدار واجب را چون وصیت نکرده، وارثان کبیر از سهم خود بدهند. (1)

\* فرق گذاشتن بین فرزندان به دلیل این که یکی پسر است و دیگری دختر، یا یکی پست و مقام دارد و دیگری ندارد، در زمان حیات و بعد از مرگ کار خوبی نیست. بنابراین، در وصیت نامه برای بعضی از فرزندانمان بیش از سهم ارثی که خداوند تعیین کرده است، سهم اضافه ایوصیت نکنیم. مگر در موارد خاص، مانند این که در میان فرزندانمان یکی از آنان از نظر مالی گرفتاری بیشتری داشته باشد.

در روایتی آمده است، شخصی می خواست در زمان حیات خود به یکی از فرزندانش مالی را ببخشد و از پیامبر تقاضا کرد گواهی دهد، آن حضرت پرسیدند: آیا فرزند دیگری نداری؟

عرض کرد: دارم.

پیامبر فرمود: آیا به آنان هم چیزی بخشیده ای؟

گفت: نه.

پیامبر فرمود: ما پیامبران شاهد ظلم نمی شویم. (2)

\* بهتر است همان گونه که امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه، فرموده است: خودمان وصی خود باشیم و آن چه کارهای خیر که دوست داری بعد از ما انجام دهند خودمان در زمان حیات انجام دهیم. (3)

\* انسان تا زنده است می تواند هرگونه تصرفی در دارایی خود انجام دهد و به هر کس هر مقدار که می خواهد ببخشد، اما نسبت به بعد از مرگ خود فقط به

ص: 116

1- . همان، ج1، ص 114.

2- . من لا یحضر الفقیه، ج3، ص 69.

3- . نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 254.

چگونگی هزینه کردن یک سوم از دارایی خود پس از مرگ اختیار دارد و بیش از آن از اختیار او بیرون است و چگونگی تقسیم دو سوم باقیمانده آن به گونه ای است که خداوند معین فرموده است. بنابراین نمی توان وصیت کرد که مثلاً ارث پسر و دختر یکسان باشد، و یا بیش از آن چه خداوند معین فرموده است به یکی از وارثان پرداخت شود. بنابراین مثلاً یکی از فرزندان ما، خدمت بیشتری به ما کرده است، نمی توانیم وصیت کنیم او بیشتر از آنچه خداوند معین کرده است ارث ببرد. مگر آن که همه وارثان بالغ و رشید بوده و به این گونه تقسیم در زمان حیات یا بعد از مرگ وصیت کننده راضی باشند و اجازه دهند، همچنین محروم کردن برخی از ورثه از ارث معنا ندارد و بی تأثیر است. بنابراین، اگر از یکی از ورثه ناراضی هستیم نمی توانیم او را از ارث محروم کنیم یا وصیت کنیم به او ارث کمتری بدهند. البته بعضی از مراجع تقلید می فرمایند: اگر میت به محروم کردن بعضی از ورثه وصیت کند، و وصیت به ثلث هم نداشته باشد، ثلث مال او به دیگر ورثه پرداخت خواهد شد. (1)

\*تاخیر در عمل به وصیت نامه صحیح نیست و باید بدون فوت وقت به وصیت نامه عمل شود. بهتر است در عمل به وصیت نامه از نظارت یک عالم دینی که به مسائل وصیت آگاهی داشته باشد استفاده کنیم، و در صورت امکان به دفتر مراجع تقلید مراجعه کنیم.

\*همانگونه که در قرآن کریم سفارش شده است، برای وصیت نامه از دو شاهد عادل استفاده کنیم در سوره مائده آیه 106 می خوانیم:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ ... ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید؛ هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عدل را به شهادت بطلبید...»

ص: 117

\* امکان تغییر وصیت تا آخرین لحظه حیات امکان پذیر است، بنابراین هرگاه انسان بخواهد وصیت خود را تغییر دهد و به شکل دیگری وصیت کند ممکن است.

\* در فاصله های کوتاه مثلاً چند ماه یک بار وصیت نامه را مورد مطالعه قرار دهید تا اگر مواردی از آن نیاز به اصلاح یا تغییر بود، این کار انجام پذیرد و در صورتی که اقدام به تغییر وصیت نامه کردید در وصیت نامه جدید بنویسید که تمام وصیت های قبل از این تاریخ باطل می باشد.

\* اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته مثلاً خانه ای را که وصیت کرده به کسی بدهند بقروشد، یا دیگری را بر ای فروش آن وکیل نماید، وصیت باطل می شود.

\* بهتر است در وصیت ها از وصیت به کارهایی که موجب زحمت بازماندگان می شود مانند انتقال جنازه به جای دیگر و یا چگونگی برگزاری مراسم و امثال آن اجتناب کنیم.

\* وصیت نامه را در محلی قرار دهید که به هنگام نیاز به راحتی در دسترس باشد، محل وصیت نامه را به اطلاع بستگان خود برسانید.

\* با توجه به اینکه: امروزه بسیاری از مجالس ترحیم، همراه با یک سری تشریفات شده است بسیار مناسب است در وصیت نامه بنویسیم: مجالس ترحیم ما در حد متعارف و به دور از تشریفات باشد و به جای آن به پرداخت بدهی های میت و اجماع کارهای خیر و مستحب توجه شود.

\* بعضی از مردم برای فرار از مالیات بر ارث تمام یا بخشی از دارایی خود را به صورت ظاهری و صوری به نام یکی از فرزندان خود در می آورند، اما غافل از اینکه گاهی این فرزند ادعا می کند که این ها به صورت واقعی به ملک او در آمده است و تمام وارثان دیگر را از ارث محروم می کند. بنابراین، انجام چنین کاری به مصلحت نمی باشد.\*

با توجه به این که انجام مستحبات در امور تجهیز میت مانند مقدار مستحب در کفن (بیش از مقدار واجب) نیازمند اجازه وارثان می باشد و در صورتی که وارث صغیر باشد، نمی توان از سهم او برداشت، خوب است، انسان در وصیت نامه بنویسد مقدار مستحب کفن و دیگر هزینه های تجهیز، از ثلث برداشته شود.

\* حتماً نام مرجع تقلید خود را در وصیت نامه بنویسید؛ زیرا فتوای مراجع تقلید، در برخی از احکام متفاوت است و اطلاع از مرجع تقلید در عمل به وصیت لازم است.

\* بسیار مناسب است در وصیت نامه، به مسائل اخلاقی مانند: خواندن نماز اول وقت، تلاوت قرآن، شرکت در مجالس اهل بیت علیهم السلام و برگزاری آن، رعایت دوستی و محبت میان وارثان، رعایت حجاب و امثال آن سفارش شود.

\* بسیار خوب است علاوه بر وصیت نامه در موارد مهم در آن نوشته می شود، دفتر خصوصی برای ثبت بدهکاری های خود داشته باشیم، تا به محض آن که به کسی بدهکار شدیم، آن بدهکاری را در دفتر مخصوص بنویسیم.

\* وصیت نامه خود را در چند نسخه بنویسید و در اختیار چند نفر قرار دهید تا در صورت گم شدن برخی از نسخه ها مشکلی پیش نیاید.

### **وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام**

حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: چون وفات پدرم نزدیک شد به ما رو کرد و بدین گونه وصیت نمود: اول وصیت من این است که شهادت می دهم که هیچ معبودی جز ذات مقدس خداوند نیست و این که محمد رسول خدا و برگزیده اوست خداوند او را به علم خود انتخاب کرد و برای مقام رسالت برای بندگان خود پسندید و شهادت می دهم که خداوند مردگان را از میان قبرها بر خواهد انگیزد؛ و از کردار و رفتارشان پرسش خواهد نمود و خداوند عالم السر و الخفیات است و بدانچه در سینه های مردم پنهان است دانا است.

ای فرزند من حسن! تو را وصیت می کنم بدانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا بدان وصیت فرمود؛ تو کافی هستی برای وصیت من! چون از دنیا رخت بر بستم امت با تو به مخالفت برخیزند! ملازم خانه خود باش؛ و بر خطیئه خود گریه کن، و دنیا را مقصد و مقصود بزرگ خود مشمار! وصیت می کنم تو را ای نور دیده ام که نماز را در اول وقت به پای دار! و زکات را در وقت خود به اهلش برسان، و در کارهای شبیه ناک توقف کن و سکوت اختیار کن؛ و در هر دو حال رضا و غضب به میانه روی و عدل رفتار کن؛ و با همسایگان مهربان باش؛ میهمان را محترم و گرامی بدار؛ و بر کسانی که دچار رنج و بلا هستند و مشکلاتی بدانها روی آورده ترحم کن؛ و صلّه رحم به جای آور؛ بر مسکینان و تهی دستان رحمت آور و آن ها را دوست بدار؛ و با آنها همنشینی کن.

پیوسته با خلق خدا به تواضع و فروتنی رفتار کن که آن افضل عبادات است؛ آرزوهای خود را کوتاه کن؛ و مرگ را به یاد داشته باش و در امور دنیوی بی رغبت باش؛ زیرا که تو گروگان مرگی؛ و در این جهان هدف آماج بلا و گرفتار مصائب، و افکنده رنج و نامایمات.

تو را وصیت می کنم که در پنهان و آشکار پیوسته از خداوند قهار در ترس و خشیت باش، و از ساحت جلال و عظمتش غافل نشوی؛ تو را نهی می کنم از آن که بدون تفکر و اندیشه سخن گویی، و در گفتار و کردار سرعت کنی! چون کاری از امور آخرت پیش آید بلادرنگ به جای بیاور؛ و چون کاری از امور دنیا پیش آید در آن تأمل و درنگ کن تا اینکه صلاح آن بر تو آشکار شود.

از رفتن به جاهایی که محل تهمت است پرهیز؛ و از مجلسی که گمان بد به افراد آن برده می شود دوری کن! زیرا که همنشین بد برای رفیق او ضرر دارد؛ و اخلاق او را تغییر می دهد.

ای پسر من! کردارت برای خدا باشد؛ از فحش و هرزه گویی فراری باش؛ مردم را به کارهای نیک و ستوده دعوت کن؛ و از کارهای ناپسند و زشت بازدار!

با برادران دینی خود برای رضای خدا برادر باش؛ مردم نیکوکار و صالح العمل را به جهت صلاح و خوبی آنها دوست بدار؛ و با فاسقان که مرام و عقیده دینی تو را ندارند، مدارا کن که ضرر به دین تو نرسانند، اما در دلت آنها را دشمن بدار، و در عمل از آنان جدا باش تا مثل آنان نباشی؛ در راه ها و معابر منشین؛ با جاهلان و سفیهان مجادله و گفتگو مکن!

ای پسر من! در امور زندگی و معیشت خود میانه روی کن؛ و در امر عبادت نیز میانه و اقتصاد را رعایت بنما و در عبادات خود به عبادتی پرداز که بتوانی در انجام آن مداومت نمایی و قدرت آن را داشته باشی، خاموشی را پیشه ساز، تا از مفاسد و عواقبِ سخن ناسنجیده زبان در سلامتیمانی! برای روز بازپسین خود، اعمال صالحه را از پیش بفرست تا بهره مند گردی! و در مقام تعلّم و یاد گرفتنِ امور خیریه و خوبی ها باش تا دانا باشی.

در همه احوال یاد خدا باش؛ بر کوچکان از اهل خود رحمت آور؛ و بزرگان آنها را تعظیم و توقیر کن. هیچ غذایی را مخور مگر آنکه قبل از خوردن قدری از آن را تصدّق کنی!

بر تو باد به روزه داشتن که روزه، زکات و صحت بدن و سپر از آتش جهنم است!

با نفس خود مجاهده کن؛ و از هم نشینت بپرهیز؛ و از دشمنت اجتناب کن؛ و بر تو باد به مجالس ذکر خدا و از رفتن به آنها دریغ مکن و تا می توانی دعا بسیار کن!

و ای پسر من! من در پند و اندرز با تو کوتاهی نکردم؛ و اینک هنگام جدایی و فراق است.

و نیز درباره برادرت محمد به تو وصیت می کنم؛ چون برادر پدری تو است و می دانی که من او را دوست دارم؛ و اما برادرت حسین پس او برادر مادری تو است و برادر اعیانی تو است.

و زیاده بر این سفارش نمی کنم؛ خداوند خلیفه و جانشین من برای شما باشد؛ و از او مسئلت دارم اینکه امور شما را اصلاح فرماید و شرّ طاغیان و ستم کاران را از سر شما بگرداند.

### وصیت نامه های بزرگان

و در وصایای آیت الله العظمی مرعشی نجفی این طور آمده قرار دهید تسبیح تربت و دستمالی که با آن اشک هایی که در مصائب سیدالشهدا علیه السلام ریختن و با آن پاک کردم در جوف کفن قرار دهید. قرآن کوچکی که داشته آن را در دست راست و قوطی آب زمزم را سوراخ و آب های آن را روی سینه و داخل قبر بریزید. (تأسی به جدشان حضرت زهرا علیها السلام که فرمود شیشیه کوچکی (قاروره) که اشک هایی که در دل شب ها از خوف خدا ریخته ام آن را همراهم دفن کنید. (2)

و سجاده ای که هفتاد سال بر آن نماز شب خوانده ام و لباس سیاهی که در محرم و صفر پوشیده ام و کیسه ای که خاک قبر ائمه و قبور آنها را جمع کرده ام در قبر همراهم قرار دهید و بعد از تشرف محضر مبارک حضرت ولی عصر امام منتظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حضرت تاکید فرمودند بر خواندن قرآن و هدیه به شیعیانی که وارث ندارند یا دارند ولی از آنها یادی نمی کنند و تاکید فرمودند بر نهادن عقیقی که نام های مقدس چهارده معصوم بر آن نقش بسته در زیر زبان میت و خواندن زیارت عاشورا حین دفن. و باز از آیت الله سید احمد خوانساری اعلی الله مقامه در موقع ارتحال نقل شده که می فرمود: از دنیا می رویم در حالی که دستم خالی است (3) ولی به یک چیز امید دارم و آن اشک برای حسین علیه السلام است.

ص: 122

- 1- . مجالس مفید، مجلس 25، ص 118؛ امالی طوسی، مجلس اول، طبع سنگی، ص 4 و 5. و طبع نجف، ص 6 و 7، و بحارالانوار، ج 9، ص 649.
- 2- . شنیده ام از پدرم که فرمودند: آن چیزی که غضب خداوند را فرو می نشاند اشکی است که از خوف خدا ریخته می شود.
- 3- . ایشان به اطرافیان خود می فرمود من از شش سالگی تا امروز نود سال نماز خوانده ام اما به نظرم آمد که شاید عیب داشته باشد و قبول نکنند نود سال دیگر دوباره خواندم که اگر آن را قبول نکنند این را قبول کنند باز نود سال دیگر نیز خواندم که اگر دومی را قبول نکنند سومی را به من رحم کنند باز شما این قالیچه را که فروختید با پول آن برای من اجیر بگیرید که به نیابت من نماز و روزه ام را به جا بیاورد شاید خدا نماز و روزه را بپذیرد.

... خواهشی که از حضرت رفقا و دوستان دارم، این است که هنگام حرکت جنازه، عمامه مرا بالای عماری نگذاند و در محل جنازه به کمال اختصار کوشند. های و هوی لازم نیست! از جهت اینکه مجلس ختمی فراهم آید، موی دماغ کسی نشوند؛ چه، عمل من ختم شد. به کسی زحمت ندهند.

دوستان شادان و خندان باشند؛ چرا که من از زندان محنت و بلا رهایی جستم و از دار غرور به سرای سرور پیوستم و به جانب مطلوب خود شناختم؛ حیات یافتیم.

اگر جهت مرافقت از همدیگر غمگین و اندوهگین می باشید، عن قریب، تشریف آورده خدمت شما ان شاء الله می رسیم!

هرگاه وجهی می داشتیم، وصیت می کردیم لیلۀ دفن که شب وصال من است، دوستان انجمن نموده، سوری فراهم آورده، سروری داشته باشند و به ایشان من شاد شوم! باری! با این همه تجلد و اظهار دلیری، به نهایت هول و ترس دارم.

ولی به فضل حق و شفاعت اولیای او امیدوارم.

علی حبهم یا ذالجلال توفنی \*\* و حرم علی النیران شیبی و کبرتی

وقول النبی المرء مع من احبه \*\*\* یقوی رجایی فی اقاله عثرتی

خداوند! مرا به محبت محمد و آل علیهم السلام بمیران و به سپیدی موی و کبر سن من ترحم و آتش را بر من حرام گردان.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر انسانی با آن محشور می گردد که دوستش دارد و این امید مرا نیرو بخشد که خداوند از لغزش من درگذرد. (1)

ص: 123

1- . معاد شناسی، ج 1، آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی.



- 1: برادرانم را توصیه می کنم که همه توان خود را به کار برند و در جمع کردن بین دل و زبان هنگام تلاوت قرآن و سایر اذکار در رکوع و سجود و دیگر حالات، و به این قانع نباشند که فقط چشمشان در حضور خدا باشد و حضور قلب نداشته باشند. هر چه اعضای بدن خود را در غیرنماز از کارهای بیهوده بازدارند در هنگام نماز هم همان قدر حضور قلب خواهند داشت.
- 2: از برادرانم می خواهم که با زبان و قلب خدا را یاد کنند. در مجالس و محافل هنگام راه رفتن و به خصوص به وقت غذا خوردن و وضو ساختن. چه شیطان بر انسان ذاکر هنگام غذا خوردن و وضوساختن کمتر وارد می شود و وسوسه اش در نماز کم می شود.
- 3: برادرانم را به مداومت بر طهارت توصیه می کنم. سزاوار است که انسان همیشه با وضو باشد، چرا که وضو سلاح مؤمن است.
- 4: حتی المقدور رو به قبله بنشینید و در هر مجلسی که رو به قبله نشینید معتقد باشید که فضیلتی از او فوت شده است. در هر مجلسی بر این باور باشید که گویا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضور دارد تا در گفتار و کردار ادب را رعایت کند و با وضو رو به قبله بخوابد.
- 5: از نافع ترین توصیه ها شب زنده داری است و تهجد که شیوه صالحان است. صالحان هیچ شئی را بی نافلة صبح نمی کردند. گاه در آغاز شب و گاه نیمه شب و گاه در پایان شب، 6: دوست دارم هیچ روز و شئی بر برادرانم نگذرد مگر این که برگزیده متأسف باشند و در پیشگاه خدا بر این که به درجات عالی دست نیافته اند، غبطه خورند.
- 7: یاد مرگ آدمی را در نیل به حقایق بندگی کمک می کند و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: آیا کسی با شهیدان محشور می شود؟  
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بلی. کسی که هر روز بیست بار یاد مرگ کند.

مرگ، آرزوها را کوتاه و عمل را نیکو می کند.

8: از آن چه من در طول زندگیم سود برده ام و برادرانم را بدان سفارش می کنم، صبح زود رفتن به سوی نماز جمعه است. بکوشید در این روز نماز صبح را در مسجد بگذارید و تا ظهر وقتتان را به تلاوت قرآن و نماز و ذکر گفتن سپری کنید تا وقت نماز جمعه برسد. روز جمعه، روز پرداختن به امور آخرت است و در این روز نباید به امور دنیوی مشغول بود. قبل از طلوع آفتاب غسل جمعه کنید و اگر صبح زود به طرف مسجد روید و غسل را نزدیک نماز جمعه انجام دهید نیکوست.

9: دوست دارم برادرانم هیچ روزی را بدون صدقه دادن به شب نرسانند و هیچ هفته ای را بدون روزه گرفتن نگذرانند. بهتر است دو شنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیرند. و الا دوروز آخر آن را.

10: برادرانم را توصیه می کنم که برادران دینی خود را به نیکی یاد کنند. اگر چه معتقدند که در آن ها بدعت یا شبهه ای هست و باب تاویل و توجیه بدگویی مسلمانان را بر خود باز نکنند.

11: دوست دارم که برادرانم بعد از نماز صبح تا زمانی که خورشید به قدر یک نيزه بالا نیامده، در امور دنیوی سخن نگویند و آن را با گذراندن دو رکعت نماز مستحیی به کار و تلاش بپردازند. (1)

همچنین در وصیت نامه امام خمینی قدس سره آمده است که دو سال روزه و پنج سال نماز احتیاط استیجار کنند.

### وصایای آیت الله سید علی قاضی طباطبایی قدس سره

1: نماز را بازاری نکنید!

ص: 125

شما را سفارش می‌کنم به اینکه نمازهایتان را در بهترین و با فضیلت‌ترین اوقات آنها به جا بیاورید؛ و آن نمازها با نوافل، 51 رکعت است؛ پس اگر نتوانستید 44 رکعت بخوانید و اگر مشغله دنیوی نگذاشت آن‌ها را به جا آورید، حداقل نماز توأبین را بخوانید [نماز اهل انابه و توبه هشت رکعت هنگام زوال است].

نماز را بازاری نکنید! اول وقت به جا بیاورید با خضوع و خشوع. اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند و تسبیح صدیقه کبری علیها السلام که از ذکر کبیر به شمار می‌آید و آیه الکرسی در تعقیب نماز ترک نشود.

2: دعا قنوت در نماز

این دعا را در قنوت نمازهایتان بخوانید:

«اللهم ارزقنی حبّک و حبّ ما تحبه، و حبّ من یحبّک، و العمل الذی یبیلغنی الی حبّک و اجعل حبّک احبّ الاشیاء الی.»

3: نماز شب

اما نماز شب پس هیچ چاره و گریزی برای مؤمنین از آن نیست، و تعجب از کسی است که می‌خواهد به کمال دست یابد، در حالی که برای نماز شب قیام نمی‌کند! و ما نشنیدیم که احدی بتواند به آن مقامات دست یابد مگر به وسیله نماز شب. وقتی برای نماز شب بر می‌خیزید، چیز مختصری تناول کنید، که بدن شما از کسالت بیرون آید و نشاط برای عبادت داشته باشید.

4: توسل به ائمه اطهار علیهم السلام

محال است انسانی به جز از راه سیدالشهدا علیه السلام به مقام توحید برسد. سریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهدا علیه السلام است و پشتکار این فضیلت هم حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام است.

5: دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آن چیزها که بسیار لازم و با اهمیت است، دعا برای فرج حضرت حجت صلوات الله علیه، در قنوت نماز وتر است، بلکه در هر روز و در همه دعاها.

6: دل هیچ کس را نرنجانید!

ص: 126

دیگر آن که، گرچه این حرف ها آهن سرد کوبیدن است! ولی بنده لازم است بگویم؛ اطاعت والدین، حُسن خلق، ملازمت صدق، موافقت ظاهر با باطن و ترک خدعه و حيله و تقدم در سلام و نیکویی کردن با هر بَر و فاجر، مگر در جایی که خدا نهی کرده. الله! الله! الله! که دل هیچ کس را نرنجانید!

تا توانی دلی به دست آور \*\*\* دل شکستن هنر نمی باشد

7: زیارت برادران مؤمنزید به زیارت برادران نیک سیرت بروید؛ چرا که آن ها برادران شما در پیمودن راه و رفیق در مشکلات هستند. (1)

ایشان لفظ ابد را بسیار بر زبان می آورد و مرتب می فرمود: ما ابد در پیش داریم هستیم که هستیم. انسان از بین رفتنی نیست باقی و برقرار است. منتهی به یک معنی لباس عوض می کند و با یک معنی جا عوض می کند « وَ لَکِنَّکُمْ تُنْفَلُونَ مِنْ دَارٍ اِلٰی دَارٍ » از رحم مادر به دامن مادر به گهواره به مکتب مدرسه و ... موجودی است ابدی براساس قرآن.

ص: 127

---

1- . پایگاه اطلاع رسانی حوزه «حوزه نت».







مرگ عبارت است از: انقطاع ارتباط با بدن مادی و انتقال از دنیا به عالم دیگری به نام برزخ که جهانی است حد فاصل بین دنیا و آخرت که این انتقال به قالب مثالی که شباهت کاملی به ابدان دنیایی دارد انجام و ارواح از این ابدان دنیوی به ابدان عالم برزخ منتقل که عقاب و ثواب و لذات به آن ابدان و قالب های مثالی تعلق می گیرد مؤیداً اینکه شخص در قبر پوسیده و ما او را در خواب به همان هیئت زمان حیات می بینیم و با ما صحبت می کند و اما این ابدان دنیوی باز به واسطه معاد جسمانی در روز معاد اعاده می گردد و حتی قال الله تبارک و تعالی «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنُ نَجْمَعَهُ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (1) آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد چرا در حالی که تواناییم خطوط سرانگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم از عجائب خلقت انسان که این خطوط ظریف سرانگشت دو نفر با هم مساوی نیستند و خداوند همان خطوط ظریف را مثل اول بازسازی می کند.

مرگ پایان دنیاست نه پایان زندگی که با این پایان دنیوی طلوع زندگی دیگری در قالب دیگری شکل می گیرد که آن محله پنجم ما می باشد محله اول عالم ذر، محله دوم عالم صلب پدر، محله سوم رحم مادر، محله چهارم دنیا، و محله پنجم عالم برزخ پس با مرگ مرحله پنجم عمر ما شکل می گیرد و در فضای دیگر عظیم تر پهناورتر و پیچیده تر طی طریق خواهیم داد سپس از منزلی به منزلی منتقل می شویم. «انما تَتَّبِعُونَ مِنْ دَارٍ إِلَىٰ دَارٍ» فناء و نیستی در کنار نیست پس به یک معنی جا عوض می کنیم به یک معنی لباس عوض می کنیم ولی آنجا محلی است باقی «ثم لا يموت ولا يحيى» (2) پس نه می میرد که آسوده شود و نه حالتی را که در آن است می توان زندگی نام نهاد بلکه دانمأ در میان

ص: 131

1- . قیامت / 3 و 4.

2- . اعلی / 13، تفسیر نمونه.



مرگ و زندگی دست و پا می زند و این بدترین بلا و مصیبت برای آنان است. «وَ أَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ وَ لَمْ أُدْرَ مَا حِسَابِيَهٗ»؛ اشقیای مجرم که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می شد آرزو می کنند ای کاش این نامه اعمال را نمی دیدند و نمی فهمیدند حسابشان چیست پس آرزو می کنند ای کاش! همان مرگ اول که ما آن را چشیدیم و از دنیا خارج شدیم کار ما را یک سره کرده بود و ما را نابود می ساخت و دیگر مبعوث نمی شدیم. « مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ \* هَلَكْتُ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ»؛ فکر می کرد مال و قدرت کلید سعادتش می باشد و همه سعیش را صرف به دست آوردن آن کرد حالا می گوید با نهایت درد حسرت بعد از سر برآوردن از قبر امروز دیگر مال و فرزندان فائده ای نداشته و قدرتش هم باطل شد پس با درد و حسرت این دو جمله را می گوید. (1)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: مرگ با یکی از این چند قسم وارد می گردد یا بشارت به نعمت همیشگی است یا به عذاب همیشگی یا سبب هول و ترس است و کارش مبهم و مردد است و نمی داند از چه طائفه خواهد بود. و اما قسم اول پس او دوست ما و اطاعت کننده ما بوده یعنی معصیتی نداشته پس به نعمت همیشگی بشارت داده می شود و اما قسم دوم و او دشمن ما که با ما مخالفت می کرد. پس به عذاب همیشگی بشارت داده می شود و اما قسم سوم آنکه کارش مبهم است و نمی داند چه بر سرش می آید مؤمن است که بر خودش اسراف و ظلم می کرده، یعنی گناهکار بوده و او را مرگ فرا رسیده اما با ابهام و خوف و حزن پس خداوند او را با دشمنان ما مساوی قرار نخواهد داد بلکه او را به شفاعت ما از آتش بیرون خواهد آورد پس عمل کنید و اوامر الهی را اطاعت کنید و عذاب خداوند را کوچک بشمارید، به درستی که از جمله گناهکاران کسی است که شفاعت ما به او می رسد بعد سیصد هزار سال عذاب.

ص: 132

مؤید: حدیث و دسته سوم آن یکی از علما می گوید در همسایگی ما خانمی بود مراعات ظواهر شرعی و دینی را نمی کرد تا فوت کرد پس از فوت (پس از سالها بعد از مرگ وی) خواب دیدم اینکه محلی وسیع که عده ای را آویزان کرده بودند مثل گوسفند در مغازه قصابی و شکنجه می دادند در همین حین خانمی با لباس معذب دوید و چون مرا می شناخت به واسطه همسایگی عرض حال کرد و گفت: سال هاست اینجا هستم و وضعیت من بلا تکلیف مانده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا؛ دنیا برای امر دیگری (آخرت آفریده شده نه برای خودش، سپس فرمود: آخرت با دنیا به دست می آید.» (1)

مرگ خارج شدن از بدن است نه فانی شدن روح و مرگ به معنای فنا و نابودی نیست بکه خود امری وجودی است. (تفسیر نور)

### دو جنبه مادی و معنوی انسان

مرحوم صدوق و غیر ایشان روایت کرده اند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْقَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، وَإِنَّمَا تُتَعَلَّمُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ؛ شما برای معدوم شدن و نابود گشتن آفریده نشده اید، بلکه برای بقاء و ابدیت به وجود آمدید؛ و این است و جز این نیست که به واسطه مردن از خانه ای به خانه دیگری کوچ می کنید.» (2)

و در علل الشرایع در ضمن حدیثی با اسناد خود از سکونی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که:

«فَهَكَذَا الْإِنْسَانُ خُلِقَ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا وَ شَأْنِ الْآخِرَةِ فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ حَيَاتُهُ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ نَزَلَ مِنْ شَأْنِ السَّمَاءِ إِلَى الدُّنْيَا فَإِذَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ

ص: 133

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت 472.

2- . رساله الانسان بعد الدنيا، علامه طباطبایی، ص 2، مخطوط.

بَلِّغْ الْقُرْآنَ الْمَوْتَ تَرَدُّ شَأْنُ الْأَخْرَى إِلَى السَّمَاءِ فَالْحَيَاةُ فِي الْأَرْضِ وَالْمَوْتُ فِي السَّمَاءِ وَذَلِكَ أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَرْوَاحِ وَالْجَسَدِ فَرَدَّتْ الرُّوحُ وَالتُّورُ إِلَى الْقَدْرَةِ الْأُولَى وَتُرِكَ الْجَسَدُ لِأَنَّهُ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا؛ می فرماید: انسان از دو چیز ترکیب یافته است از امر دنیوی و از امر اخروی، چون خداوند میان این دو چیز را جمع کند زندگی انسان در دنیا پدید می آید؛ چون روح از امر آسمانی بر دنیا نزول نموده و پائین آمد است؛ و چون خداوند بین آن دو تفرقه و جدایی افکند، حقیقت این جدایی مرگ است که آن امر اخروی به آسمان بر می گردد. بنابراین زندگی در روی زمین است و مرگ در آسمان، به علت آنکه چون بین روح و اجساد تفرقه افتد روح و نور به همان مقام قدرت اولیه خود بر می گردند و جسد که از شأن دنیاست به جای خود در زمین می ماند. (1)

از اینجاست که مردن را در قرآن مجید به حق تعبیر نموده است یعنی یک واقعیت است نه یک حادثه تخیلی و موضوع توهمی.

«وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ؛ و آمد سكرات مرگ به حق و این همان امری است که تو از آن دوری می جستی» (2)

### خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کیفیت حال احتضار

تا می رسد به آنکه درباره این شخص کوردل و مریض القلب می فرماید: مطالبی را که ما عین آن عبارت شریفه را در اینجا نقل می کنیم:

دست بر نمی دارد از کارهایی که می کند، به جهت ملاحظه خدا به منع کننده ای، و نصیحت پذیر نمی گردد برای خدا به اندرز اندرز دهنده ای؛ در حالی که می بیند افرادی را که برای فریب دنیا گرفتار و بازداشت شدند چنان بازداشتی

ص: 134

---

1- علل الشرایع، ط نجف، سنه 1385، ص 107، باب 96، علة الطبايع و الشهوات و المحبات.  
2- ق / 19.

که نه می تواند کارهای خود را فسخ نموده و به هم زند، و نه می تواند بازگشت نموده مراجعت نمایند.

چگونه در آستان زندگی آنان فرود آمد امری که آمدن آن را باور نداشتند، و به تمام معنی جاهل بودند (یعنی علامت های مردن و نشانه های جان سپردن)؛ و فراگرفت از فراق و وداع دنیا آنچه را که از آن در ایمنی و امان بودند، و وارد شدند بر آخرت با ملاحظه و مشاهده آن با وعده هایی که داده شده بودند، بنابراین آنچه وارد شد بر آنها از شدائد و سختی های موت و عذاب های بعد از موت در وصف نگنجد.

دو چیز با یکدیگر ناگهان با هم در آنها پدیدار گشت یکی سكرات و بیهوشی مرگ و دیگری پشیمانی و حسرت از دست دادن فرصت و موقعیت تهیه زاد و توشه سفر آخرت، و این سكرات به اندازه ای شدید بود که از ورود آن اعضا و جوارحشان سست شد، و رنگ های سیما و بدن آنها تغییر کرد، پس مرگ لحظه به لحظه شروع کرد به زیاد شدن و پیکر آنها را فراگرفت، پس بین او و گفتارش جدایی و بریدگی پیدا شد (و زبان از کار افتاد ولی هنوز چشم و گوش از کار نیفتاده) با دیدگانش می بیند و با گوش هایش می شنود، عقلش نیز تمام و صحیح است و ادراکاتش به جا و به موقع است.

در این حال در عالمی از فکر فرو می رود که در چه چیزهایی عمر گرامی خود را به باد داده، و به چه چیزهایی روزگار پر بهای خود را به پایان رسانیده است، و به خاطر می آورد اموال خود را که چگونه انباشته، و در راه به دست آوردن آن دقت و تأمل نکرده و سرسری پنداشته، و آن ها را از مواردی که حلیت آن روشن بوده و از مواردی که شبهه ناک بوده از هر جا به دستش رسیده گرد آورده است.

آری آثار و عواقب این اموال برای جان او لازم و غیر منفک گردیده و در آستان وداع و فراق این اموال وارد شده است، به خوبی ادراک می کند که این اموال را گذارده تا برای دیگران باشد و از پس مرگ او از آن استفاده کنند و بدان وسیله در نعمت فرو روند و بهره ها گیرند و بنابراین عیش هتئیی و گوارا برای آنان است

و بار گران و زر و وبال آن بر عهده او؛ و چنان بسته شده زنجیرهای گرو آن اموال است که خلاصی از آن متعذر و محال به نظر می رسد.

در اینحال که نشانه های مرگ به خوبی پدیدار شده است، به شدت انگشت ندامت خود را در برابر عمر از دست داده به دندان می گزد، و در برابر بی اعتنایی بر آنچه سزاوار بود در ایام عمرش بدان رغبت داشته باشد سخت نگران است.

و تمنّی می کند که ای کاش من به جای این مردم تهی دست بودم که در وقت جمع آوری اموال به من غبطه برده و حسد می ورزیدند.

مرگ نیز کم پیش تر می آید و در تصرّف در بدن او قدمی فراتر می نهد تا جایی که بر گوش او هم غلبه می کند و گوشش به پیروی از زبانش که قدرت خود را از دست داده و از گفتار افتاده بود، از قدرت می افتد و شنوایی خود را از دست می دهد؛ و در این حال در میان اهل خود که اطراف او گرد آمده اند به طوری است که نه با زبان می تواند سخن بگوید و نه با گوش سخنی بشنود؛ ولی با چشمش که هنوز از کار نیفتاده است دائماً در چهره اطرافیان خود نگاه می کند، و پیوسته دیدگان خود را به این طرف و آن طرف می گرداند؛ و آنچه را آنها می گویند، حرکت زبان های آنها را با چشم می بیند، ولی برگشت صدای آنها را با گوش نمی شنود.

و مرگ پیوسته قدم جلوتر می گذارد، و با او چسبندگی بیشتری پیدا می کند تا آنکه چشم او نیز به دنبال گوشش بسته می شود، و جانش از کالبدش بیرون می رود، و به صورت مرداری در بین اهل خود در می آید. به طوری که تمام اهل و نزدیکان او از او به وحشت افتند و از کنار او دور شوند؛ و آن مرده مسکین نیز نمی تواند با گریه خود به گریه آنان کمک دهد، و جواب سخن یکی از آنان که در سوگ او به ناله و فغان سخنانی را خطاب به او می نمایند پاسخ گوید.

سپس جنازه او را بر می دارند و به سوی گوری که برای او می کنند و او را در میان زمین به عملش می سپارند، و از او دور می شوند و از زیارت و دیدار او منقطع می گردند. تا زمانی که مدّت معینه عمر دنیا که در کتاب قضای الهی نوشته شده

سرآید و امر خدا به مقدرات خود برسد و آخرین از مخلوقات به اولین بپیوندند، و امر خدا و فرمان او طبق اراده و مشیت او برای تجدید آفرینش در قیامت برسد، در این حال آسمان ها را به حرکت در آورد و آن را بشکافت. (1)

### چگونگی قبض روح

از امام صادق علیه السلام روایت شده که از ملک الموت سؤال شد چگونه قبض ارواح آدمیان را در یک ساعت می کنی در حالی که بعضی در مغرب عالم و بعضی در مشرق عالم هستند.

ملک الموت در پاسخ گفت: من فقط آنها را می خوانم و آنها جواب مرا می دهند سپس اضافه کرد به درستی که تمام این جهان در مقابل من مانند یک کاسه ای است که در نزدیکی از شما باشد و از هر جای آن کاسه بخواد غذا تناول کند دست در همان جا می برد و از همان نقطه تناول می کند و تمام این دنیا در نزد من مانند یک درهمی است که در دست یکی از شماست و آن را هر قسم که بخواد می گرداند و پشت و روی آن را می نگرد. (2)

حضرت صادق علیه السلام اضافه فرمودند: برای ملک الموت اعوان و مددکارانی هستند که ارواح را قبض می کنند.

حضرت علی علیه السلام به شخصی که از چگونگی قبض روح سؤال کرده بود فرمودند: برای تو همین قدر کافی است که بدانی ذات مقدس حضرت پروردگار زنده کننده و میراننده است (از باب طولیت و عرضیت اینکه خداوند ملک الموت و فرشتگان و غیرهم همه در طول هم هستند نه عرض و متضاد) و اوست که قبض ارواح می کند بر دست هر کدام از بندگان و مخلوقات خود که بخواد خواه آنها از طائفه فرشتگان باشند یا از غیر آنها. شرح اینکه و غیرهم که حضرت علی علیه السلام فرمودند: چه کسانی هستند؟ افرادی هستند که فانی در اسماء و صفات کلیه الهیه

ص: 137

1- نهج البلاغه، خطبه 107، طبع محمد عبده.

2- من لا یحضر الفقیه، باب غسل المیت طبع نجف، ص 80.

گشته اند و لازمه این درجه از فنا ظهور و طلوع آن اسما و صفات است در آئینه وسیع وجود آنان و متصف هستند به صفات کلیه الهیه پس به اذن خدا می توانند زنده کنند و بمیرانند و روزی دهند و سایر افعالی که از خدا سر می زند از وجود آنان ظهور نموده و به اذن و اراده خدا انجام دهند آنها که وجه الله هستند که خداوند می فرماید: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَبِتَيْبِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (1) هر آنچه که در روی زمین است نابود می شود فقط وجه ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند. (2) علی بن الحسین علیهما السلام فرموده اند: وجه خدا که مردم رو به سوی آن می آیند ما هستیم. (3)

شرح اینکه خداوند جسم نیست که صورت داشته باشد و با توجه به اینکه صورت یکی از طرق شناخت فرد هست پس اگر خواستی اسما و صفات خداوند بشناسی پس باید به چهارده معصوم نگاه کنی که مظهر صفات خداوند هستند و مضافا اینکه وجه که از سه حرف تشکیل شده به حروف ابجد مساوی چهارده می باشد و=6، ح=3، ه=5: 14 پس می شود چهارده معصوم رب همان طور که در سوره قدر لیلۃ القدر می شود فاطمه خدا.

### مرگ یکی از نعمات خداوند

خداوند مرگ را یکی از نعمت های بزرگ خود شمرده است. و در الرحمن قرآنش می فرماید: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَبِتَيْبِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (4)

تمام کسانی که روی زمین زندگی می کنند می میرند تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگار باقی می ماند پس کدامین نعمت از نعمت های

ص: 138

1- . الرحمن / 26 و 27.

2- . توحید صدوق، ص 268.

3- . تفسیر قمی، ج 5. ذیل آیات 26 و 27 سوره الرحمن.

4- . الرحمن / 25-27.

پروردگارتان را انکار می کنید. این مرگ مقدمه ای است برای آسودگی از رنج های این جهان و نجات از زندگی ملال آور و یکنواخت.

من از دو روزه عمر آمدم به جان ای خضر \*\*\* چه می کنی تو که یک عمر جاودان داری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو چیز است که آدمی آنها را ناخوش دارد مرگ را ناخوش دارد در حالی که مرگ مایه آسودگی مومن از فتنه و گمراهی است. تنگدستی را ناخوش دارد در حالی که دارایی اندک حسابرسی را کمتر و ساده تر می کند. (1)

### قالب مثالی

امام صادق علیه السلام چون خداوند جان او (مؤمن) را بستاند روحش را به کالبدی همچون کالبد وی در دنیا می برد و می خورند و می آشامند و هرگاه کسی برایشان وارد شود او را با همان چهره ای که در دنیا داشته می شناسد. (2)

و در کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب از ابی ولاء حناط از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند که من به آن حضرت عرض کردم فدایت شوم چنین روایت می کنند که ارواح مؤمنین پس از مرگ در سنگدان های مرغان سبزی که در حول عرض در پروازند قرار دارند. حضرت فرمودند: نه، چنین نیست، مؤمن در نزد خدا بزرگتر و والاتر است از آن که روح او را در سنگدان پرنده ای قرار دهد، لیکن در بدن هایی مانند بدن های خود آنها قرار می دهد. (3)

و نیز در کافی با اسناد متصل خود از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ص: 139

1- . میزان الحکمه، ج 3.

2- . میزان الحکمه، ج 1، ص 483.

3- . فروع کافی، طبع سنگی، ج 1، ص 67.



إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِيَمَةِ الْأَجْسَادِ فِي مَجْرَةِ النَّجْمِ تَعَارَفُ وَتَسَاءَلُ فَإِذَا قَدِمَتِ الرُّوحُ عَلَى الْأَرْوَاحِ يَقُولُ دَعُوها فَإِنَّها قَدْ أَقْلَنْتُ مِنْ هَوْلٍ عَظِيمٍ ثُمَّ يَسْأَلُونها ما فَعَلَ فلانٌ وَ ما فَعَلَ فلانٌ فَإِنْ قالَتْ لَهُمْ تُرْكُهُ حَيًّا ازْتَجَوْهُ وَإِنْ قالَتْ لَهُمْ قَدْ هَلَكْتَ قالُوا قَدْ هَوَى هَوَى؛ أرواح مؤمنان در بهشت در کنار درختی در صورت اجسام بشریه قرار دارند و بدین صورت ها یکدیگر را می شناسند و با یکدیگر گفتگو دارند. چون یک روح تازه بر آنها وارد می شود، می گویند: فعلاً او را از پرسش واکذارید، چون از مقام هول و ترس عظیمی رهایی یافته است. و سپس از او می پرسند: فلان کس چه کرد؟ اگر در پاسخ بگویند: او زنده بود، ارواح امید خیر و رحمت و سعادت درباره او دارند؛ و اگر بگویند: هلاک شده است، ارواح می گویند: به پستی و خواری گرانید، به پستی و خواری گرایید.

چون اگر از اهل بهشت بود مسلماً با آنها بود و چون در میان آنها نیامده معلوم می شود در جهنم رفته است. (1)

و نیز در کافی با سند متصل خود از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که: سَأَلْتُهُ عَنْ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَقَالَ: فِي حُجْرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِها وَ يَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِها وَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا وَ أَنْجِزْ لَنَا ما وَعَدْتَنَا وَ أَلْحِقْ آخِرَتَنَا بِأُولِنَا؛

می گویند: درباره ارواح مؤمنان از آن حضرت سؤال کردم؛ فرمودند: در حجره هایی در بهشت سکونت دارند، از غذای بهشتی می خورند و از آشامیدنی های آن می آشامند و می گویند: بار پروردگار ما! ساعت و قیامت را برای ما به پا دار، و

ص: 140

بر آنچه به ما وعده فرمودی وفا کن، و آخرین فرد ما را به اولین فرد ما ملحق گردان. (1)

و نظیر این روایات را به اضافه کیفیت ارواح کافران که در حجره هایی از آتش سکنی دارند و از خوراکی ها و آشامیدنی های اهل آتش می خورند. برقی در «محاسن» با سند متصل خود از حضرت صادق علیه السلام آورده است. (2)

### خواب و مرگ

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ خداست که جان ها را می گیرد در وقت مرگ آن ها، و نیز آن جان هایی را که در خواب رفته و مرگ آنها نرسیده است؛ پس آن جان هایی را که حکم مرگ را بر آنها جاری کرده در نزد خود نگاه می دارد و دیگر به بدن باز نمی گرداند؛ و لیکن آن جان هایی که در خواب رفته و هنوز مرگشان نرسیده است آنها را رها نموده تا هنگام بیدار شدن به بدن برگردند و تا اجل مسمی و زمان معین در بدن باقی باشند؛ و در این امر نشانه هایی از قدرت و توحید اوست برای مردمانی که در آیات سبحانیّه او تفکر بنمایند. (3)»

این آیه مبارکه صراحت دارد بر آنکه مرگ و خواب از جنس واحدند و یک حکم را دارند؛ در حال مرگ و در حال خواب در هر دو حال خداوند جان او را می گیرد؛ لیکن آن کسی که اجلش رسیده است آن جان را نگاه داشته و آنکه اجلش نرسیده است جان او را در موقع بیداری به او بر می گرداند. و این مسئله بسیار شایان دقت است.

ص: 141

1- . کافی، طبع سنگی، فروع، ج 1، ص 67.

2- . محاسن برقی، ج 1، ص 178.

3- . زمر / 42.

اولاً گرفتن جان را که مشترک بین خواب و مرگ است به لفظ «توفی» بیان کرده است نه به لفظ «قبض» چون معنای توفی به تمام معنی گرفتن و اخذ نمودنست و لیکن معنای قبض، گرفتن و ربودنست؛ در حال مرگ و خواب خداوند جان را می گیرد به واقعیت و حقیقت گرفتن؛ ولی در حال مرگ علاوه بر این قبض می کند یعنی می ریاید که دیگر حاضر به بازگشت نیست و در حال خواب به همان توفی اکتفا نموده و سپس جان را رها می کند.

می شود در مقال تمثیل و تقریب به ذهن این مثال را آورد که پرنده ای در قفس محبوس است و مضافاً ریسمانی هم بر پای او بسته شده گاهی در قفس باز می شود پرنده پرواز می کند ولی به واسطه ریسمان به قفسش بر می گردد این یعنی خواب و گاهی در قفس را باز و ریسمان را هم از پای او باز می کنند و پرواز می کند و دیگر بر نمی گردد و این یعنی مرگ.

از امام علی النقی علیه السلام سؤال شد از حقیقت مرگ.

فرمودند: مرگ همین خوابی است که هر شب به سراغ شما می آید. با این اختلاف که مدتش طولانی است و انسان در این خواب بیدار نمی شود مگر در روز قیامت افرادی که در حال خواب، خواب می بینند و در آن حال به انواع فرح که به وصف و اندازه نیاید شاد خاطر می گردند یا به انواع دهشت ها و وحشت ها که قابل توصیف و تقدیر نباشد دچار می گردند چگونه است حال سرور و شادمانی آنها یا حال دهشت و اضطراب آنها در خواب؟ همین طور است مرگ و احوالاتی که در آن حال بر انسان پیش می آید پس آماده مرگ شوید. (1)

این روایت صریح است بر اینکه خواب و مرگ یکی است. پس می توان گفت که مرگ خوابی است سنگین و دانمی و خواب مرگی است سبک و چند ساعته چرا که در وقت خواب روح علاقه خود را نسبت به بدن کم می کند، ولی فی الجمله علاقه ای باقیست که به واسطه همین علاقه اجمالی است که بدن اعمال خود را انجام می دهد ولی در وقت مردن روح علاقه خود را به کلی قطع و در عالم

ص: 142

تجرد محض و مطلق می رود و بر این اساس انسان در عالم خواب می تواند کارهای مهمی انجام دهد که در عالم بیداری قادر بر آن نیست چون در بیداری انسان می خواهد با بدن مادی خود کار کند و چنین قدرتی برای او نیست که هر چه را بخواهد انجام دهد ولی در حال خواب بدن مادی را می اندازد و با بدن صوری و مثالی که قدرتش هزار مرتبه بیشتر است کار می کند و کارهای عجیب می کند به آسمان پرواز می کند در یک لحظه از مشرق به مغرب می رود در اقیانوس اطلس شنا می کند و عرض آن را می پیماید از دیوار عبور می کند از دریچه تنگ و کوچک به اندازه وسعت یک ناخن دست عبور می کند و در یک لحظه یک ختم قرآن می کند پس در حال مرگ روح آزادتر و قدرت آن بیشتر چون بدن را به کلی خلع می کند پس کارهای عجیب تر است در یک لحظه ممکن است علم به جمیع جهات از عوالم طبیعت و کیفیات آن پیدا کند به تمام اهل و عشیره خود مرور کرده و از حالات آنها مطلع می شود و تمام هدیه هایی را که دوستان و ارحام برای او به صورت خیرات و مبرات می فرستند و به صورت رحمت و نور غذای معنوی است همه را قبول می کند و از آنها متمتع می شود و به علوم کلیه الهیه فائز و از حالات نفوس مردم و بهشتی ها و جهنمی ها و کیفیت وقوف و حساب و میزان آنها با خبر می شود. چرا که از بدن محدود و مادی که مانع از سیرهای خارق العاده و اعمال شگفت انگیز بود خارج و از حجاب زمان و مکان و ماده منفک شده و کارهای عجیب می کنند.

## مرگ و حیات دوباره

سوره غافر (مؤمن) آیه 11. [\(1\)](#)

« قَالُوا رَبَّنَا أَمَنَّاتُ الْاٰثِنِيْنَ وَ اٰخِيَّتِنَا اٰثِنِيْنَ فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوْبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلِ » کفار گویند پروردگارا تو دوبار ما را می راندی و دوبار زنده کردی اینک به گناهان خود اعتراف می کنیم آیا راهی برای بیرون رفتن از دوزخ هست» اینها

ص: 143

همان کسانی بودند که مردن را فنا و نابودی می پنداشتند و می گفتند: «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (1)

زندگی به جز همین زندگی دنیایی ما نیست ولی با طی مراحل شک و تردیدشان از بین رفته و چون بقای بعد از مرگ و حیات و بعد از حیات را عیناً دیده اند برای خلاصی اعتراف می کنند و اقرار به گناهان به طمع تخفیف در مجازات که دیگر دیر شده. جاهای دیگری این التماس های آنها را آورده که «لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَمَا كُنَّ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (2) ای کاش عمری دیگر بود تا از نیکوکاران می شدم یا «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ» (3) پروردگارا ما را از اینجا خارج کن اگر دوباره بازگشتیم ستمکاریم و یا «رَبِّ اذْجَعُونَ لِعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً» (4)؛ پروردگارا مرا باز گردان تا عمل نیک انجام دهم و یا «فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً» (5)؛

ما را بازگردان تا کار نیک انجام دهیم اما آنچه مفید بود اقرار و اعتراف و توبه در دنیا بود که باعث تخفیف می شد اینجا جواب کلا می شنوند. که حرف ردع است و به معنی ابداء می باشد و علت افسار گسیختگی در اراده و افعال و گناهان فراموشی روز جزا و حساب است که خداوند تعالی می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَوْمَ نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (6)

آن هایی که از راه خدا گمراه شدند عذابی سخت دارند به خاطر اینکه روز حساب را فراموش کردند.

ص: 144

1- . انعام / 29.

2- . زمر/ 58.

3- . مؤمن/ 107.

4- . مؤمنون/ 100.

5- . سجده / 12.

6- . ص / 26.

امام صادق علیه السلام می فرماید: این آیه درباره رجعت است مفسرین در این باره این طور می فرمایند:

زنده کردن در برزخ سپس میراندن از برزخ و زنده کردن در قیامت برای حساب که دو میراندن و دو زندگی اشاره به میراندن بعد از زندگی دنیا و میراندن بعد از زندگی در برزخ و احیای در برزخ و احیای در قیامت اشاره می کند چون اگر زندگی در برزخ نبود دیگر میراندن دومی تصور صحیحی نداشت چون هم میراندن باید بعد از زندگی باشد و هم احیا بعد از مردن پس حیات برزخی بعد از مردن انسان حاصل می شود چنانچه خداوند می فرماید: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (1)

حیاتی که شهدا دارند و همان حیاتی که پیغمبر و امامان علیهم السلام دارند که کلام ما را می شنوند و پاسخ می دهند و همان حیاتی که سرکشان و طاغیان همچون آل فرعون دارند و صبح و شام به مقتضای «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا» (2) مجازات می شوند.

و اینکه روح بعد از مفارقت از بدن باقی و در پیکر دیگری شبیه این پیکر داخل می شود که به آن قالب مثالی می گویند و ارواح پس از پاسخ به پرسش های ملکین (نکیر و منکر) و تحمل فشار قبر که بر پیکر اصلی استبه مثال های قالبی وارد می شوند و اگر از مؤمنان کامل عیار باشند به وادی السلام در نجف اشرف منتقل و یا به بهشت دنیوی انتقال پیدا می کنند چون برای خداوند در این جهان غیر از بهشت برین و جهنم جاویدان بهشت و جهنمی دیگر هست از حضرت رضا علیه السلام روایت است. (3)

ص: 145

1- . آل عمران / 169.

2- . غافر/46.

3- . بحارالانوار ، ج 11، ص 130 و 1440 ج 6، ص 282-285.

که فرمود: بهشت حضرت آدم همان بهشت دنیاست نه بهشت برین. پس در آنجا متنعم می شوند از میوه های آن بخورند و از چشمه های آن بنوشند چنانچه خداوند متعال در حق شهیدان فرموده است: « وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (1)

هر چند اعتقاد باید داشت که بهشت و جهنم آفریده شده نه اینکه در آینده آفریده خواهند شد که از امام رضا علیه السلام روایت شده که منکر آن منکر معجزات و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و چنین شخصی کافر است.

### فضیلت سوره ملک

امام محمد بن علی الباقر علیه السلام راجع به فضیلت سوره ملک می فرمایند: سوره ملک (2) سوره مانعه است یعنی از عذاب قبر ممانعت می کند و در تورات به همین نام ثبت شده است کسی که آن را در شب بخواند بسیار خوانده و خوب خوانده و از غافلان محسوب نمی شود و رسول مکرم اسلام در فضیلت آن می فرماید: کسی که آن را بخواند چنان است که گویی شب قدر را احیاء داشته و دوست می داشتیم که سوره تبارک (ملک) در قلب همه مؤمنان ثبت شود. سوره ملک آیه 2. « الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ اِيَّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَقُورُ؛ همان کسی که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک بهتر عمل می کنید و او شکست ناپذیر و بخشنده است.

ص: 146

1- . آل عمران / 169-170.

2- . آیت الله مرعشی نجفی در وصایای خود توصیه می کردند بعد از نماز صبح سوره یس و بعد از نماز ظهر سوره نبأ را و بعد از نماز عصر سوره والعصر (در کتاب کیفر کردار از شخصی که تشرف داشت محضر حضرت بقیت الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ، حضرت بعد از نماز عصر سوره نوح را توصیه فرمودند.) سوره واقعه را بعد از نماز مغرب (باز در تشرف محضر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: بعد از نماز مغرب دو رکعت نماز بخوان در رکعت اول حمد و هر سوره که می خواهی و در رکعت دوم حمد و سوره واقعه را بخوان) و سوره ملک را بعد از نماز عشا تلاوت کنید.

موت اگر به معنی فنا و نیستی باشد مخلوق نیست چرا که خلقت به امور وجودی تعلق می‌گیرد و مرگ به معنی عدم حیات نیست، بلکه به معنی انتقال است و امری است وجودی که مانند حیات خلقت پذیر است و خلقت مرگ قبل از زندگی بوده است چرا که مرگ قبل از حیات ذکر شده.

## روح چیست؟

شکی نیست در اینکه در داخل این هیكل محسوس که ما آن را انسان می‌نامیم مبدئی برای حیات است که شعور و اراده آدمی مستند بدان است آن وجود که از شکافی صدا را می‌شنود و با پیه و از درون پنجره بیرون را می‌نگرد و او با تکه گوشه‌ی تکلم می‌کند احساس و شعور و عواطف دارد تعبیر به روح شده که خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (1). هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم برای او سجده کنید پس روح و بدن دو

حقیقت قرین یکدیگرند وقتی روح قرین جسد قرار گرفت انسان زنده است و وقتی از هم جدا شدند این جدا شدن مرگ است که این روح مراتب مختلفی دارد. یک مرحله از روح آن مرحله ای است که در گیاهان سبز هست و اثرش این است که گیاه و درخت را رشد می‌دهد روحی دیگر خاص مؤمن است که درباره اش فرموده: «اولئك كتب في قلوبهم الايمان و ایدهم بروح منه» (2). آنها کسانی هستند که خدا ایمان را بر همه قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش ایشان را تقویت فرموده، که از نظر شرافت در ماهیت و از نظر مرتبت و قوت اثرش شریف تر و قوی تر از روحی است که در همه انسان های زنده است به شهادت اینکه در آیه زیر می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ آيا

ص: 147

1- . حَجَر / 29؛ ص / 72.

2- . مجادله / 22.



کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن در بین مردم راه می رود در مثل، مثل کسی است که در ظلمت های بسیار قرار گرفته و خارج شدن از آن برایش نیست.» (1)

ملاحظه می کنید که در این آیه مؤمن را زنده به حیاتی دارای نور دانسته و کافر را با اینکه جان دارد مرده و فاقد آن نور می داند. پس معلوم می شود مؤمن روحی دارد که کافر آن را ندارد و روح مؤمن اثری دارد که در روح کافر نیست. (2)

## اجل

برای هر فردی اجلی معین شده که ساعتی تقدیم و تأخیر ندارند. «لکل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون» (3) وقتی رسید یا در خواب بودند یا مشغول لهو لعب یک نفس بالا آمد برگشت فرود آمد بالا نیامد پس نعمت ها شماره دارد روزی ها اندازه دارد عمرها مدت دارد و ناگهان بانگی بر آمد خواجه مرد . و دیگر حسرت است و ندامت و حساب است و دیگر عمل نیست که دیگر التماس ها برای برگشت هم سودی ندارد هر چه صدا بزنند رب ارجعون لعلى عمل صالحا ؛ خدایا مرا برگردان عمل صالحی انجام دهم خطاب کلا که حرف ردع است می شنود یعنی ابدأ هرگز و من وراثهم برزخ الی یوم یبعثون؛ و از ورای آنها برزخ است تا روز قیامت افسوس که خوابیم : «والناس نیام و قد ماتوا انتبهوا» اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مردم خوابند همینکه می میرند بیدار می شوند. مقصود این است که درجه حیات بعد از مردن از مردن کامل تر و بالاتر است، همان طور که انسان در حال خواب از درجه درک و احساس ضعیفی برخوردار است حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری آن حیات کامل تر می

ص: 148

1- . انعام / 122.

2- . مومن / 100.

3- . اعراف / 32.

شود همچنین حالت حیات انسان در دنیا نسبت به حیات برزخی درجه ای ضعیف تر است و با انتقال انسان به عالم برزخ کامل تر می گردد.

و از خواب بدتر خوابزده که خود را به خواب می زند و همه را تکذیب می کند دروغ و افسانه می پندارد. صدها چراغ دارد و بیراهه می رود بگذار تا بیفتد و ببیند سزای خویش. (1)

### داستانی واقعی

یکی از بزرگان نقل می کردند: با طلبه ای که ظواهر عقلایی نداشت و او را دیوانه می پنداشتند عازم مدرسه بودم در بین راه ناوایی بود او ایستاد و زل زد به شاطر . بعد مدتی با اعتراض ناوا آنجا را ترک کردیم و راهی مدرسه شدیم در بین راه اعتراض کردم چرا این کار را کردی؟ گفت: این مرد شاطر فردا این وقت مرده و من فکر می کردم چطور خبر ندارد. با خود گفتم حرف هایش ممکن است از سر دیوانگی باشد. فردا صبح آمدم بروم مدرسه با خود گفتم: بروم از دکان ناوایی رد شوم ببینم چه خبر است. وقتی رسیدم دیدم مشکی زده اند و نوشته اند به علت فوت شاطر مغازه تعطیل است. رفتم مدرسه ولی به روی خود نیاوردم آنچه دیده بودم وقتی مرا دید گفت: رفتی ببینی من راست گفتم یا نه دیدی دروغ نگفتم.

### برزخ

«وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ؛ و پشت سرشان برزخی است تا روز رستاخیز». (2)

ص: 149

1- . تفسیر اطیب البیان، ج 10، ص .

2- . المیزان، ج 20، ص 283.

امام سجاد علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند: آن برزخ همان گور است و آنان در گور زندگی تنگ و سختی دارند به خدا سوگند! که گور باغی از باغ های بهشت است یا گودالی از گودال های دوزخ. (1)

امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند! از برزخ شما بر شما می ترسم.

راوی عرض کرد: برزخ چیست؟

فرمود: گور از زمان مرگ تا رستاخیز.

ص: 150

---

1- . میزان الحکمه، ج 1، ص .





پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عبارت «لا اله الا الله» را به افراد در حال احتضار تلقین کنید. هرگاه آخرین سخنش «لا اله الا الله» باشد داخل بهشت می شود. (1)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: هر که بخواند برادر خود را حلوائی حق تعالی بر طرف کند از او تلخی مرگ را و برای تعجیل راحت محتضر و دفع سختی جان دادن «والصافات» و «احزاب» و «آیت الکرسی» و آیه 54 سوره اعراف و سه آیه آخر سوره بقره و دعای عدیله و شهادتین اقرار به توحید و نبوت و دوازده امام و سایر عقاید حق را طوری تلقین کنند که بفهمد و مستحب تکرار آن تا وقت مرگ است و اگر خود انسان دعای آل یس را بخواند می تواند امام زمان علیه السلام را شاهد بر عقاید خود بگیرد و آنها را نزد ایشان به امانت بگذارد و کلمات فرج که حضرت علی علیه السلام هر کس از خاندان که در احتضار بود این کلمات را تلقین و می فرمودند برو که دیگر بر تو ترسی نیست و دعا این است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ مَسْجِدَ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ مَا فِيهِنَّ وَرَبِّ مَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد شخص محتضر فرمودند بگو: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مُعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ . يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيُغْفِرُ عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اغْفِرْ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوُّ الْعَفُورُ اللَّهُمَّ ارحمني فانك رحيم.»

و این زمانی است که پیامبر و انمه اطهار علیهم السلام به هنگام مرگ در بالین هر مؤمن و کافری از اخیار و اشرار حاضر می شوند در حق مؤمنان شفاعت می کنند و موجب آسانی سکرات مرگ می شوند و در روایات آمده است که آنچه آب از دیده

ص: 153

مؤمن به هنگام مرگ بیرون می آید اشک شوق است که از شدت شادی و سرور مؤمن از دیدار رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام از دیدگانش سرازیر می شود.

کراهت دارد تنها گذاشتن محضر، حاضر شدن جنب و حائض نزد او و گریه به صدای بلند کردن و تنها گذاشتن زنها نزد او.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب و او در حال احتضار بود فرمود که پای او را به سوی قبله کنی تا ملائکه به او رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد. و از حضرت رضا علیه السلام منقول است که زینهار که در حال احتضار دست بر او مگذارید اگر دست و پا زد مانعش نشوید چنانچه جاهلان می کنند و نزد او قرآن بخوانید یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید.

در حدیث دیگر منقول است که: فرزندی از امام جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود حضرت امام محمدباقر علیه السلام در کنار خانه او نشسته بودند و هرگاه کسی نزد او می رفت منع می کردند و می فرمودند که دست بر او مگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او می گذارد چنان است که او را کشته است. (1)

و از امام صادق علیه السلام: هر که سوره «اذا زلزلت الارض زلزالها» در نوافل خود بخواند حق تعالی نرساند به او زلزله و نمیرد به آن و نه به صاعقه و نه آفتی از آفات دنیا تا بمیرد و در وقت مردن او ملکی کریم از نزد حق تعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد سر او و بگوید: ای ملک الموت! رفق و مدارا کن به ولی الله؛ زیرا که او مرا بسیار یاد می گیرد.

و شخص در حال جان دادن را بنا بر احتیاط واجب به پشت بخواباند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد اگر نمی شود رو به قبله بنشانند اگر آن هم نشود به پهلو راست یا چپ رو به قبله بخوابانند که این عمل بر هر مسلمان واجب است و مستحب است او را به جایی که نماز می خوانده ببرند.

و مستحب است به او تلقین شهادتین کنند یعنی بر زبانش گذارند:

ص: 154

« اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله » گوید و اقرار به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده امام علیهم السلام نماید و کلمات فرج بگوید: « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ » و همچنین دعای عدیله نافع است آن گاه چشم و دهانش را ببندند و دست او را بکشند تا چشم و دهان باز و دست خم شده خشک نشود و مؤمنان را برای تجهیز او خبر کنند.

مرحوم میرداماد در منتخب خود از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که هر کس این دعا را بخواند به آسانی و سهولت قبض روح او شود که نداند جان داده یا خوابیده. «اللهم یا مالک الموت طیبی و اسلمنی قبل الموت و ارحمنی عند الموت و هون علی سكرات الموت و لا تعذبنی بعد الموت و ارضنی الی ملک الموت یا فاطر السموات و الارض انت ولی فی الدنیا و الآخرة توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین». بهتر است این دعا در تعقیب نماز خوانده شود. (1)

ص: 155









## وظایف پس از مرگ

بعد از فوت لازم است بستن پلک چشم ها ، لب و دهان متوفی و اینکه دست های او را به دو پهلوی او دراز کنند و پاهای او را دراز کنند سپس پارچه ای بر روی او بکشند که بدن او را پوشانند در محلی که در شب جان داده چراغی روشن کنند. و مستحب است در دفن میت عجله کنند ولی اگر یقین به مردن او ندارند باید صبر کنند تا معلوم شود و اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد باید به قدری دفن را عقب بیندازند که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی او را بدوزند.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد مردی از نوادگان عبدالمطلب رفت که در حال مردن بود ولی او را رو به قبله نگذاشته بودند فرمود: او را رو به قبله بگذارید که اگر چنین رفتار کنند تا زمانی که جانش گرفته شود فرشتگان و خداوند به او توجه خواهند داشت.

امام صادق علیه السلام هر که هنگام مصیبت «انا لله و انا الیه راجعون» بگوید بهشت بر او واجب می شود. (1)

## معنی استرجاع

در کتاب خصائص سید رضی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت آورده که وقتی شنید مردی می گوید: «انا لله و انا الیه راجعون» فرمود: ای مرد اینکه می گوئیم «انا لله» اقراری است از ما به این که ملک خدائیم و اینکه می گوئیم: «و انا الیه راجعون» اقراری است از ما به این که روزی هلاک خواهیم شد. و از این جهان خواهیم رفت و جایگاه ما جای دیگر است. (2)

ص: 159

1- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص .

2- . المیزان، ج 1 ، ص 576 ؛ نهج البلاغه ، کلمات قصار، جمله 99.

امام صادق علیه السلام فرمود: برای مردگان خودتان کفن های خوب انتخاب کنید که کفن زینت انسان ها می باشد. (1)

این سه قطعه پارچه لنگ، پیراهن و سرتاسری را از مال حلال و خمس داده شده بر می دارند. اگر احرام های حج و عمره را هم با آب زمزم و فراتشسته و آن را متبرک به حرم های انمه علیهم السلام نموده و سپس چهل نفر مؤمن روی آن شهادت بدهند بر خوبی صاحب کفن و امضا کنند بهتر است یا شهادت چهل مؤمن بر کاغذی باشد و آن را در جوف کفن قرار دهند؛ البته به همراه دعای ضمیمه که بنا به روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند او را در قبر عذاب نخواهد کرد. چرا که در قیامت اموات با کفن هایشان محشور می شوند و به آن مباحث می کنند پس مستحب است کفن از جنس خوب و سفید رنگ و همچنین کفن را با مالیدن به ضریح مقدس انمه اطهار علیهم السلام متبرک کنند. بعد از آن که به آب فرات یا زمزم غسل داده شده. (2)

مستحب است انسان در حال سلامتی کفن، سدر و کافور خود را تهیه کند.

مستحب است این کلمات بر کفن نوشته شود کما اینکه علامه بحرالعلوم قدس سره در کتاب الدرر اشاره فرموده اند که: سنت است بنویسند بر کفن شهادت اسلام و ایمان و قرآن و جوشن.

1: نوشتن کل قرآن 2: نوشتن دعای جوشن کبیر و صغیر. بهتر اینکه با تربت امام حسین علیه السلام نوشته شود. 3: نوشتن دو بیت شعری که حضرت علی علیه السلام بر کفن سلمان نوشتند.

وفدت علی الکریم بغیر زاد \*\*\* من الحسنات و القلب السلیم

و حمل الزاد اقبیح کل شیء \*\*\* اذا کان الوفود علی الکریم

ص: 160

1- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

2- . عروة الوثقی.

بی آنکه توشه ای از حسنات و کارهای نیک و قلب سالم اندوخته باشم بر خداوند بزرگ و کریم وارد شدم زیرا هرگاه انسان بر شخص بزرگوار وارد می شود زشت ترین چیزها آن است که زاد و توشه با خود ببرد.

4: نوشتن سند روایت معروف به سلسله الذهب نیز مستحب است.

جبرئیل يقول سمعت الله عزوجل يقول (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي يقول الله عزوجل: (وَلَا يَأْتِيَنَّ بَنِي أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ نَارِي) (11).

5: نوشتن اقرار شهادت به خداوند و پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام و نیز اقرار به اعتقادات حق بر روی کفن مستحب است. و بر روی قطعه های کفن نوشتن این جملات: «أَنَّ فُلانَ بَنِ فُلانٍ (اسم شخص) يشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمداً رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ان علياً

الحسن و الحسين و علياً و محمداً و جعفرأ و موسى و علياً و محمداً و علياً و الحسن والحجة القائم اولياء الله و اوصياء رسول الله و انتمى و ان البعث و الثواب و العقاب حق».

از مستحبات موکّد نزد شیعیان گذاشتن دو چوب تر به همراه میت است که به آن (جریدتین) اطلاق می شود. بهتر است برای میت اعم از مرد و زن نیکوکار گنه کار یکی از آن دو چوب تر را بالای دست راست به سمت بالای استخوان میان گلو و شانه گذاشت به گونه ای که به بدن و پوست میت چسبیده باشد و دیگری را در سمت چپ از روی پیراهن و زیر سرتاسری از استخوان میان گلو و شانه ها هر جا که برسد قرار داد.

ص: 161

مسئله 1399 آیت الله بهجت: کفن و بُرد یمانی و قبری که از سود بین سال قبل خرید می کنند وقتی سال بر آن گذشت باید خمس آن را بدهند و اگر یک بار خمس آن را بدهند در سال های بعد خمس تعلق نمی گیرد.  
آیت الله مکارم مسئله 1501: کسانی که قبر یا کفن از قبل برای خود تهیه می کنند چنانچه سال بر آن بگذرد خمس دارد.

**مسئله فقهی:**

میتی که سه غسل او داده شده و یا بدنش هنوز گرم است مس او غسل میت ندارد.

**تشیع جنازه**

**اشاره**

امام صادق علیه السلام: هر که یک طرف تابوت را بگیرد خداوند 25 گناه کبیره او را می آمرزد و هرگاه چهار طرف تابوت را بگیرد همه گناهان او آمرزیده می شود. (1)

موسی بن سیار می گوید: ایامی که امام رضا علیه السلام در خراسان بودند در خدمت آن حضرت بودیم یک روز حضرت تصمیم گرفتند از شهر بیرون بروند ما هم در خدمت آن سرور بودیم پس به جاهایی رسیدیم که تا آن زمان نیامده بودم و اولین بار بود که در خدمت امام رضا علیه السلام در آن مسیر می آمدیم ناگهان جنازه ای دیدیم که تشیع می شد حضرت به عجله از مرکب پیاده شدند و به تشیع جنازه رفتند و برگشتند و به من فرمودند: مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً وَلِيَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ لَا ذَنْبَ عَلَيْهِ؛ کسی که جنازه یکی از دوستان ما را تشیع کند از

ص: 162

گناهان خود بیرون می آید همانند روزی که از مادر متولد شده است و گناهی بر او نیست. (1)

چه خوب است بستگان میت نفری یک جزء قرآن بخوانند و برای او هدیه کنند که قطعاً به او می رسد و به داد او خواهد رسید. یا هر شخصی به استطاعت یک شبانه روز یا بیشتر نماز قضا بخواند و متفقاً نماز وحشت را بخواند.

مستحب است اولیاء میت اگر مؤمنی فوت شد اطلاع دهند مؤمنین برای حضور در تشییع و نماز و استغفار کنند برای میت و مستحب است مؤمنین اجابت نموده و مبادرت نمایند در عمل خیر و در خیر است اگر خواندند شما را برای ولیمه و برای تشییع مقدم دارید تشییع جنازه را چون تشییع شما را به یاد آخرت می اندازد اما ولیمه به یاد دنیا فانی، حدی برای تشییع معین نشده ولی بهتر تا نماز خواندن و بعد از آن تا دفن کردن است. و اخبار در فضیلت آن زیاد است و در اخبار است که اول تحفه ای که در قبر مؤمن وارد می شود آموزش خودش و آموزش تشییع کنندگان می باشد و نیز روایت است کسی که تشییع جنازه مؤمنی را به هر قدمی خداوند صد هزار حسنه می نویسد و صد هزار گناه محو می کند و صد هزار درجه برای او بالا می برند و روایت است اگر کسی نماز میت خواند هنگام مردنش تشییع می کنند صد هزار ملانکه او را و استغفار می کنند برای تا روز قیامت.

#### آداب آن :

1: هر کس نظرش به میتی افتاد «انا لله و انا الیه راجعون» بگوید و «الله اکبر».

2: هنگام حمل جنازه بگوید: «بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات»

3: پیاده تشییع کند بلکه سواره کراهت دارد، مگر عذری باشد ولی مراجعت کراهت ندارد.

4: با کتف خود حمل کند مگر راه دور باشد یا عذر دیگری باشد.

ص: 163

---

1- مناقب آل ابی طالب، ج 4؛ بحارالانوار، ج 49، ص 98.



5: مشتع خاضع خاشع باشد و تصور کند که میت خود او بوده و اکنون تقاضای برگشت کرده و مستجاب شده.

6: عقب جنازه یا دو طرف جنازه باشد نه جلوی جنازه.

### هنگام دفن

مستحب است جنازه را چند زراعی قبر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر مرد است از طرف سر وارد قبر کنند و اگر میت زن است از طرف پهنا وارد قبر کنند سپس گره های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بگذارند سپس دست راست را بر شانه میت بزنند و دست چپ را بر شانه چپ او بگذارند و دهان نزدیک گوش او و پس او را به شدت تکان دهند و تلقین بگویند اگر میت زن است کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد سپس روی قبر آب پاشند و حاضرین دست ها بر قبر انگشت ها باز و درون خاک و هفت مرتبه سوره قدر بخوانند و برای او طلب آمرزش کنند و پس از رفتن تشییع کنندگان ولی میت بنشیند سر قبر دعا و قرآن بخواند چنانچه حضرت زهرا علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کردند چون وفات کردم شما مرا غسل بده تجهیز کن و نماز بگذار و مرا داخل قبر کن و در لحد بسیار و خاک بر روی من ریز و بنشین نزد سر من مقابل صورتم و قرآن و دعا برای من بسیار بخوان؛ زیرا که آن ساعت ساعتی است که مرده محتاج است به انس گرفتن به زنده و مستحب است تلقین دوم بعد از دفن میت دعای آل یاسین نیز اگر در حین دفن خوانده شود علاوه بر توسل به امام زمان علیه السلام حاوی اقرار و تلقین به اعتقادات می باشد. توسط نزدیکان میت. بعد از دفن سوره «الذاریات» به نیابت از مرده خوانده «سوره ملک» و «سوره یس» هول آخرت و عذاب قبر را بر طرف

ص: 164

می کند. بعد از دفن سه مرتبه بالای قبر میت بروند و برگردند و برایش طلب آمرزش کنند. (1)

### شهادت چهل مؤمن

چهل نفر به خوبی میت شهادت دهند «اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا» امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه مؤمنی بمیرد و چهل مؤمن بر جنازه اش حاضر شوند و در نماز بگویند: اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا؛ خدایا ما از او جز خیر نمی دانیم و تو از ما آگاه تری. خداوند متعال می فرماید: من گواهی شما را پذیرفتم و آنچه را که من از او می دانم و شما نمی دانید بخشیدم. (2)

### آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

کسی که بر میتی نماز بخواند جبرئیل و هفتاد ملائکه بر او درود می فرستند و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می شود و اگر نزد جنازه بماند تا او را به خاک بسپارند و آن گاه باز گردد در برابر هر قدمی که از آغاز خروج از منزل تا به هنگام بازگشت بر می دارد یک قیراط اجر به او می دهند (و قیراط به مقدار کوه احد می باشد که به همان مقدار در کفه ترازوی او اعمال نیک و اجر وجود دارد) کسی که جنازه ای را تشییع کند تا وقتی که باز می گردد در مقابل هر قدمی که بر می دارد صد میلیون حسنه برای او ثبت می شود و همان مقدار گناه و معصیت از نامه اعمال او محو می گردد و صد میلیون درجه بر مقام او افزوده می شود پس اگر بر آن جنازه نماز هم بخواند بعد از مردن او صد هزار نفر (از انسان ها و ملائکه) که همگی برای او طلب مغفرت می کنند جنازه اش را تشییع می نمایند و اگر به

ص: 165

1- . عروه الوثقی ، آداب دفن.

2- . مفاتیح الحیاه ، ص 375.

هنگام دفن آن جنازه هم حاضر باشند خداوند هزار ملک بر او می‌گمارد تا به هنگامی که از قبرش برانگیخته می‌شود برای او استغفار کنند. (1)

### وظایف بازماندگان بعد از کفن و دفن

بدهکاری‌های او را به خدا مانند زکات، خمس، کفارات، رد مظالم و بدهکاری او را به خلق خدا وند بپردازند. به وصیت‌های او عمل کنند که واجب فوری است و تاخیر تا بعد چهلیم یا سالگرد غیر شرعی و غیر صحیح است. بر قراری مجلس هفتم و چهلیم مدرکی در قرآن و سنت وجود ندارد هر چند برقراری آن خواندن قرآن و طلب مغفرت برای روح رفتگان و تذکر برای افراد حاضر خوب است هر چند سنت‌های غیر الهی و دینی در آن فرهنگ شده مثل شب هفتم و غذا دادن به افراد توسط بازماندگان که بر عکس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است چرا که وقتی جعفر طیار برادر حضرت علی علیه السلام به شهادت رسید پیامبر دستور دادند تا سه روز برای خانواده جعفر غذا تهیه کنند نه اینکه شخص داغدار و مصیبت زده به فکر تهیه غذاهای آن چنانی و پذیرایی باشد که اگر فرزند یتیم هم در بین ورثه باشد مشکل شرعی پیدا می‌کند خوردن آن غذا استفاده از مال طفل صغیر یتیم که عقوبت دارد.

### پدر و مادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حضرت عیسی بن مریم از کنار قبری عبور می‌کردند دیدند که صاحب آن قبر را عذاب می‌کنند و سپس در سال آینده از کنار آن قبر عبور نمودند دید صاحب آن قبر را عذاب نمی‌کنند.

گفت بار پروردگارا! من در سال قبل از اینجا عبور کردم دیدم صاحبش معذب است و در این سال عبور کردم دیدم عذاب از او برداشته شده است.

ص: 166

خداوند عزوجل وحی فرستاد سوی عیسی بن مریم: ای روح الله! از این مرد یک فرزندی به مقام بلوغ رسید آن فرزند صالح نیکو کردار است راهی را برای مردم استوار و هموار نمود و یتیمی را مسکن و مأوا داد پس من به برکت عمل فرزندش از گناه او در گذشتم. (1)

و بر همین اساس است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

« مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا ؛ کسی که سنت نیکویی را در بین مردم بگذارد برای او است ثواب تمام افرادی که به آن سنت عمل کرده اند و کسی که سنت ناپسندی در بین مردم بگذارد برای او است گناه تمام افرادی که به آن سنت عمل کرده اند. » (2)

امام صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزندان خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می خواندند در رکعت اول حمد و سوره قدر و در رکعت دوم سوره حمد و سوره کوثر را قرائت می نمودند.

و اینکه در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و در مظان استجاب دعا برای پدر و مادر زیاده از دیگران دعا بکنند چه بسا فرزند در حیات عاق ایشان شده باشد ولی بعد موت آنها نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که برای آنها می فرستد. دعای خیری که آنها متقابلاً برای وی می کنند و پرداخت قرض ایشان و آنها را از حقوق خدا و خلق بری کند و حج و سایر عباداتی که در حال حیات از آنها فوت شد یا به استیجار و یا تبرع به جا آورد و صدقه خصوصاً شب اول قبر و نماز لیلۃ الدفن را به چهل مؤمن بدهند که بخوانند.

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هدیه بفرستید برای مردگان خود. گفتیم که چیست هدیه آنها (مرده ها)؟

ص: 167

1- . امالی صدوق، ص 306.

2- . معاد شناسی، آیت الله حسینی تهرانی.

فرمودند: صدقه و دعا. پس فرمود: ارواح مؤمنین هر جمعه می آیند به آسمان دنیا مقابل خانه ها و منزل های خود و فریاد می کنند هر یک از ایشان به آواز حزین با گریه که ای اهل من! و ای اولاد من! و ای پدر و مادر من! و خویشان من! مهربانی کنید بر ما، خدا رحمت کند شما را به آنچه بود در دست ما و عذاب و حساب او بر ما است و نفعش برای غیر ما و هر یک فریاد می کنند خویشان خود را که مهربانی کنید بر ما به دره می یا به قرص نانی.

و بهتر دعاها را قرآنی است که در قنوت نماز یا بعد از نماز و یا در نوافل مخصوصاً نماز شب گفته شود « رَبِّ اَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا اَجْزِهْمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا رَبَّنَا اغْفِرْ لِي و لوالدِي و للمؤمنين يوم يقوم الحساب».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جواب مردی که از آن حضرت پرسید: آیا پس از مرگ والدین چیزی از حقوق آنها باقی هست یا نه؟

فرمودند: بلی نماز و استغفار و دعا برای ایشان و گرامی داشتن دوستان آنها و صلّه نمودن رحم آنها که اگر نکند خداند او را عاق می نامد و عقوبت والدین کمی مال و آبرو و عمر را در پی دارد و به نکبت ذلت در دنیا می کشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خواندن قرآن از روی مصحف عذاب پدر و مادر را سبک می کند گر چه کافر باشند. (1)

از سفارشات حضرت ولی عصر امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف اینکه فرمودند: قرآن بخوانید و هدیه کنید به ارواح شیعیانی که وارث ندارند یا دارند ولی یادی از آنها نمی کنند.

اگر این خیرات ها در محل خودش و به افراد بی بضاعت آن هم به عنوان بسته های غذایی در زمان های خاص مثل ماه مبارک رمضان به نیت خیرات داده شود فضیلت شایسته ای دارد. یا انواع کارهای خیر موجود، مثل: آزاد کردن زندانی بیگناه، پرداخت قرض بدهکار، افطاری دادن به روزه داران، کمک به ایتم و دادن قرض الحسنه به افراد مضطر، تجهیزیه دادن به نیازمندان، نشر کتب دینی و ادعیه، فرستادن اشخاص محروم به عتبات عالیات، ساختن مسجد، مدرسه، بیمارستان و

ص: 168

اگر از ارحام فقیر باشد رسیدگی به آنها اولویت چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: لا صدقة و ذورحممحتاج در حالی که افراد صاحب قرابت محتاج هستند محلی برای صدقه وجود ندارد.

### نماز فرزند برای پدر و مادر

دو رکعت است در رکعت اول فاتحه و ده مرتبه «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» و در رکعت دوم فاتحه و ده مرتبه «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» و چون سلام دهد ده مرتبه بگوید: «رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا.»

### نماز برای اموات

علامه مجلسی قدس سره در «زادالمعاد» فرموده: باید که مردگان را فراموش نکنند؛ زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم به راهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد. و در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد به سبب اینکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد و عمدتاً خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرع به جا آورد. و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و

مادر خود دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول بعد از حمد «انا انزلناه» و در رکعت دوم «انا اعطينا» می خواندند. و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس به او گویند این فرج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد. راوی پرسید: دو میت را در دو رکعت نماز شریک می توانم کرد؟ فرمود: بلی، فرمود: که میت شاد می شود و فرج می یابد به دعا و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شاد می شود به هدیه که برای او برند و فرمود که: بر میت داخل می شود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در حدیث دیگر فرمود که: هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکنند خدا ثواب آن را مضاعف می گرداند و میت به آن عمل منتفع می گردد. و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی به نیت میتی تصدقی بکند حق تعالی جبرئیل را امر می نماید که با هفتاد هزار ملک به نزد قبر او می روند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمت های الهی و هر یک به او می گویند: السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن می شود و حق تعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می فرماید و هزار حوره به او می پوشاند و هزار حاجت او را روا می کند. (1)

### لیلة الدفن

مستحب است در شب اول قبر دو رکعت نماز برای میت بخوانند در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیت الکرسی و رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قدر و بعد از نماز و صلوات بگویند خدایا ثواب این نماز را به قبر فلان اسم میت را

ص: 170

بگویند این نماز را می شود هر موقع از شب اول قبر خواند ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشاء خوانده شود و دأب بعض علما این بوده که هر شب این نماز را می خوانند و هدیه می کردند به همه اموات شیعه که امشب اولین شب دفن آنها است.

#### مسئله فقهی:

آن که در مستحبات نیابت عام است ولی در واجبات نیابت خاص به این معنی که دو رکعت نماز صبح یا حج واجب یا روزه ماه رمضان را فقط از یک نفر می شود نیابت کرد ولی می شود انسان یک عمل مستحبی را برای همه اموات حق داران و بستگان چه زنده و چه مرده هدیه کند و مستند به این روایت که در مکه معظمه شخصی خدمت امام ششم حضرت صادق علیه السلام رسید و عرضه داشت: عده زیادی به من التماس دعا و درخواست طواف و نماز مستحبی کرده اند. فرمودند: اگر یک طواف، هفت شوط و یک نماز طواف قربه الی الله بخوانید و هدیه به همه آنها کنید به همه می رسد و در وطن به هر کس بگویند برای شما طواف و نماز انجام دادم دروغ نگفته اید و کذلک زیارت ائمه معصومین که نوعاً التماس دعا می گویند اگر یک سلام و زیارت و دو رکعت نماز بخوانند این برای همه حیاً و میتاً کفایت می کند.

از آیت الله بهجت قدس سره سؤال شد: اگر کسی عمل مستحب خود را به تمام اموات هدیه کند آیا ثواب این عمل خیر به تمام آن ها می رسد یا بین آنها تقسیم می شود؟ و آیا خود او نیز از این عمل بهره ای می برد؟

پاسخ: همه از آن بهره می برند.



سید بن طاووس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد که فرمود: نمی گذرد بر میت ساعتی سخت تر از شب اول قبر، پس رحم نمایید مردگان خود را به صدقه و اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از شما دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در رکعت اول حمد یک مرتبه و توحید دو مرتبه و رکعت دوم حمد یک مرتبه و الهنکم التکافر ده مرتبه و سلام دهد و بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ نَوَائِبَهَا إِلَيَّ قَبْرَ ذَلِكَ الْمَيِّتِ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ». پس حق تعالی می فرستد همان ساعت هزار ملک به سوی قبر آن میت و با هر ملکی جامه و حله و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفع صورت و عطا کند به نماز کننده به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند حسنت و بالا برده می شود برای او چهل درجه.

### مسأله فقهی درباره نماز وحشت

نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می شود خواند ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشا خوانده شود و با تأخیر در دفن باید نماز وحشت را تا شب اول دفن میت تأخیر بیندازند. علامه مجلسی قدس سره در زادالمعاد فرموده باید که مردگان را فراموش نکنند؛ زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم به راهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد. و در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و

بعد از فوت ایشان عاق گردد به سبب اینکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرع به جا آورد. و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول بعد از حمد «انا انزلناه» و در رکعت دوم «انا اعطینا» می خواندند.

### وظیفه ما در قبال مصیبت زدگان

مطالبی را بگوییم که کشتی طوفان زده آنها را به کنار ساحل آرامش بکشاند و آنها را آرام کند مباد خود را بزنند یا بدن را کبود کنند، گریبان چاک بزنند بر صورت لطمه بزنند بله گریه و اشک ریختن عادی است پس به آنها بگوییم کلام ملوک الکلام یعنی ائمه را و پیامبران که امام حسین علیه السلام قبل از شهادت به بازماندگانش تسلیت دادند به این مطالب . اهل زمین همه می میرند اهل آسمان ها باقی نمی مانند کسانی که از من بهتر بودند قبل از من از دنیا رفتند. جدم پیامبر، مادرم زهرا، پدرم علی، و برادرم حسن علیهم السلام . بنابراین وقتی که خبر دار شوید که من کشته شدم گریبان چاک نزنید و حرف هایی که ناخوشایند درگاه خداوند باشد را نگوئید و یا کلام حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه که به قومی که شخصی از آنها فوت شده بود این گونه تسلیت گفتند: این امری که بر شما عارض شده شروعش از شما نشده و پایانش هم به شما نیست و الآن به مسافرتی رفته اگر از این مسافرت برگشت که برنخواهد گشت شما به ملاقات او خواهید رفت و یا کلمات دیگر پیغمبر از ما بهتر بودند پیغمبر هم رفتند یا اینکه آن طرف ان شاء

الله مرغ بهشت است و در وادی السلام مهمان حضرت علی علیه السلام شده یا اینکه تا کی در این دنیا اذیت بکشد یا دنیا پل است و محل گذر، محل ماندن نیست همه می رویم و هر چه بیشتر گریه کنید آنها آن طرف ناراحت می شوند و از اینگونه کلمات تا آنها را آرام کنیم و در مورد خودمان اگر مصیبت زده و ناراحتیم علی قول مفسر قرآن و صاحب المیزان مرحوم علامه طباطبایی دست بر سینه و چند بار این آیه شریفه را بخوانیم: «الذین آمنوا و تطمنن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمنن القلوب» تا آرامش الهی عارض گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: هر که انسان اندوهگینی را دلداری دهد روز قیامت لباس گرانبها بر تن او می پوشانند که آن شاد می گردد. (1)

امام محمدباقر علیه السلام از چیزهایی که حضرت موسی علیه السلام با خداوند مناجات کرد این بود که پرسید پروردگارا پاداش آن که جنازه ای را تشییع کند چیست؟

فرمود: گروهی از فرشتگانم را همراه با پرچم هایی مأمور می سازم که آنها از قبرشان تا صحرای محشر بدرقه کنند. موسی علیه السلام پرسید: پروردگارا! پاداش آن که به خانواده ای تسلیت بگوید چیست؟

خداوند فرمود: سایه خودم را بر سر او قرار می دهم در روزی که سایه ای جز سایه رحمت من نباشد. (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر که انسان داغیده ای را تسلیت دهد پاداشی همانند ثواب همان انسان داغدار خواهد داشت بدون اینکه از ثواب انسان مصیبت زده چیزی کم شود. (3)

ص: 174

1- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

2- . همان.

3- . همان.

## احادیثی در ذم بی تابی و جزع و فزع کردن و دست بر زانو زدن

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: بی تابی کردن تقدیر را دفع نمی کند، بلکه اجر را ضایع می کند پس مصیبت یکی است و چون بی تابی کنی دو تا می شود و هر کس در هنگام مصیبت به زانوی خود بزند اجرش ضایع شود. (1)

### مسئله فقهی:

جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند و یا با صدای بلند گریه کند. اگر زن در عزای میت صورت خود را بخراشد یا موی خود را بکند باید یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند و همچنین است اگر مرد در مرگ زن و یا فرزند یقه لباس خود را پاره کند.

امام علی علیه السلام می فرمایند: مصیبت یکی است و چون بی تابی کنی دو تا می شود.

شرح: اغلب افرادی که گرفتار بیماری های روانی می شوند بازماندگان اموات هستند که امر را بر خود هموار نکرده، بلکه با یادآوری ها و غصه ها خود را به ورطه امراض روحی و افسردگی ها کشانده اند و مصیبت را چند برابر کرده اند.

### در خواب دیدن اموات

در بعضی کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان علیهم السلام را یا یکی از مردمان یا والدین خود سوره شمس را بخواند، لیل، قدر، قل یا ایها الکافرون، سوره اخلاص و معوذتین را و سوره اخلاص صد مرتبه بخواند و بر پیغمبر و آل او صد مرتبه صلوات بفرستد و با وضو به جانب راست بخوابد خواهد دید هر که را اراده کرده انشاء الله و تکلم خواهد کرد با او انشاء الله هر چه خواهد و در نسخه دیگر دیدم که این عمل را به جا آورد: در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند:

ص: 175

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بِدَتِ الْأُمَّ بِيَاءَ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتُ مَلْجَأَهُ وَمُنْجَاهُ وَمَا أَذْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ - وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الدِّينِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تُرِنِّي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا وَمَنْ أَرَادَ الْإِنْتِبَاءَ لِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَخَافَ النَّوْمَ فَلْيَقْلِعْ عِنْدَ مَنْامِهِ - قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تُنْسِئَنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤَيِّسْ مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (1).

ص: 176

1- . مفاتيح الجنان، ص 1211.





پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: قبر نخستین منزل آخرت است اگر کسی از آن به سلامت رست منازل بعد از آن آسان تر است و اگر به سلامت نرست دشواری منازل بعدی کمتر از آن نیست.

**فشار قبر**

از مرحوم صدوق با سند متصل خود از زید بن علی از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: عذاب القبر یكون من النمیمه و البول و عَزْبُ الرَّجْلِ عن اهلہ؛ فرمود: عذاب قبر از سخن چینی و پرهیز نکردن از بول و دوری مرد از زنش پیدا می شود (که رختخواب خود را جدا نموده و در غذا و خواب از او دوری کند).<sup>(1)</sup>

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ضعفه القبر للمؤمن كفاره لما كان منه من تضييع النعم؛ فشار قبر برای مؤمن کفاره تضييع نعمت هایی است که نموده است.<sup>(2)</sup>

کلینی روایت می کند از ابوبصیر که از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا کسی از فشار قبر رهایی پیدا می کنند؟ حضرت فرمودند: پناه به خدا چقدر کمند افرادی که از فشار قبر رهایی پیدا می کنند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: عذاب قبر پیوسته نیست بلکه در یک ساعت انجام می گیرد فقط به اندازه مدتی که میت را در قبر می گذارند و مردم مراجعت می کنند و آن دو چوب تر (جریدتین) چوب تازه که از درخت می چینند و قریب به یک ذراع (حدود نیم متر) است و در هنگام تکفین میت زیر بازوهای او می گذارند

ص: 179

1- . علل الشرایع ص 309 ، باب 262

2- . علل الشریع، ص 309، باب 262.



را برای همین مدت از زمان می گذارند بعد از اینکه آنها خشک شوند دیگر عذاب و حسایی انشاء الله نخواهد داشت. (1)

و حضرت صادق علیه السلام به دنبال این قضیه فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تشییع جنازه سعد از منزل خارج شدند در حالی که هفتاد هزار فرشته جناز وی را تشییع می نمودند؛ و پس از دفن حضرت رسول الله سر خود را به طرف آسمان بلند نموده و فرمودند: **مِثْلُ سَعْدٍ يُصَمُّ؟** آیا فشار قبر شخصی مانند سعد را با این سابقه درخشانش در اسلام می گیرد؟ ابوبصیر می گوید: عرض کردم: فدایت شوم ما چنین می پنداشتیم که سعد از بول اجتناب کامل نمی کرد!

حضرت فرمود: معاذ الله، **أَمَا كَانَ مِنْ زَعَارَةِ؟** (2)

فِي خُلُقِهِ عَلَى أَهْلِهِ؛

پناه به خدا! چنین نیست، بلکه فشار قبر سعد به علت سوء خلقی بود که با اهل خانه خود داشت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مادر سعد گفت: گوارا باد ای سعد بر تو در این بهشتی که وارد شدی!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای مادر سعد! بر خدا حکم جز می منما. (3)

### ایمینی از فشار قبر

امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر که در فاصله میان ظهر روز پنج شنبه و نماز ظهر روز جمعه بمیرد خداوند او را از فشار قبر پناه خواهد داد. (4)

ص: 180

1- . فروع کافی، ج 3، باب الجنائز.

2- . زعارة به تشدید عین و تخفیف عین هر دو به معای سوء خلق است و نیز به تشدید راء و تخفیف راء ذکر کرده اند.

3- . فروع کافی، طبع حیدری، ج 3، ص 236 و در بحار الاوار، طبع حروفی، ج 6، ص 261.

4- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

برای سالم بودن بدن در قبر روایت هایی از وجود مبارک حضرات معصومین علیهم السلام رسیده من جمله از عقل کل، هادی سبیل مدرس صغه رسالت، یکه مخاطب لولاک لما خلقت الافلاک، تاج جمله انبیاء، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: هر کس موفق شد چهل جمعه پشت سر هم غسل جمعه کند در قبر نخواهد پوسید.

### سالم بودن بدن در قبر

از جمله بدن هایی که در قبر نپوسید بدن شیخ صدوق محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی که از اعظم علمای اسلام و از فحول علما و صاحب کتاب «من لا یحضره الفقیه» که یکی از کتب اربعه شیعه و صد جلد کتاب دیگر است که در سنه 38 ه.ق رحلت و در ری مدفون گردید. این مرد که مقداری عمر خود را در زمان غیبت صغری گذرانیده و به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است پس در سال 1238 ه.ق در زمان فتحعلی شاه که باران شدت گرفته بود و در قبر ایشان شکافی ایجاد و افرادی که برای تعمیر رفته بودند می بینند یک سردابی است و یک آدم بلند قامت و خوش هیكل و زیبا با محاسن و دست ها و کف پاهاى حنایی خوابیده و کفنش ریخته شده و فقط در روی عورت او به شکل ساتری عنکبوت تار تنیده است و با تفحص و فرستادن علما و بزرگان توسط فتحعلی شاه امر معلوم که ایشان شیخ صدوق است و دستور می دهد مقبره ای بنا کنند و این از عجایب امورا الهی است که بعد از 857 سال بدن این طور سالم مانده باشد. (از زمان فوت تا زمان کشف جسد).

### کیفیت ارتباط عالم برزخ با عالم طبع و قبر

صاحب کتاب «تقیح المقال» مامقانی نقل می کند از حائری از سید نعمت الله جزائری در کتاب «انوار نعمانیه» که او می گوید: جماعتی از مردمان معتمد و موثق برای من نقل کردند که چون شاه اسماعیل بغداد را به تصرف خود در آورد برای زیارت قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام به کربلا آمد. و چون از بعضی از مردم شنیده بود که به حر بن یزید ریاحی طعن می زنند به سمت قبر حر آمد، و دستور

داد قبر حرّ را نبش کنند. چون قبر حرّ را نبش کردند، دیدند که به همان هیئت و کیفیتی که کشته شده است خوابید است؛ و بر سر او دستمالی دیدند که با آن سر حرّ بسته شده بود.

شاه اسماعیل چون در کتب تواریخ خوانده بود که در واقعه کربلا که سر حرّ مورد اصابت قرار گرفت و حضرت سیدالشهدا علیه السلام دستمال خود را بر سر حرّ بستند و حرّ با همان دستمال دفن شده است برای باز کردن و برداشتن تصمیم گرفت. چون آن دستمال را باز کردند خون از سر حرّ جاری شد به طوری که از آن خون قبر پر شد. و چون دستمال را بستند خون باز ایستاد و چون دوباره باز کردند خون جاری شد و هر چه کردند که بتوانند آن خون را به غیر از همان دستمال بند بیاورند و از جریانش جلوگیری کنند میسر نشد و از اینجا دانستند که این قصه موهبت الهی است که نصیب حر شده است و به سبب حُسن حال حرّ و سعادت‌مندی او است که چنین کرامتی برای او مانده است. شاه اسماعیل دستور داد قبه ای بر مزار او بنا کردند و خادمی را بر آن گماشت تا آن بقعه را خدمت کند. (1)

### نفوس ناقصه در عالم برزخ تکمیل می شوند

در کتاب امالی شیخ صدوق، ضمن روایت طویلی که درباره معراج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیان می کند با سند متصل خود از عبدالرحمن بن غنم این فقره را ذکر می کند که:

قال: لما اسرى بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم مرّ على شيخٍ قاعدٍ تحت شجرةٍ وحوّله أطفالٌ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم من هذا الشيخ يا جبرئيل قال هذا أبوك إبراهيم قال فما هؤلاء الأطفال حوّله قال هؤلاء أطفال المؤمنين حوّله يغذوهم؛ می گوید: چون رسول

ص: 182

خدا صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفت عبورش افتاد به پیرمردی که در زیر درختی نشسته بود و در اطراف او کودکانی گرد آمده بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد: ای جبرائیل! این پیرمرد کیست؟

جبرائیل گفت: این شیخ پدر تو ابراهیم است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد: این اطفال در اطراف او کیانند؟

جبرائیل گفت: این ها اطفال مؤمنان هستند که حضرت ابراهیم علیه السلام به آنها غذا می دهد. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: به درستی که اطفال شیعیان ما را از مؤمنین، حضرت فاطمه علیها السلام تربیت می کند. (2)

### آداب سر قبر

مستحب است دست روی قبر بگذارد و رویه قبله بنشیند و سوره های حمد و آیت الکرسی را سه مرتبه بخواند. خواندن سوره یس و خواندن سوره توحید یازده مرتبه، چرا که علی علیه آلاف تحیه و السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که هر کس بر قبرستانی عبور کند و یازده مرتبه سوره توحید را بخواند و ثوابش را به اموات هدیه کند اجر و ثواب به تعداد مردگان داده می شود. (3)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چون میت را به قبر رساندی او را از پیش پای قبر داخل کن. پس چون در قبرش گذاری آیت الکرسی بخوان و بگو:

ص: 183

1- . امالی، شیخ صدوق، ص 269-271.

2- . بحار الانوار، ج 6، ص 229.

3- . زادالمعاد، ص 357.

بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ اُفْسَحْ لِي فِي قَبْرِي وَ اَلْحَقَّهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَ اِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاعْفُزْ لَهُ وَ اِرْحَمَهُ وَ تَجَاوَزْ عَنْهُ ؛ وَ اسْتَغْفِرْ اِزْ بَرَايْشْ بَكْنَ.

اميرالمؤمنين عليه السلام : چون تشييع کننده برگردد و مصيبت ديده مراجعت کند مرده در گور نشانده می شود در حالی که از دهشت سؤال و لغزش در امتحان آهسته سخن می گوید. (1)

امام صادق عليه السلام فرموده اند: هرگاه مؤمن بميرد هفتاد هزار فرشته او را تا گورش تشييع کنند و چون در گور نهاده شد ملكين نزدش آیند و او را بنشانند و پرسند: پروردگارت كيست؟ دينت چيست؟ پيامبرت كيست؟ او پاسخ دهد: پروردگارم الله، و محمد پيامبر من و اسلام دينم. پس آن دو فرشته قبر او را تا جايی که چشمش كار می کند برايش فراخ گردانند و از بهشت برايش غذا آورند و او را خوش و خرم گردانند.

امام صادق عليه السلام فرموده اند: از مرده در گورش پيرامون پنج چيز سؤال می شود. (البته اين سؤال فقط از مؤمن محض يا كافر محض می شود) از نمازش، زكاتش، حجش، روزه اش و ولايتش نسبت به ما خاندان، پس ولايت از گوشه قبر به آن چهار چيز گويد: هر يك از شما كم و كاستی داشتيد كامل كردن آن به عهده من.

### زيارت اهل قبور

شيخ تقي جليل القدر جعفر بن قولويه قمي از عمرو بن عثمان رازی روايت کرده که گفت: شنيدم از حضرت ابوالحسن امام موسى بن جعفر عليهما السلام که می فرمود: هر که قادر نباشد بر زيارت ما پس زيارت کند صلحا از مواليان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زيارت ما و کسی که قادر نباشد بر صله و نيکی به ما پس صله و نيکی کند با صالحان و مواليان ما تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نيکی به ما.

ص: 184

از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند هر که بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و رو به قبله کند و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره «انا انزلناه» (قدر) را، ایمن گردد روز فزع اکبر یعنی از ترس بزرگ روز قیامت. از حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده که هر که داخل قبرستان شود و بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ الَّتِي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤَمِنَةٌ ادْخُلْ عَلَيْهِمْ زَوْحاً مِنْكَ وَسَلَاماً مِنِّي؛

خدایا، پروردگارا! این ارواح از دنیا گذشته و تنهای پوسیده و استخوان های تپاه شده که بیرون رفتند از دنیا با ایمان به حضرت تو در آور بر آنها آسایش خود و درود از طرف ما؛ بنویسد حق تعالی از برای او حسنات به عدد خلق از زمان آدم تا قیامت قیامت. (1)

### ایام زیارت اهل قبور

بهرتر روز شنبه، و دوشنبه، پنج شنبه و جمعه و مخصوصاً روز جمعه بین الطلوعین (از اذان صبح تا قبل از طلوع آفتاب) که حتی آنها هم که در تنگنا هستند در این زمان گنجایش دارند و از آمدن آنها آگاه می شوند. (2)

و در کامل الزیارات از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب می دهند شما را و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب نمی دهند و فرمودند در جواب سؤال راوی که گفت: آیا آنها می دانند که ما به زیارت آنها رفته ایم؟

فرمود: بلی، به خدا قسم می دانند و شاد می شوند و انس می گیرند به شما و البته کراهت دارد زیارت آنها در شب.

ص: 185

1- . برگرفته از مفاتیح الجنان.

2- . عالم برزخ، اشتهاوردی.

پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر گوری گذشت که روز قبل شخصی در آن دفن شده بود و خانواده اش می گریستند. فرمود: دو رکعت نماز سبکی که به نظر شما نمی آید برای صاحب این گور دوست داشتنی تر از همه دنیای شماست.

### دعا به هنگام ورود به قبرستان

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زیارت اهل قبور روایت شده که فرمودند به هنگام ورود به قبرستان بگویند: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَغْفِرُ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛

و آن جناب فرمودند: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر که این دعا را بخواند حقتعالی ثواب پنجاه سال عبادت به او عطا فرماید و گناهان پنجاه سال او را و پدر و مادرش را ببامرزد. (1)

### کیفیت زیارت اهل قبور

در امالی شیخ طوسی با سند متصل خود روایت می کند از عبدالله بن سلیمان از حضرت امام محمدباقر علیه السلام :

قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَرُزْهُمْ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ فِي ضَيْقِي وَسَعِ عَلَيْهِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ يَعْلَمُونَ بِمَنْ أَنَاهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ كَانُوا سَدَى قُلْتُ فَيَعْلَمُونَ بِمَنْ أَنَاهُمْ فَيَقْرَحُونَ بِهِ قَالَ نَعَمْ وَ يَسْتَوْجِحُونَ لَهُ إِذَا انْصَرَفَ عَنْهُمْ.

می گوید: از حضرت باقر علیه السلام درباره زیارت اهل قبور پرسش کردم.

ص: 186

فرمود: چون روز جمعه باشد آنان را زیارت کن؛ چون هر کس از آنان در ضیق و تنگی باشد در بین طلوع صبح صادق و طلوع آفتاب گشایش می یابد، و لذا در این موقع در هر روز از کسی که به زیارت او رفته باشد، علم و اطلاع پیدا می کند و لیکن چون آفتاب طلوع کند آنها یله و رها می شوند و دیگر قادر بر جهت گیری در امور دنیا و زیارت اهل خود نیستند.

عرض کردم: آیا آنها از افرادی که به زیارت قبور آنها می روند علم پیدا می کنند و خوشحال می شوند؟

فرمودند: آری، و نیز از بازگشت زائرین از قبور به محل های خود وحشت می کنند. «(1)»

زیارت اهل قبور بسیار فائده دارد بالاخص زیارت قبور علما و شهدا و مقربان درگاه خدا.

زیارت قبور ائمه علیهم السلام حکم دخول در آب کر دارد که زائر را پاک و از هر آلودگی منزه می سازد. و به این خاطر که مطهر مطهر هم هست. چون نتیجه زیارت ارتباط با روح متوفی است و زیارت کننده از آن روح مدد می گیرد. بنابراین هر چه روح متوفی پاکتر و عالی تر باشد، زائر بهره بیشتر و واقفتری خواهد برد.

روح متوفی به قبر خود ارتباط بیشتری دارد و لذا زیارت ارواح در سر قبورشان اثر بیشتری دارد. و لذا مؤمن زائر به واسطه دریاچه قبر، خود را به روح آن معصوم و مقرب درگاه خدا مرتبط نموده و بدین وسیله با تمام فسحت عالم معنی و ارواح ارتباط پیدا می کند و بهره می گیرد.

مشهور است که در سر قبر علما حاجت بیشتر بر آورده شده است.

در مستدرک الوسائل از سیدعلی بن طاووس در «مصباح الزائر» نقل کرد است که چون قصد زیارت قبور مؤمنان را داری سزاوار است که در روز پنج شنبه باشد؛ و اگر نه در هر وقتی که بخواهی مطلوب و مرغوب است.

ص: 187



و طریق زیارت این اس که رو به قبله بنمایی و دست خود را بر قبر گذاری و بگویی:

اللَّهُمَّ اِرْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ- وَ آتِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رُوعَتَهُ وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يُسْتَعْنَى بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ اَلْحَقَّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ. ثُمَّ اِقْرَأْ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ (1)

بار پروردگارا! بر غربت او ترحم نما! و تنهایی او را به مقام جمع خودت ارتباط بده، و موجبات انس را بر وحشت و قرار بده، و ترس را تبدیل به ایمنی بگردان، و از رحمت خود برای او رحمتی ... پس بخوان سوره قدر را هفت مرتبه.

### حدیث اعرابی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفس سؤال نمود

فقال عليه السلام اى النفس تسئل

فقال: يا مولاي هل النفس عديدة

فقال عليه السلام : نفس نامية نباتية و حسية حيوانية ناطقة قدسية و الهية كلية ملكوتية

حضرت در پاسخ گفتند: از کدام نفس پرسش می کنی؟

عرض کرد: ای مولای من! آیا نفس ها متعدد است؟

حضرت فرمود نفوس، به نفس نامیه نباتیه و حسیه حیوانیه و ناطقه قدسیه و الهیه کلیه ملکوتیه تقسیم می شوند. پس اعرابی از یکایک از نفس های نامیه نباتیه و حسیه حیوانیه و ناطقه قدسیه سؤال می کند و حضرت پاسخ می دهند تا چون از الهیه کلیه ملکوتیه پرسش می نماید، حضرت بدین طریق جواب می دهند.

فقال : ما النفس الالهيه الملكوتيه الكلية؟

ص: 188

1- . مصباح الزائر، ص 629؛ عنه البحار، ج 102، ص 299، 25؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 383، ح 1.

فقال عليه السلام : قوة لاهوتية وجوهرة بسيطة حية بالذات، أصلها العقل، منه بدأت، وعنه وعتت، وإليه دلت وعودها إليه إذا كملت و شابهت، ومنها بدأت الموجودات، وإليها تعود بالكمال. و هي ذات العليا و شجرة طوبى و سدرة المنتهى و جنة المأوى، من عرفها لم يشق ابداً ، و من جهلها ضلّ و غوى. فقال السائل: ما العقل؟ قال عليه السلام : العقل جوهر دزلك محيط بالاشياء عن جميع جهاتها، عارف بالشيء قبل كونه، فهو علة الموجودات و نهاية المطالب ؛ حضرت فرمودند: نفس الهية ملكوتية كليته، يك قوة لاهوتى است كه از عالم لاهوت كه از عوالم ربوبى است آفریده شده است و يك جوهر بسيطى است كه ذاتاً زنده است؛ اصل اين نفس عقل است كه از او پديد آمده است. به وسيله و به علت او مى خواند و طلب مى كند و به سوى او دلالت مى نمايد و بازگشت او در وقتى كه به مقام كمال خود رسيد و مشابهت با او پيدا كرد، به سوى عقل است.

موجودات از اين نفس الهيه ملكوتية كليته به وجود آمده اند و در هنگام كمال خود نيز بدان بازگشت مى نمايد.

و اين نفس كليته داراى مقامى بس بلند و ارجمند است و از شجرة طوبى و سدره المنتهى و جنة المأوى است؛ و كسى كه به مقام معرفت او رسد هيچگاه شقى و بدبخت نخواهد بود و كسى كه او را نشناسد جاهل و گمراه مى باشد.

اعرابى پرسيد: عقل چيست؟

حضرت فرمود: جوهر يست دراك و به تمام اشياء از جميع الجهات احاطه و سيطره دارد، عارف و علم است به اشياء قبل از پيدايش آنها و او علت موجودات است و غايت و نهايت مطلب ها. (1)

حديث كميل بن زياد نخعى كه از حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام از معرفت نفس سؤال نمود:

ص: 189

1- . شرح دعای صباح ، سبزواری، ص 45 و 46.

قَالَ كَمِيلٌ: سَأَلْتُ مَوْلَانَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: أُرِيدُ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسِي؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا كَمِيلُ! وَأَيَّ نَفْسٍ تُرِيدُ اعْرِفُكَ؟ قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ هَلْ هِيَ إِلَّا نَفْسٌ وَاحِدَةٌ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا كَمِيلُ إِنَّمَا هِيَ أَرْبَعَةٌ: النَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ وَالْحَسِّيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ، وَالنَّاطِقَةُ الْقَدْسِيَّةُ، وَالْكَلِمَةُ الْإِلَهِيَّةُ.

كمیل می گوید: من از مولای خود امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفس سؤال کردم و گفتم: من می خواهم که نفس مرا به من معرفی بنماید؟

حضرت فرمود: ای کمیل! کدام یک از نفس ها را می خواهی که من برای تو بازگو کنم؟

عرض کردم: ای مولای من! مگر نفس غیر از یک نفس واحد نفس دیگری هم هست؟

حضرت فرمود: ای کمیل! نفوس چهار عدد است: نامیه نباتیه و حسیه حیوانیه و ناطقه قدسیه و کلیه الهیه.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام هر یک از قوای پنج گانه و دو خاصیت این نفوس را بیان می فرمایند تا می رسند به نفس کلیه الهیه و می فرمایند:

وَالْكَلِمَةُ الْإِلَهِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى: بَهَاءٌ فِي فَنَاءٍ وَ نَعِيمٌ فِي سَقَاءٍ وَ عَزٌّ فِي ذُلٍّ وَ فَرُّ فِي غَنَاءٍ وَ صَبْرٌ فِي بَلَاءٍ . وَ لَهَا خَاصِيَّتَانِ: الرِّضَا وَ التَّسْلِيمُ . وَ هَذِهِ الَّتِي مَبْدُؤُهَا مِنَ اللَّهِ وَ إِلَيْهِ تَعُودُ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ تَقَحُّتُ فِيهِ مِنْ زَوْجِي وَ قَالَ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً وَ الْعَقْلُ فِي وَسْطِ الْكُلِّ ؛ وَ يَكِي مِنْ نَفُوسِ كَلْبِهِ الْهَيْبَةُ اسْتِ وَ دَارِي بِنَسْجِ قُوَّةِ اسْتِ ، بَقَاءٌ فِي فَنَاءٍ وَ نِعْمَةٌ فِي رَعِينٍ وَ رِنَجٌ وَ زَحْمَةٌ فِي عَيْنِ ذَلَّتْ وَ بِي نِيَاذِي فِي عَيْنِ نِيَاذَمَنْدِي وَ صَبْرٌ وَ پَايِدَارِي فِي بَلَا وَ كِرْفَتَارِي . وَ مَبْدَأُ أَفْرِينِشِ اسْتِ مِنْ نَفْسِ اسْتِ خِدَاسْتِ وَ بَازْكَشْتِنِ نِيَزْ بِه سَوِي خُودِ خِدَا خَوَاهِدْ بِوَدُ ؛ خِدَاوَنْدِ مِي فَرْمَايِدُ: مِنْ اسْتِ رُوحِ خُودِمِ دَرِ اَوِ دَمِيْدِمِ وَ نِيَزْ مِي فَرْمَايِدُ: اِي

نفس که به مقام آرامش و اطمینان رسیده ای و مطمئن شده ای! بازگشت کن به سوی پروردگارت در حالی که تو از او راضی و او نیز از تو راضی می باشد؛ اینها مراتب و درجات نفس است و عقل در وسط کل این نفوس قرار دارد.» (1)

یعنی قوام این نفوس به عقل است و مانند مرکز و محور دانه ای که پرگار در دور او دور می زند موجودیت و هستی این نفوس به عقل بستگی دارد.

ص: 191

---

1- . شرح دعای صباح، حکیم سبزواری، ص 44 و 45.







در «امالی» مرحوم صدوق از پدرش از علی بن حکم از مفصل بن صالح از جابر از حضرت امام محمدباقر علیه السلام روایات می کند که آن حضرت فرمودند:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ سَبِيلٌ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أُخْبِرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا جَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِنِّي بِجَهَنَّمَ نَهَادٌ بِأَلْفِ زَمَانٍ أَخَذَ بِكُلِّ زَمَانٍ مِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ مِنَ الْعَالَمِ السُّدَادِ لَهَا وَهَدْمَةٌ تَغِيظُ وَزَفِيرٌ وَرُفِيرٌ الرَّفْرِ فَلَئِنْ لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْرَجَهُمْ إِلَى الْجَسَابِ لَأَهْلَكَتِ الْجَمْعُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُنُقٌ يُحِيطُ بِالْخَالِقِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكًا وَلَا نَبِيًّا إِلَّا نَادَى رَبُّ نَفْسِي نَفْسِي وَأَنْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ تَنَادَى أُمَّتِي ثُمَّ يُوَضَّعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدْفَى مِنْ حَدِّ السَّيْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ فَنَاطِرٍ أَمَّا وَاحِدَةٌ فَعَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَالرَّجْمُ وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَعَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَأَمَّا الْأُخْرَى فَعَلَيْهَا عَدْلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيَكَلِّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهِ فَتَحْبِسُهُمُ الرَّجْمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنْتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ وَعَزَّ وَهُوَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغُ رُصَادٍ وَالنَّاسُ

عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ وَقَدَمٌ تَزُلُّ وَقَدَمٌ تَسْتَمْسِكُ وَالْمَلَائِكَةُ حَوْلَهُمْ يَنَادُونَ يَا حَلِيمُ اغْفِرْ وَاصْفَحْ وَعُدْ بِفَضْلِكَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَالنَّاسُ يَتَهَافَتُونَ فِيهَا كَالْفَرَاشِ فَإِذَا نَجَّاهُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّاهُ مِنْكَ بَعْدَ إِسَاسٍ بِمَنْنِهِ وَفَضْلِهِ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ.



حضرت باقر علیه السلام فرمودند: چون این آیه نازل شد که: جهنم را در روز قیامت می آورند، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از کیفیت آوردن آن سؤال کردند.

حضرت چنین فرمودند که جبرائیل که روح الامین است برای من خبر آورده است که خداوند که هیچ معبودی جز او نیست، چون تمام اهل عالم را از پیشینیان و پسینیان در روز حشر گرد آورد، و همه را مجتمع سازد، جهنم را در حالی که با هزار دهنه کشیده می شود می آورند؛ و هر دهنه و زمام از آن را صد هزار ملائکه از فرشتگان غلاظ و شیداد می گیرند؛ و آن جهنم دارای حرکت و سر و صدا و ناله و فریاد و غیظ و غوغایی است؛ و چنان بر افروختگی و صدای زفیر از آن بر می خیزد، که اگر هر آینه خداوند عزوجل حساب خلائق را به تأخیر نمی انداخت، همگی از هیبت و دهشت آن به هلاکت می رسیدند. و سپس جهنم گردن خود را بیرون میکشد، به طوری که به تمام خلائق احاطه پیدا می کند؛ چه خوبان از خلائق و چه بدان از آنها. در آن حال به قدری وضعیت سخت است که هیچ آفریده ای را که خداوند عزوجل آفریده است، از بندگانش، چه از فرشتگان، و چه از پیامبران، نیست مگر آنکه همه می گویند: ای پروردگار من! به فریادم رس! به فریادم رس! و تو ای پیامبر خدا می گویی: ای پروردگار من به فریاد امت من رس! به فریاد امت من رس!

در این حال صراط را بر روی جهنم قرار می دهند که از تیزی شمشیر برنده تر و تیزتر است؛ و بر روی آن صراط سه پل است یکی از آن سه پل، امانت و رحم است؛ و اما دومی، نماز است؛ و اما پل سوم، عدل پروردگار جهانیان است که هیچ خدایی و معبودی جز او نیست. در این حال مردم را تکلیف می کنند که از روی صراط عبور کنند؛ چون می خواهند بگذرند، امانت و زحیم آنها را نگه می دارد؛ و اگر از آن نجات پیدا کردند و گذشتند، نماز آنها را نگه می دارد؛ و اگر از آن نجات یافتند و گذشتند، در آخر کار و انتهای امر خداوند رب العالمین عزوجل می باشد. و این است معنای گفتار خدای تعالی «به درستی که پروردگار تو در کمین گاه است!

و مردم بر روی صراط قرار می گیرند؛ و بعضی واژگونه می شوند و خود را به آن می گیرند و گاهی می لغزند، و گام دیگر استوار است؛ و فرشتگان در اطراف آنان پیوسته ندا در می دهند: ای خداوند شکیبیا و حلیم و بردبار! در گذر، و نادیده بگیر و بیامرزا! و به فضل و رحمت خود باز گرد؛ و سلامت خود را بفرست، و رضوان خود را ارائه بده! و مردم در این حال مانند پروانه به روی هم می ریزند. و چون کسی به رحمت خدا خلاصی پیدا کند و نجات یابد نگاهی به جهنم می اندازد و می گوید: حمد و سپاس اختصاص به خداوندی دارد که بعد از یأس و نومیدی، مرا به فضل و کرمش از دست تو رهاشاید! و به درستی که پروردگار ما غفور و شکور است» (1).

### از چه سؤال می کنند؟

در معنای آیه شریفه: «وقفوهم انهم مسئولون» در علل الشرایع از حضرت صادق علیه السلام وارد است که: لا یجأُ به قَدَمِ عَبْدِ حَتَّى يُسألَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ شَتَابِهِ فِيمَا أَلَاةٌ وَعَنْ عُمَرِهِ فِيمَا أُنَاةٌ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ جَمَعَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

حضرت در تفسیر این آیه که می گوید: آنان را متوقف کنید که باید مورد بازپرسی قرار گیرند؛ می فرماید:

گام هیچ بنده ای نمی تواند از صراط بگذرد، مگر آنکه، از چهار چیز از او سؤال می کنند: از جوانیش که آن را در چه چیز پیر کرده است؟ و از عمرش که در چه چیز به سر آورده است؟ و از مالش که از کجا اندوخته است و در کجا مصرف کرده است؛ و از محبت ما اهل بیت علیهم السلام» (2).

ص: 197

1- . امالی، صدوق، ص 177 ؛ بحارالانوار، طبع حروفی، ج 7، ص 126 و 125 و تفسیر قمی، ص 724 و 725.

2- . رساله انسان بعد الدنيا، (معاد) علامه طباطبایی، نسخه خطی، ص 32.

داستانی از علامه طباطبایی رحمه الله علیه را چنین نقل می فرمودند: در کربلا واعظی بود به نام سیدجواد از اهل کربلا و لذا او را سیدجواد کربلایی می گفتند. او ساکن کربلا بود. ولی در ایام محرم و عزا می رفت در اطراف در نواحی قصبات دور دست تبلیغ می کرد نماز جماعت می خواند و مسئله می گفت و سپس به کربلا مراجعت می نمود یک مرتبه گذرش افتاد به قصبه ای که همه آنها سنی مذهب بودند.

در آنجا برخورد کرد با پیرمردی محاسن سفید و نورانی، و چون دید سنی است از در صحبت و مذاکره وارد شد، دید الآن نمی تواند تشیع را به او بفهماند، چون این مرد ساده لوح و پاک دل چنان قلبش از محبت افرادی که غصب مقام خلافت را نمودند سرشار است که آمادگی ندارد و شاید ارائه مطلب نتیجه معکوس داشته باشد.

(شیخ در نزد مردم عادی عرب بزرگ و رئیس قبیله را گویند) و سید جواد می خواست با این سؤال کم کم راه مذاکره را با او باز کند تا به تدریج ایمان در دل او پیدا شده و او را شیعه نماید.

پیرمرد در پاسخ گفت: شیخ ما یک مرد قدرتمندی است که چندین خان ضیافت (1) دارد، چقدر گوسفند دارد، چقدر شتر دارد، چهار هزار نفر تیرانداز دارد، چقدر عشیره و قبیله دارد.

سیدجواد گفت: به به از شیخ شما چقدر مرد متمکن و قدرتمندی است! بعد از این مذاکرات، پیرمرد رو کرد به سید جواد و گفت: شیخ شما کیست؟ گفت: شیخ ما یک آقای است که هر کس هر حاجتی داشته باشد برآورده می کند، اگر در مشرق عالم باشی و او در مغرب عالم و یا در مغرب عالم باشی و او را در مشرق عالم اگر گرفتاری و پریشانی برای تو پیش آید اسم او را ببری و او را صدا کنی فوراً به سراغ تو می آید و رفع مشکل از تو می کند.

ص: 198

---

1- . خان ضیافت به معنای مهمانسراست که در میان اعراب مشهور است که با این خان ها از هر کس که وارد شود خواه آشنا و خواه غریب پذیرایی می کنند.

پیرمرد گفت: به به عجب شیخی است، شیخ خوب است اینطور باشد، اسمش چیست؟

سیدجواد گفت: شیخ علی.

دیگر در این راه سخنی به میان نرفت مجلس متفرق شد و از هم جدا شدند و سید جواد هم به کربلا آمد.

اما آن پیرمرد از شیخ علی خوشش آمده بود و بسیار در اندیشه او بود. تا پس از مدت زمانی که سید جواد به آن قریه آمد با عشق و علاقه فراوانی که مذاکره را به پایان برساند و شیخ را شیعه کند و با خود می گفت: ما در آن روز سنگ زیر بنا را گذاشتیم و حالا بنا را تمام می کنیم، ما در آن روز نامی از شیخ علی بردیم و امروز شیخ علی را معرفی می کنیم و پیرمرد روشن دل را به مقام مقدس ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام رهبری می نمایم.

چون وارد قریه شد و از آن پیرمرد پرسش کرد، گفتند: از دنیا رفته است.

خیلی متأثر شد با خود گفت: عجب پیرمردی، ما در او دل بسته بودیم که او را به ولایت آشنا کنیم.

حیف از دنیا رفت بدون ولایت؛ ما می خواستیم کاری انجام دهیم و پیرمرد را دستگیری کنیم، چون معلوم بود که اهل عناد و دشمنی نیست، القاءات و تبلیغات سوء، پیرمرد را از گرایش به ولایت محروم نموده است.

بسیار فوت او در من اثر کرد و به شدت متأثر شدم. به دیدن فرزندانش رفتم و به آنها تسلیت گفتم و تقاضا کردم مرا سر قبر او ببرید.

فرزندانش مرا بر سر تربت او بردند و گفتم: خدایا! ما در این پیرمرد امید داشتیم چرا او را از دنیا بردی؟ خیلی به آستانه تشیع نزدیک بود، افسوس که ناقص و محروم از دنیا رفت.

از سر تربت پیرمرد بازگشتیم و با فرزندان به منزل پیرمرد آمدیم. من شب را در همانجا استراحت کردم، چون خوابیدم، در عالم رؤیا دیدم: دری است وارد

شدم، دیدم دالان طولی است و در یک طرف این دالان نیمکتی است بلند، و در روی آن دو نفر نشسته اند و آن پیر مرد سنی نیز در مقابل آنها است. پس از ورود سلام کردم و احوالپرسی کردم؛ دیدم در انتهای دالان دری است شیشه ای و از پشت آن باغی بزرگ دیده می شد.

من از پیر مرد پرسیدم: اینجا کجا است؟

گفت: اینجا عالم قبر من است عالم برزخ من است و این باغی که در انتهای دالان است متعلق به من و قیامت من است.

گفتم: چرا در آن باغ رفتی؟

گفت: هنوز موقعش نرسیده است؛ اول باید این دالان طی شود و سپس در آن باغ رفت.

گفتم: چرا طی نمی کنی و نمی روی؟

گفت: این دو نفر معلّم من هستند این دو، دو فرشته آسمانی اند، آمده اند مرا تعلیم ولایت کنند، وقتی ولایتم کامل شد می روم؛ آقا سید جواد! گفتمی و نگفتمی (یعنی گفتمی که شیخ ما که اگر از مشرق با مغرب عالم او را صدا زنند جواب می دهد و به فریاد می رسد اسمش شیخ علی است. اما نگفتمی این شیخ علی، علی بن ابیطالب است) به خدا قسم! همین که صدا زدم: شیخ علی به فریاد رس، همین جا حاضر شد.

گفتم: داستان چیست؟

گفت: چون من از دنیا رفتم مرا آوردند در قبر گذاردند و ملکین به سراغ من آمدند و از من سؤال کردند: مَنْ ربک و مَنْ نَبیک و مَنْ امامک؟

من دچار وحشت و اضطرابی سخت شدم و هر چه می خواستم پاسخ دهم به زبانم چیزی نمی آمد، به آنکه من اهل اسلامم، هر چه خواستم خدای خود را بگویم و پیغمبر خود را بگویم به زبانم جاری نمی شد.

ص: 200

نکیر و منکر آمدند که اطراف مرا بگیرند و مرا در حیطة غلبه و سیطره خود در آورده و عذاب کنند، من بیچاره شدم، بیچاره به تمام معنی، و دیدم هیچ راه گریز و فراری نیست، گرفتار شده ام.

ناگهان به ذهنم آمد که تو گفتی: ما یک شیخی داریم که اگر کسی گرفتار باشد و او را صدا زند اگر او در مشرق عالم باشد یا در مغرب آن فوراً حاضر می شود و رفع گرفتاری از او می کند.

من صدا زدم: ای علی به فریادم رس!

فوراً علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین حاضر شدند اینجا و به آن دو نکیر و منکر گرفتند: دست از این مرد بردارید، معاند نیست، او از دشمنان ما نیست، این طور تربیت شده، عقایدش کامل نیست چون سیه نداشته است. حضرت آن دو مَلک را رد کردند و دستور دادند دو فرشته دیگر بیایند و عقاید مرا کامل کنند این دو نفری که روی نیمکت نشسته اند دو فرشته ای هستند که به امر آن حضرت آمده اند و مرا تعلیم عقاید می کنند.

وقتی عقاید من صحیح شد من اجازه دارم این دالان را طی کنم و از آن وارد آن باغ گردم.

این خواب که جهاتی را از دستگیری و عفو از مستضعفین و تکامل برزخی و بسیار جهات دیگر را می رساند دلالت بر سؤال از عقائد در عالم قبر نیز دارد.

این خواب نظیر خواب های دیگری که ما در این مباحث بیان می کنیم از وقایع مسلّم الوقوع همین عصر ماست. و بر همین اساس تکمیل نفوس ناقصه که از دنیا رحلت کرده اند و به مقام فعلیت خود نرسیده اند، روایاتی وارد است که اولاد مؤمنین که در سن کودکی از دنیا رفته اند در عالم برزخ به وسیله حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و یا به وسیله حضرت زهرا علیها السلام تربیت می شوند.

مرحوم آخوند ملامحمد مهدی نراقی اعلی مقامه الشریف از علمای بزرگ و جامع علوم عقلیه و نقلیه و حائز مرتبه علم و عمل و عرفان الهی که در فقه و اصول و حکمت و ریاضیات و علوم غریبه و اخلاق و عرفان از علمای کم نظیر اسلام بود. این قضیه را نقل می کند که بعدها این قضیه در میان علما و طلاب نجف اشرف مشهور شد و اینکه ایشان در ایامی که در نجف اشرف سکونت داشت که بعدها در همانجا فوت و مقبره ایشان در نجف متصل به صحن مطهر می باشد که در ماه رمضان یک روز در منزلشان برای صرف افطار هیچ نداشتند عیالش به او می گوید هیچ در منزل نیست برو بیرون و چیزی تهیه کن. مرحوم نراقی در حالی که حتی یک فلس پول سیاه هم نداشته از منزل بیرون می آید و یک سر به وادی السلام نجف برای زیارت اهل قبور می رود در میان قبرها قدری می نشیند و فاتحه می خواند تا اینکه آفتاب غروب می کند و هوا کم کم رو به تاریکی می رود. در این حال می بیند عده ای از اعراب جنازه ای را آوردند و قبری برای او حفر نموده و جنازه رادر میان قبر گذاشتند و رو کردند به من و گفتند: ما کاری داریم، عجله داریم. می رویم به محل خود شما بقیه تجهیزات این جنازه را انجام دهید! جنازه را گذاردند و رفتند. مرحوم نراقی می گوید: من در میان قبر رفتم که کفن را باز نموده و صورت او را به روی خاک بگذارم و بعد به روی او خشت نهاده و خاک بریزم و تسویه کنم؛ ناگهان دیدم دریچه ای است از آن دریچه داخل شدم دیدم باغ بزرگی است درخت های سرسبز به هم آورده و دارای میوه های مختلف و متنوع است.

از در این باغ یک راهی است به سوی قصر مجلی که در تمام این راه از سنگ ریزه های مشکل از جواهرات فرش شده است.

من بی اختیار وارد شدم و یک سره به سوی آن قصر رهسپار شدم دیدم قصر با شکوهی است و خشت های آن از جواهرات قیمتی است؛ از پله بالا رفتم وارد اطالی بزرگ شدم دیدم شخصی در صدر اطاق نشسته و دور این اطاق افرادی

نشسته اند. سلام کردم و نشستم جواب سلام مرا دادند بعد دیدم افرادی در اطراف اطاق نشسته اند از آن شخصی که در صدر نشسته پیوسته احوالپرسی می کنند و از احوالات اقوام و بستگان خودشان سؤال می کنند و او پاسخ می دهد. و آن مرد مبهتج و مسرور و به یکایک از سوالات جواب می گوید؛ قدری که گذشت ناگهان دیدم که ماری از در وارد شد و یک سره به سمت آن مرد رفت و نیشی زد و برگشت و از اطاق خارج شد.

آن مرد از درد نیش مار صورتش متغیر شد و قدری به هم بر آمد و کم کم حالش عادی و به صورت اولیه برگشت. سپس باز شروع کردند با یکدیگر سخن گفتن و احوال پرسی نمودن و از گزارشات دنیا از آن مرد پرسیدند.

ساعتی گذشت دیدم برای مرتبه دیگر آن مار از در وارد شد و به همان منوال پیشین او را نیش زد و برگشت.

آن مرد حالش مضطرب و رنگ چهره اش دگرگون شد و سپس به حالت عادی برگشت.

من در این حال سؤال کردم: آقا شما کیستید؟ اینجا کجاست؟ این قصر متعلق به کیست؟ این مار چیست؟ چرا شما را نیش می زند؟

گفت: من همین مرده ای هستم که همین اکنون شما در قبر گذارده اید و این باغ بهشت برزخی من است که خداوند به من عنایت نموده است که از دریچه ای که از قبر من به عالم برزخ باز شده است پدید آمده است.

این قصر مال من است این درختان با شکوه و این جواهرات و این مکان که مشاهده می کنید بهشت برزخی من است، من آمده ام اینجا. این افرادی که دور اطاق گرد آمده اند ارحام من هستند که قبل از من بدرود حیات گفته و اینک برای دیدن من آمده و از بازماندگان و ارحام و اقربای خود در دنیا احوال پرسی نموده و جو یا می شوند، و من حالات آنان را برای اینان بازگو می کنم.

گفتم: این مار چرا تو را می زند؟

گفت: قضیه از این قرار است که من مردی هستم مؤمن، اهل نماز و روزه و خمس و زکات و هر چه فکر می کنم کار خلافی از من که مستحق چنین عقوبتی



باشم سر زده است و این باغ با این خصوصیات نتیجه برزخی همان اعمال صالحه من است. مگر آن که یک روز در هوای گرم تابستان که در میان کوچه حرکت می کردم دیدم صاحب دکانی با یک مشتری خود گفتگو و مزاعه دارند من رفتم نزدیک برای اصلاح امور آنها دیدم صاحب دکان می گفت: سیصد دینار (شش شاهی) از تو طلب دارم و مشتری می گفت: من پنج شاهی بدهکارم.

من به صاحب دکان گفتم: تو از نیم شاهی بگذر و به مشتری گفتم: تو هم از نیم شاهی رفع ید کن و به مقدار پنج شاهی و نیم به صاحب دکان بده.

صاحب دکان ساکت شد و چیزی نگفت، ولی چون حق با صاحب دکان بوده و من به قدر نیم شاهی به قضاوت خود که صاحب دکان راضی بر آن نبود حق او را ضایع نمودم در کیفر این عمل خداوند عزوجل این مار را معین نموده و هر یک ساعت مرا بدین منوال نیش زند تا در نفخ صور دمیده و خلاق برای حساب در محشر حاضر شوند و به برکت شفاعت محمد و آل محمد علیهم السلام نجات پیدا کنم.

چون این را شنیدم برخاستم و گفتم: عیال من در خانه منتظر است من باید بروم و برای آنان افطاری ببرم.

همان مردی که در صدر نشسته بود برخاست و مرا تا در بدرقه کرد از در که خواستم بیرون آیم یک کیسه برنج به من داد، کیسه کوچکی بود و گفتم: این برنج خوبی است ببرید برای عیالاتان.

من برنج را گرفته و خداحافظی کردم و آمدم بیرون باغ از دریچه ای که داخل شده بودم خارج شدم دیدم داخل همان قبر هستم و مرده هم به روی زمین افتاده و دریچه ای نیست، از قبر بیرون آمدم و خشت ها را گذارده و خاک انباشتم و به سمت منزل رهسپار شدم و کیسه برنج را با خود آورده و طبخ نمودم.

و مدت ها گذشت و ما از آن برنج طبخ می کردیم و تمام نمی شد و هر وقت طبخ می کردیم چنان بوی خوشی از آن متصاعد می شد که محله را خوشبو می کرد. همسایه ها می گفتند: این برنج را از کجا خریده اید؟

بالاخره بعد از مدت ها که روزی من در منزل نبودم یک نفر به مهمانی آمده بود و چون عیال از آن برنج طبخ می کند و آن را دم می کند عطر آن فضای خانه را می گیرد میهمان می پرسد این برنج از کجاست که از تمام اقسام برنج های عنبربو خوشبوتر است؟

اهل منزل مأخوذ به حیا شده و داستان را برای او تعریف می کنند. پس از این بیان آن مقداری که برنج مانده بود چون طبخ کردند دیگر برنج تمام می شود.

آری اینها غذاهای بهشتی است که خداوند برای مقربان درگاه خود روزی می فرماید.

در قضیه حضرت مریم علیها السلام در قرآن کریم وارد است:

«كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (1)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از حضرت صادق علیه السلام و صدوق در امالی و علل الشرایع از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که: «ان المسنول عنه ولاية اميرالمؤمنين؛ آنچه را که از انسان سؤال می کنند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.» (2)

و از مجمع البیان از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که:

تَقُولُ النَّازِلُ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: جُزْ يَا مُؤْمِنٌ فَقَدْ أَطْفَأَ نُورُكَ لَهَبِي؛ در روز قیامت آتش به مؤمنین می گوید: ای مؤمن! زود از نزد من بگذر؛ زیرا که نور تو فروزش و شعله مرا خاموش کرده است.» (3)

ص: 205

1- . آل عمران / 37.

2- . رساله انسان بعد الدنيا، (معاد) علامه طباطبایی، نسخه خطی، ص 32.

3- . رساله انسان بعد الدنيا، (معاد) علامه طباطبایی، نسخه خطی، ص 32.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: « فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ يَرَوْنَ مَكَانَهُ وَيَسْمَعُونَ كَلَامَهُ لَدَهَلُوا عَنْ مَوْتِهِمْ وَنَبَكُوا عَلَى نَفْسِهِمْ حَتَّى إِذَا حُمِلَ الْمَيِّتُ عَلَى نَعْشِهِ زُفِرَ رُوحُهُ فَوْقَ النَّعْشِ وَهُوَ يَنَادِي يَا أَهْلِي يَا وَدَيْي لَا تَلْعَبَنَّ بِكُمْ الدُّنْيَا كَمَا لَعِبَتْ بِي فَجَمَعْتُ الْمَالَ مِنْ جَلِّهِ وَغَيْرِ جَلِّهِ ثُمَّ خَلَفْتُهُ لِغَيْرِي فَأَلْمَهْنَا لَهُ وَالتَّبِعُهُ عَلَيَّ فَأَحْذَرُوا مِنِّي مَا حَلَّ بِي؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوگند به آنکه جان محمد در دست قدرت اوست اگر باز ماندگان مرده موقعیت و محل مرده را می دیدند و سخن او را می شنیدند هر آینه از مرده خود غافل می شدند و او را فراموش می کردند و بر نفس های خود می گریستند. تا جایی که چون مرده را بر روی تابوت حمل می کنند روحش بر فراز تابوت گرداگرد آن به پرواز و گردش در می آید و پیوسته ندا در می دهد:

ای اهل من! ای فرزندان من! دنیا با شما بازی نکند همان قسمی که با من بازی کرد. مال دنیا را از طریق حلال و غیر حلال جمع آوری کردم و سپس همه را برای غیر خودم گذاردم و پس عیش و راحتی و گوارایی آن مال برای دیگران است و عواقب حساب و تبعات آن برای من؛ پس بترسید و حذر کنید از مثل آنچه بر من وارد شده است.» (1)

آن قدر ارتباط ارواح آن دنیا با این دنیا قوی است که چنانچه عمل خیری در اینجا انجام گیرد به ارواح متصله و مرتبطه آن عالم سرایت می کند.

اخبار وارده در اینکه صورت مومن در برزخ به صورت انسان است بسیار است، و همچنین روایاتی که دلالت دارد بر آنکه مؤمنین و احیاناً کافرین نیز اهل خود را زیارت می کنند. اما آیا زنده ها هم به زیارت مردگان می روند؟

ص: 206

در کتاب «امالی» صدوق از احمد بن زیاد همدانی قدس سره حدیث می کند که او گفت: برای ما روایت کرد علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از محمد بن ابی عمیر از جمیل بن دزاج از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَبْعَثَ الْخَلْقَ أَمْطَرَ السَّمَاءَ عَلَى الْأَرْضِ أَزْبِجِينَ صَبَاحًا فَأَجْتَمَعَتِ الْأَوْصَالُ وَنَبَتَ اللَّحْمُ؛ چون خداوند اراده فرماید که مردم را برای قیامت محشور کند، چهل شبانه روز آسمان بر زمین باران ببارد؛ در این صورت، اجزاء و اعضا بدن ها را به هم می پیوندد و گوشت بر روی آنها می روید» (1).

و نیز در بحار الانوار این روایت را از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می کند و در تنمه اش حضرت صادق علیه السلام می فرماید: و جبرئیل به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد؛ و آن حضرت را با خود به قبرستان بقیع آورد تا رسیدند به قبری؛ جبرئیل صاحب آن قبر را صدا زد و گفت برخیز به اذن خدا! مردی از میان قبر برخاست که تمام موهای سر و صورتش سپید بود؛ و با دست خود خاک را از صورتش پاک می کرد و می گفت: الله اکبر و الحمد لله؛ جبرئیل به او گفت: برگرد در میان قبر به اذن خدا!

و سپس با رسول الله رفتند تا به قبر دیگری رسیدند؛ جبرئیل به صاحبش گفت: برخیز به اذن خدا!

در این حال مردی از میان قبر برخاست که چهره و سیمایش سیاه بود؛ و می گفت: یا حسرتاه یا ثوراه (ای وای بر من حسرت زده وای وای بر من هلاک شده).

جبرئیل به او گفت: برگرد به حال اولیه خود به اذن خدا! و پس از آن به رسول الله گفت: ای محمد! این

طور مردگان در روز بازپسین مبعوث می گردند! مؤمنان با آن گفتار و این جماعت با چنین گفتار و وضعیتی (2).

ص: 207

1- . امالی، صدوق، ص 107.

2- . بحار الانوار، طبع حروفی، ج 7، ص 39.

بعضی از آیات قرآن اشعار دارد بر آنکه چون خداوند بخوهد مردگان را زنده کند؛ باران از آسمان می فرستد؛ و به واسطه آن مردگان حیات نوینی می گیرند.

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ \* ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ (ای رسول ما) می بینی زمین را که فروکش کرده و خاموش و بی اثر شده است! چون ما از آسمان آب باران بر آن می فرستیم به حرکت و اهتزاز در می آید و نمو و رشد می کند؛ و از هر جفت با بهجت و سرشار در روی آن می روید و این دلیل بر آن است که خدا مردگان را زنده می کند و آنان را که در قبرها خوابیده اند بر می انگیزاند و دلیل بر آن است که ساعت قیامت فرا می رسد و خداوند بر هر چیز قدرت دارد و تواناست.» (1)

روایاتی وارد شده است که در عین آنکه دلالت می کند که در طلوعه پیدایش و ظهور و بروز قیامت موجودات از بین می روند فانی و هلاک می گردند در عین حال اثبات وجود برای موجودات کرده، برای آسمان و زمین، برای زمان اثبات وجود می کند؛ و در عین آنکه می گوید نیست، می گوید هست. در عین نیستی هستی؛ و در عین هستی نیستی است.

و این مسئله بسیار شایان دقت است؛ و باید کاملاً توجه کرد که مفاد مفهوم این روایات چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن خطبه ای در نهج البلاغه می فرماید:

«وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُعَوِّدُ بَعْدَ فَنَاءِ الدُّنْيَا وَحَدَهُ لَا شَيْءَ مَعَهُ كَمَا كَانَ قَبْلَ ابْتِدَائِهَا كَذَلِكَ يَكُونُ بَعْدَ فَنَائِهَا بِلا وَفْتٍ وَلا مَكَانٍ وَلا حِينٍ وَلا زَمَانٍ عُدِمَتْ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَالُ وَ الْأَوْقَاتُ وَ زَالَتِ السَّنُونَ وَ السَّاعَاتُ فَلا شَيْءَ إِلا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الَّذِي

ص: 208

إِلَيْهِ مَصِيرٌ جَمِيعِ الْأُمُورِ؛ وقتی می خواهد قیامت بر پا شود، و در صورت دمیده شود تمام موجودات از بین می روند و خدا می ماند و بس، تک و تنها، هیچ با خدا نیست و همانطور که قبلاً خداوند عالم را ایجاد فرموده تنها بوده و چیزی با او نبوده است بعداً هم تنها خواهد بود و چیزی با او نخواهد بود. و در آن هنگام، اجل ها، مدت‌ها از بین می رود؛ سال ها و ساعت ها از بین می رود؛ و هیچ نیست مگر خداوند واحد قهار: آن خدایی که بازگشت همه به سوی اوست» (1).

در تفسیر آیه سوره نبا «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَأْتُونَ أَفْوَاجًا» از براء بن عازب روایتی است که می گوید معاذ بن جبل در خانه ابویوب انصاری نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود. معاذ از رسول خدا درباره آیه «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَأْتُونَ أَفْوَاجًا» و بقیه آیات سؤال کرد. حضرت در پاسخ فرمودند: ای معاذ! از امر عظیمی سؤال کردی آن گاه رسول خدا گریست و فرمود: ده صنف از امت من متفرق محشور می شوند به طوری که خداوند آنها را از مسلمانان متمایز و صورت های آنها را متبدل می گرداند. گروهی از آنان به صورت بوزینه و گروهی به صورت خوک محشور می شوند و بعضی صورت هایشان به طرف پائین و پاهایشان به طرف بالا بالعکس قرار دارند و بدین کیفیت در محشر کشیده می شوند و بعضی نابینا هستند و در حال کوری به این طرف و آن طرف متحیرانه می دوند و بعضی کرانند و لالانند و ابداً تعقل و ادراک ندارند و برخی زبان های آنان در حالی که به روی سینه هایشان افتاده است می جوند و چرک و خون از دهان های آنها جاری است به طوری که اهل محشر از این منظره نفرت کنند و برخی دست ها و پاهایشان بریده است و برخی از آنان به شاخه هایی از آتش به دار گلو آویز شده اند و گروهی بوی گندشان از بوی جیفه و مردار بیشتر است و گروهی به لباس هایی از زفت و قیر که به بدنشان چسبیده است ملبسند اما آنان که به صورت بوزینه هستند آنان سخن چینیان از مردمانند و آنان که به صورت خوک هستند آنان اهل خوردن مال

ص: 209

حرامند و آن کسانی که واژگونه به روی زمین کشیده می شوند آنان را خوارانند و آنان که نابینا هستند افرادی هستند که در وقت حکم مراعات عدالت را ننموده و در بین مردم جور و ستم روا می دارند و آنان که لالان و کرانند آنانند که به کردار خود خودپسندانه می نگرند و آنان که زبان های خود را می جویند علما و خطیبایی هستند که گفتار آنها با کردارشان مطابقت ندارد و آنان که دست ها و پاهایشان بریده است افرادی هستند که همسایگان خود را آزار می دهند و آنان که به دارهای آتشین آویخته اند جاسوسان و نامامانی هستند که در نزد سلطان سعایت می کنند و آنان که بوی گندشان از جیفه و مردار بیشتر است افرادی هستند که از لذات و شهوات پیروی نموده و از اموال خود حق خدا را نمی دهند و آنان که از لباس های قطران و قیر چسبیده به بدن در بردارند آنان اهل کبر و خودپسندی و تفاخر هستند. در این روایت شریفه خصوصیات صور ملکوتی اهل کبائر بیان شده است بالاخص آنان که به صورت های میمون و خوک در محشر حضور پیدا می کنند. این روایت را غالب مفسرین در تفسیر آیه «فَتَأْتُونَ افواجا» آورده اند از جمله زمخشری در کشف، ج 2، ص 518، و در مجمع البیان، ج 5، ص 432، و ابوالفتوح رازی، طبع مظفری، ج 5، ص 462، و امام فخر رازی در ج 8، ص 423 و 434 و الدر المنثور، ج 6، ص 307، تفسیر صافی، ص 555، و تفسیر برهان، ج 2، ص 1169، و تفسیر روح البیان، ج 10، ص 299، و مرحوم مجلسی در بحار الانوار، ج 72، از طبع حروفی در باب صفت محشر، ص 98 از مجمع البیان آورده است.

### در حقیقت جهنم و صراط و معنای آن در قیامت

اصل ظهور و بروز دنیا در قیامت جهنم است و راهی که انسان از دنیا به بهشت دارد صراطی است در جهنم که باید از آن عبور کند و به بهشت برسد.

چون هر چیزی که انسان را از خدا دور کند جهنم است؛ مراد از دنیا زندگی کردن بر روی زمین نیست؛ بلکه زندگی کردن در عالم تعلقات است؛ هر فردی که

در دنیا می آید تعلقاتی پیدا می کند، ظهور و بروز این تعلقات جدا کننده از خدا و غافل کننده در آخرت جهنم است؛ در آیه شریفه داریم:

« وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا \* ثُمَّ نُنجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدْرُ الْعَالَمِينَ فِيهَا جَنَّتًا؛ و یک فرد از شما نیست مگر اینکه وارد جهنم می شود! و این حکم ای پیغمبر حکم حتمی و قضاء لازمی است که پروردگارت بر عهده خود نهاده است! و پس از ورود در جهنم ما کسانی را که تقوی پیشه ساخته اند نجات می دهیم؛ و می گذاریم که ستمگران در دوزخ به رو به زانو در افتاده یله و رها بمانند» (1)

و آیات قبل از این چنین است:

« وَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا \* أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا \* فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثَّتًا \* ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا \* ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِرَاطِيًّا؛ و انسان چنین می گوید که: آیا اگر من بمیریم هر آینه به طور یقین زنده از میان قبر بر خواهم خواست؟ آیا این انسان نمی داند که سابقاً هیچ چیز نبوده؛ و ما او را از هیچ آفریده ایم؟ ای پیغمبر به پرودگارت تو سوگند که ما انسان و شیاطین را محشور می کنیم و سپس همه را به زانو در افتاده در اطراف جهنم حاضر می ساریم؛ و پس از آن ما از هر گروه و دسته ای، آن کس را که طغیان و سرکشی او بر خداوند رحمان شدیدتر باشد بیرون می کشیم؛ و آنگاه آن افرادی را که سزاوارتر به آتش دوزخند البته ما بهتر می شناسیم.» (2)

باری از جمله « وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا » که نه تنها اطلاق دارد بلکه نصّ در تعمیم است؛ و حصر بین نفی و اثبات است؛ استفاده می شود که تمام افراد بشر بدون استثناء: کافران، منافقان، مؤمنان، همه و همه وارد جهنم می شوند؛ از رسول

ص: 211

1- . مریم / 71 و 72.

2- . مریم / 66-70.



خدا پرسیدند: آیا شما هم وارد جهنم می شوید؟ فرمود: آری ولی ما مانند برقی خاطف به سرعت عبور می کنیم.

وقتی این آیه وارد شد، در روایت است که آن قدر رسول الله گریه کردند که زمین تر شد؛ و بعد به دنبالش این جمله آمد: « ثُمَّ نُتَجَّى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا » چون تمام امت را خدا به جهنم می برد؛ و بار تمام امت به دوش رسول خداست، و او حمیم و دلسوز است بر آنها؛ لذا گریه می کند از روی ترحم.

حال باید دید سرش چیست که همه وارد جهنم می شوند؟ سرش اینست که جهنم در آخرت مظهر دنیاست در اینجا؛ و انبیاء و ائمه و اولیاء هم در این دنیا آمدند؛ پس همه در جهنم آمدند و از این جهنم باید به بهشت بروند؛ چون دنیا پل آخرت و جهنم پل بهشت است و رسیدن به بهشت و مقام قرب حضرت حق بدون آمدن در دنیا و مجاهدات نفسانیه ممکن نیست؛ پس همه باید در این جهنم بیایند و سپس خلاص شوند. آن کسانی که مانند پیامبران در دنیا می آیند و می روند و هیچ آلوده نمی شوند، و رنگ و بوی دنیا را به خود نمی گیرند، و زن و فرزند و کسب و تجارت، آنها را از خدا باز نمی دارد؛ آنان؛ به سرعت برق از آن عبور می کنند و به مصداق آیه شریفه:

« رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ؛ مردانی هستند که هیچ خرید و فروش و کسب و کار آنان را از یاد خدا و اقامه نماز و دادن زکات باز نمی دارد؛ و از روزی که دل ها و چشم ها در آن روز دگرگون می شود، سخت در هراسند. » (1)

ابداً از دنیا آلوده نشده اند؛ و دنیا نتوانسته است آنان را به خود سوق دهد و گرایش دهد.

ص: 212

و بنابراین چون از طرفی در دنیا آمده و رفته اند، پس در جهنم آمده اند و خارج شده اند؛ و از طرف دیگر چون در اینجا محبت دنیا را به خود نخریدند؛ و آلوده نشدند؛ لذا در این دنیا وقوف نکرده اند؛ و چون برق گذشتند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این جهان یعنی در روی زمین شصت و سه سال درنگ فرمود. ولی یک لحظه در دنیا نبود.

### پل صراط

آیا این صراط بر روی جهنم رده می شود، و یا در داخل آن است؟ ما در این باره روایتی نداریم؛ ولیکن روایتی که شارح مطالب مذکوره است در مجمع البیان از ابن مسعود نقل می کند که :

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَرُدُّ النَّاسُ النَّارَ ثُمَّ يَصْدُرُونَ بِأَعْمَالِهِمْ فَأَوْلَاهُمْ كَلِمَةُ الْبُرْقِ ثُمَّ كَمَرُ الرِّيحِ ثُمَّ كَحُضْرِ الْفَرَسِ ثُمَّ كَالرَّاكِبِ ثُمَّ كَشَدِّ الرَّجُلِ ثُمَّ كَمَشْيِهِ.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: مردم به واسطه اعمالشان داخل آتش می شوند و سپس از آتش خارج می شوند؛ پس اول آنان به سرعت برق چشم، از آن گذشته مانند سرعت وزش باد؛ و از آن گذشته مانند سرعت اسب تندرو در حال دویدن؛ و پس از آن مانند شخص سواره؛ و پس از آن مانند سرعتی کسی که می دود؛ و پس از آن مانند سرعت کسی که راه می رود.»

و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی وارد است که: «الصَّراطُ أدقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ مِنْ حَدِّ السَّيْفِ؛ پل جهنم که از آن بهشت می رود از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است.»

این همان صراط مستقیم است که صراط علی بن ابیطالب است که حقاً چقدر باریک و چه اندازه تیز است. شما اعمال امیرالمؤمنین علیه السلام را در نظر بگیرید! و ببینید در هر لحظه در تمام جهات مراعات کردن ظاهر و باطن، و جمع بین عوالم، و دادن حق هر ذی حقی را به او، و در عالم وحدت رفتن، و احکام آن را با عالم کثرت مخلوط نکردن، و به حق عمل کردن.

در قرآن کریم داریم:

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكُوا عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَعِدُّونَ ؛ و اگر بنابراین بود که خداوند مردم را به پاداش ظلم و ستمشان بگیرد و هلاک کند؛ در روی زمین هیچ جنبه ای باقی نمی ماند، و لیکن حساب آنان را برای مدت معینی به تأخیر می اندازد؛ پس چون اجل آنها فرا رسد یک ساعت نمی توانند آن اجل را تأخیر اندازند؛ و یک ساعت نمی توانند مقدم شوند. «(1)

و نیز می فرماید:

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكُوا عَلَىٰ ظَهْرِهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ يَعْبَادُوهُ بِصَبْرٍ ؛ و اگر خداوند مردم را به پاداش اعمالشان می گرفت، در روی زمین جنبه ای نمی ماند؛ و لیکن حساب و زندگی آنان را تا مدت معینی به تأخیر می افکند؛ و چون اجل آنها در رسد خداوند به بندگانش دانا و بیناست. «(2)

### سخنی حساب

مرحوم جمال الحق و آیت الله العظمی آقا سید جمال الدین گلپایگانی رحمه الله می فرمود: روزی برای زیارت اهل قبور در نجف اشرف به وادی اسلام رفته هوا بسیار گرم بود. پس از ادای فریضه ظهر از شدت گرما در میان وادی در زیر یک چهار طاقی نشستم آنجا سایه بود - مرحوم آقا سید جمال الدین بسیار به وادی السلام می رفت و می نشست و معطل می شد گویی که او با ارواح طیبه سر و کاری دارد و رد و بدل هایی بین آنان به وقوع می پیوندد - فرمود: همین که نشستم و شُطَب (چق کوجک) را روشن کردم که قدری استراحت کنم دیدم دسته ای از

ص: 214

1- . نحل / 61.

2- . فاطر / 45.

ارواح آمدند به سوی من به بدترین وضعی، لباس های پاره و کثیف و آلوده، و التماس داشتند که آقا بیا و به فریاد ما برس و ما را شفاعت کن!

این ارواح متعلق به قبوری بودند که من در میان آن قبور نشسته بودم و همه از شیوخ و بزرگان عرب بودند و در دنیا دارای نخوت و تکبر و جاه و اعتبار.

در التماس خود مصراانه الحاح می نمودند و التجا داشتند. من هم اوقاتم تلخ شد، همه را رد کردم و گفتم: ای بی انصاف ها شما در دنیا زندگی کردید و مال مردم را خوردید و جنایت کردید حق ضعیف و یتیم و هر بی پناهی را ربودید و ما هر چه فریاد کشیدیم گوش ندادید حالا آمدید می گوئید شفاعت کن. بروید گم شوید همه را رد کردم و پراکنده شدند. (1)

### دقت در حساب با وجود کثرت مخلوقات

«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ \* فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنظِقُونَ؛ روزی شما در آسمان است! و آنچه را که به شما وعده داده شده است نیز در آسمان است! پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن روزی حق است؛ و ثابت و روشن است؛ همچون روشنی و ثبوت گفتاری که شما بر سر زبانها دارید!». (2)

همچنین حساب و پاداش بین موجودات مستمر و دائم و ضروری است.

در نهج البلاغه وارد است که:

وَسَيَسْئَلُ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَحْسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَىٰ كَثْرَتِهِمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَا يَرْزُقُهُمْ عَلَىٰ كَثْرَتِهِمْ. فَبَيَّنَ: فَكَيْفَ يَحْسِبُ لَهُمْ وَلَا يَرُونَهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَا يَرْزُقُهُمْ وَلَا يَرُونَهُ؛ از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: چگونه با وجود کثرت مخلوقات خداوند از آنها حساب می کشد؟

در پاسخ فرمود: چنانچه با این کثرت به آنها روزی دهد.

ص: 215

1- . معاد شناسی، ج 2، ص 295 .

2- . ذاریات/ 21 و 22.

گفته شد: چگونه آنها را حساب رسد با این که وی را نتواند دید؟

حضرت فرمودند: همانطوری که آنان را روزی می دهد و مردم آن را نمی بینند» (1).

### حجت و دلیل

شیخ صدوق قدس سره در کتاب «عقائد» نوشته: اعتقاد ما درباره عقبات قیامت این است که هر عقبه ای اسم واجبی از واجبات الهی است انسان به هر عقبه ای که می رسد اگر تقصیر کرده باشد در آن عقبه او را هزار سال نگه می دارند و حق خدا را از او می خواهند اگر با عمل صالحی که از پیش فرستاده از عهده آن بیرون آمد و یا رحمت خدا شامل حالش شد از آن عقبه نجات می یابد و به عقبه دیگر می رسد، پیوسته او را از عقبه ای به عقبه دیگر می برند و در هر عقبه از آنچه که او انجام داده است سؤال می کنند پس اگر از همه به سلامت بیرون رفت به دار بقا می رسد، و حیاتی می یابد که هرگز مرگ در آن نمی باشد و سعادت می یابد که شقاوت در آن نیست و در جوار خدا با پیغمبران و صدیقان و شفعا و صالحان ساکن می شود و اگر او را در عقبه ای حبس کنند و از او حقی را که تقصیر در آن کرده بخواهند، دیگر راه نجاتی نخواهد داشت و با لغزش قدم هایش به درون جهنم می افتد و این عقبات بر روی صراط است و نام یکی از این عقبات ولایت است که همه خلائق را نزد آن عقبه باز می دارند و از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از او علیهم السلام سؤال می کنند اگر به وظایف خود عمل کرده است، نجات می یابد و می گذرد و گر نه به جهنم می افتد چنانکه حق تعالی فرموده است: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (2) و مهم ترین عقبات، عقبه مرصاد است: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (3) و حق تعالی می فرماید: به عزت و جلال خود سوگند یاد می کنم که ظالمی از آن نمی گذرد مگر این که کیفر شود و عقبه

ص: 216

1- . نهج البلاغه، حکمت 300.

2- . صفات / 24.

3- . فجر / 14.

دیگر رحم است و اسم عقبه دیگری امانت است و اسم عقبه دیگر نماز و به نام هر تکلیفی عقبه ای هست که انسان را در او نگه می دارند و به بازجویی او می پردازند. (1)

از امام صادق علیه السلام از تفسیر گفتار خدای تعالی: «فَلَيْلَةَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ» سؤال شد. فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَلْعَبِيدِ أَكُنْتُمْ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَفَلَا عَمِلْتُمْ بِمَا عَلِمْتُمْ وَإِنْ قَالَ كُنْتُمْ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَفَلَا تَعَلَّمْتُمْ فَيُخَصِّمُهُ فَيَلِكُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ؛ چون روز قیامت فرا رسد در مقام سؤال و عرض حضرت پروردگار به بنده خود خطاب می کند آیا در مسائل و احکام و معارف دینیه خود که راجع به اعمال تو بود علم داشتی اگر در جواب بگوید بلی علم داشتیم. خداوند می گوید: پس چرا عمل نکردی و اگر در پاسخ بگوید علم نداشتم خداوند می گوید: پس چرا یاد نگرفتی تا اینکه بتوانی عمل کنی؟ و چون در این مخاصمه و این طرز محاجه بنده محکوم می گردد پس همیشه حجت و برهان بالغه اختصاص به خدا دارد. (2)

امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه می فرماید: «إِلَهِي أَزْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي؛ خدای من! رحم کن هنگامی که حجتم تمام شود و زبانم از دادن پاسخت کند گردد.»

### محل ارواح مؤمنین و کفار

در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» روایت مفصلی را راجع به نبرد امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه و اطلاع ملک روم از این قضیه بیان می کند و می گوید که: ملک روم نامه ای به امیرالمؤمنین علیه السلام و نامه

ص: 217

1- . بحارالانوار، ج 7، ص 128.

2- . امالی مفید، مجلس 35، ص 172؛ بحارالانوار، کمپانی، ج 1، ص 57.

دیگری به معاویه نوشت که اعلم اهل بیت خود را بفرستد تا من از آنها سؤالاتی کنم، و سپس در انجیل نظر کنم و پس از آن به شما خبر دهم که کدام یک از شما به امر خلافت سزاوارترید.

معاویه یزید را فرستاد، و امیرالمؤمنین امام حسن مجتبی علیه السلام را فرستادند؛ تا آنکه قضیه را مفصلاً شرح می دهد تا آنکه از جمله سؤالاتی که از امام حسن نمود این بود که ارواح مؤمنین کجا جمع می شوند پس از مرگ؟

حضرت فرمود: تَجْتَمِعُ عِنْدَ صَخْرَةِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٌ وَ هُوَ عَرْشُ اللَّهِ الْأَدْنَى مِنْهَا بَسَطَ اللَّهُ الْأَرْضَ - وَإِلَيْهَا يَطْوِيهَا وَمِنْهَا الْمُحْشَرُ - وَمِنْهَا اسْتَوَى رَبُّنَا إِلَى السَّمَاءِ - أَيِ اسْتَوَى عَلَى السَّمَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ،

اجتماع می کنند در نزد سنگ بیت المقدس در شب جمعه، و بیت المقدس عرش نزدیک خدا است و از آنجا خداوند زمین را پهن کرد و بگستراند و به بیت المقدس زمین را در هم می پیچید و از آنجا محشر به پا می گردد و از آنجا پروردگار ما بر فرشتگان و اسماں استیلا پیدا نموده و محیط شد.

سپس ملک روم از ارواح کفار و محل اجتماع آنان پرسش کرد.

حضرت فرمود:

تَجْتَمِعُ فِي وَادِي حَضْرَمَوْتٍ وَرَاءَ مَدِينَةِ الْيَمَنِ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ نَاراً مِنْ الْمَشْرِقِ - وَنَاراً مِنَ الْمَغْرِبِ وَ يُتَّبِعُهُمَا بَرِيحَيْنِ شَدِيدَتَيْنِ فَيُحَسِّرُ النَّاسَ

اجتماع می کنند در وادی حضر موت در پشت شهر یمن، و سپس خداوند بر می انگیزد آتشی را از طرف مشرق و آتشی را از طرف مغرب، و به دنبال آنها دو تندباد را بر می انگیزد، پس مردم محسور می گردند. (1)

ص: 218

---

1- . تفسیر علی بن ابراهیم، ص 595-599.

امام صادق علیه السلام ارواح کافران در اتاق هایی درون آتش جا دارند از خوراک آن می خورند و از نوشیدنی های آن می نوشند و به دیدار هم می روند و می گویند خدایا اقیامت را بر پای مدار تا مبادا وعده ای را که به ما داده ای اجرا کنی.

### برهوت

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ يَا أَعْرَابِيٌّ قَالَ مِنَ الْأَخْقَافِ أَخْقَافِ عَادٍ قَالَ زَأَيْتُ وَادِيًا مُظْلِمًا فِيهِ الْهَامُ وَالْبُومُ لَا يُبْصَرُ رُفَعْرُهُ قَالَ وَ تَدْرِي مَا ذَلِكَ الْوَادِي قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا أَدْرِي قَالَ ذَلِكَ بَرَهوتُ فِيهِ نَسَمَةٌ كُلُّ كَافِرٍ.

یک مرد اعرابی به محضر امام محمدباقر علیه السلام آمد، حضرت فرمود: ای اعرابی از کجا آمده ای؟

اعرابی گفت: از اخقاف اخقاف عاد آمده ام و گفتم: یک وادی سیاه و تاریکی را دیدم که در آنها از بوم و جغدها بودند و به اندازه ای بزرگ بود که نهایت آن دیده نمی شد.

حضرت فرمود: آیا می دانی آن چه وادی است؟

عرض کرد: سوگند به خدا نمی دانم.

حضرت فرمود: آن وادی برهوت است که در آن روح هر کافری است. (1)

برهوت نام چاهی است در سرزمین خضر موت که در جنوب یمن است، البته از باب تعلق و ربط عالم بزرخ با عالم قبر است؛ یعنی آن صور برزخیه در آن مکان هایی از دنیا ربط و تعلق دارند که خسته کننده تر و پر آفت تر و پست تر و زنده تر و کثیف تر است.

ص: 219



در آن چاه، مارهای سیاه، عقرب ها، جغد ها و حیوانات وحشی آن قدر فراوانند که کسی قدرت عبور ندارد، از همه گذشته گرمای سوزان که دقیقه ای از آن قابل تحمل نیست.

در کافی با سند خود روایت می کند که قال امیرالمؤمنین علیه السلام :

شَرُّ يَوْمٍ فِي النَّارِ بَرَهوتُ الَّذِي فِيهِ أُزُوخُ الْكُفَّارِ. بدترین چاهی در آتش، برهوت است که در آن ارواح کافران است. (1)

و نیز در کافی با سند خود روایت می کند از:

قَدَّاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شَرُّ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَاءُ بَرَهوتَ وَهُوَ الَّذِي يَحْضُرُ مَوْتَ تَرْدَةِ هَامِ الْكُفَّارِ. (2)

و چون شفاعت در برزخ نیست و خدای ناکرده اگر انسان کردارش ناپسند باشد یا به واسطه جحود و انکار اگر ایمان از وی سلب شود به وادی برهوت گرفتار می گردد که خشک زاری است در برهوت یمن پس طی زمان در آن وادی برای اهل برهوت سخت پر ماجرا و دراز و کوبنده است تو گویی هر لحظه از آن سال هاست.

### آویختگان به شاخه های درخت زقوم

« ثُمَّ إِنَّكُمْ إِيَّهَا الصَّالُونَ الْمُكذَّبُونَ \* لَا يَأْكُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُومٍ \* فَمَا لِيُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ » (3) پس در آن روز ای گروه گمراه و تکذیب گر روز قیامت و پاداش البته زقوم خواهید خورد و شکم های خود را از آن مملو و پر خواهید کرد.

شرح: همانطور که از روایات وارد شده از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام بر می آید درخت زقوم در مقابل و در برابر درخت طوبی است که از نقطه نظر پاکی و پاکیزگی و طراوت و طهارت و قداست و خیر و برکت و رحمت است و

ص: 220

1- . فروع کافی، طبع سنگی، ج 1، ص 67.

2- . فروع کافی، ج 1، ص 76.

3- . واقعه / 53-51.

اصلش ولایت است. و درخت زقوم از نقطه نظر کثافت و قذارت و نجاست و ذلت و نکبت و نحسی و مشقت و از بین رفتن رحمت و بنابراین اصلش بُعد از ولایت و سعادت است که این درخت شقاوت است و امام عسکری علیه السلام از قول جد اطهر و اعظم الشانسان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آویختگان به شاخه های درخت زقوم را بر می شمارند پس می فرمایند هر کس در آن روز دست به هر یک از درهای شر و عصیان زند و به هر گناه مرتکب شود خود را به شاخه ای از شاخه های آن آویزان نموده است و آن شاخه او را به آتش خواهد رسانید.

و پس از این فرمودند: و بنابراین، هر کس در نماز فریضه خود کوتاهی کند، و آن را ضایع گذارد به شاخه ای از شاخه های زقوم خود را آویزان کرده، و آن شاخه او را به آتش می رساند. و هر کس در امروز در نزد شخص ضعیف الحالی بیاید که از حالات و امور خود شکوه و گلایه کند، و او توانایی داشته باشد که بدون ضرری که به خودش برسد حالات و امور او را تغییر دهد، و کسی دیگر هم نبوده باشد که نائب از او و یا قائم مقام او را در این امر گردد، و با این حال، آن ضعیف الحال را به حال خود گذارد که حقش و آموزش ضایع و خراب بماند، و در سختی و مشکلات به سر برد و دستی از او نگیرد، در این صورت به شاخه ای از درخت زقوم خود را آویزان کرده است.

و هر کس در نزد او شخص خطاکاری بیاید، و از خطای خود معذرت طلبد، و او نپذیرد، و سپس در عقوبت آن خطاکار تخفیفی ندهد بلکه زیاده عقوبت کند، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است. و هر کس، بین مردی و زنی را به هم بزند و یا بین پدری و فرزندش را، و یا برادری با برادرش را، و یا نزدیکی با رحم نزدیک خود را، یا بین دو همسایه، و یا بین دو شریک و خلیط و مصاحب را، و یا بین دو نفر اجنبی را به هم بزند و ایجاد فساد و جدایی کند، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است. و هر کس بر بدهکاری سخت بگیرد، و بداند که

او قادر بر اداء دیون خود نیست، و در این صورت ناراحتی و نگرانی و غضب آن بدهکار را زیاد کند، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است.

و هر کس از عهده او نسبت به کسی، دینی و قرضی باشد و با ملاحظه و بهانه آوری کاری کند که او خسته شود و از دین خود بگذرد، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است. و هر کس بر یتیمی جفا کند، و او را آزار برساند، مال او را بخورد، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است.

و هر کس در آبروی برادر مؤمن خود خللی وارد سازد و آن را لکه دار کند، و فحش دهد و ناسزا گوید، و مردم را بر این امر بگمارد و ترغیب کند، به شاخه ای از آن آویزان شده است.

و هر کس تغنی کند، و به آوازهای حرام و موسیقی که انسان را بر معصیت و گناه بر می انگیزد مشغول شود، به شاخه ای از آن آویزان شده است.

و هر کس بنشیند و زشتی های کردار خود را در جنگ ها که کرده است، و انواع ظلمی که به بندگان خدا نموده است بشمارد، و بدانها افتخار و مباهات کند، به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شده است.

و هر کس همسایه او مریض شود، و از روی بی اعتنائی و عدم اهمیت و استخفاف و به شأن او ترک عبادت او را کند، به شاخه ای از آن آویزان شده است. و هر کس همسایه او بمیرد و از روی حقارت و پست شمردن مقام و حق او در تشییع جنازه اش کوتاهی کند، به شاخه ای از آن آویزان شده است. و هر کس نسبت به کسی که مصیبتی بر او وارد شده است اعراض کند، و از روی کوچک شمردن او و عیب دار کردن او جفا نموده و از دلجویی و استمالت خودداری کند، به شاخه ای از آن آویزان شده است.

و هر کس مخالفت پدر و مادر خود را، و یا یکی از آنها را بنماید و از شفقت و مهربانی و احسان درباره آنها دریغ کند، و یا بدانها استخفاف کند، به شاخه ای از آن آویزان شده است.

و هر کس خودش سابقاً عاقل پدر و مادرش بوده و آنها را تا امروز راضی نکرده است، و تمکن از استرضاء داشته و کوتاهی کرده است، به شاخه ای از آن آویزان شده است.

و بنابر همین نهج و همین منوال، هر کس هر فعلی از افعال شرّ را به جای آورده است، بر شاخه ای از آن آویزان شده است. و سوگند به آن خداوندی که مرا به حقّ به نبوت برانگیخته است، تمام کسانی که به شاخه های درخت زقوم آویزان شده اند آن شاخه ها آنها را تا قعر جحیم و دوزخ پائین خواهد برد. (1)

### وادی السلام

مرفوعاً از حضرت صادق علیه السلام :

قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ أَخِي بِنَغْدَادٍ وَ أَخَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا فَقَالَ مَا تَبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَسَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ قُلْتُ لَهُ وَ أَيْنَ وَادِي السَّلَامِ قَالَ ظَهَرَ الْكُوفَةَ أَمَا إِنِّي كَاتِبٌ بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ.

می گوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: برادر من در بغداد است، و نگرانم که در همانجا بمیرد. فرمود: باک نداشته باشد، هر جا که خواهد بمیرد، چون هیچ مؤمن در شرق زمین و یا در غرب زمین باقی نمی ماند مگر آنکه خداوند روح او را در وادی السلام با ارواح مؤمنین دیگر قرار می دهد.

عرض کردم: وادی السلام کجاست؟

فرمود: در پشت کوفه، و آگاه باش مثل اینکه من منظره اجتماع ارواح را می بینم که حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر گفتگو دارند. (2)

ص: 223

1- . بحارالانوار، طبع حروفی، ج 8، ص 167 و 168.

2- . فروع کافی، طبع سنگی، ج 1، ص 67.

مؤمنین که در وادی السلام هستند در التذاد و مسرت به سر می برند و از جام و کلس محبت و ولایت سرمست و سرشار در عشق و بهجت و سرورند و لذا مرور زمان برزخی را تا قیام قیامت حس نمی کنند. ولی کفار که دستشان از علم و معرفت کوتاه و جانشان از جام سرشار آب زلال ولایت سیراب نگشته است در خشکزار بیهوش یمن اجتماع دارند.

ذره ذره کاندترین ارض و سماست \*\*\* جنس خود را همچو گاه و کهریاست

نوریان مر نوریان را طالبند \*\*\* ناریان مر ناریان را طالبند (1)

طیّ زمان اگر امر نسبی باشد این مسئله را خوب می رساند که چقدر گذشت زمان برای اهل بیهوشی سخت و پرماجرا و دراز و کوبنده است که تو گویی هر لحظه از آن سال هاست؛ و برای اهل وادی السلام که وادی ایمن است چقدر راحت و زودگذر و لطیف.

### حوض کوثر

از ابن جبّله از عبدالله بن سنان روایت کرده است که او می گوید: از حضرت صادق علیه السلام درباره حوض کوثر سؤال کردم. حضرت فرمود: حوض وسیعی است ما بین بصری و صنعاء، آیا دوست داری آن را ببینی؟

عرض کردم: فدایت شوم بلی.

حضرت دست مرا گرفت و مرا از مدینه بیرون برد و سپس پای خود را به زمین زد، پس ناگاه دیدم نهری جاری است که اصلاً حاشیه و کنارش به چشم نمی خورد مگر همان جایی را که من ایستاده بودم و آن جایی که من و آن حضرت ایستاده بودیم نظیر شبه جزیره ای بود. در این حال نظرم افتاد به نهری که جاری بود که از یک جانبش آب زلالی که از برف سفیدتر بود جاری بود و از جانب دیگرش شیری که از برف سفیدتر بود جاری بود و از وسط این نهر شرابی که از

ص: 224

---

1- . بیت اول از مثنوی است ج 6 طبع میرخانی، ص 601.

یاقوت زیباتر بود جاری بود، و من هرگز چنین خمیری که بین آب و شیر باشد مشاهده ننموده بودم.

عرض کردم: فدایت شوم! این نهر از کجا خارج می شود و مجرایش کجاست؟ حضرت فرمود: اینها چشمه هایی هستند که خداوند وصف آنها را در بهشت در قرآن مجید بیان فرموده است؛ چشمه ای است از آب و چشمه ای است از شیر، و چشمه ای است از شراب که در این نهر جاری است.

و بر اطراف این نهر درخت هایی سر سبز و خرم بود و به شاخه های آنها حوریه های بهشتی خود را اوخته بودند و گیسوان و موهای سر آنها به اندازه ای زیبا و دل انگیز بود که من در عمرم هیچگاه چیزی را به آن لطیفی و نیکویی ندیده بودم. و به دست آنان ظرف هایی بود که من به آن نیکویی و زیبایی ندیده بودم، آن ظرف ها از ظرف های دنیا نبود.

حضرت به یکی از آن حوریه ها نزدیک شده و اشاره فرمود که قدری آب به ما بده.

من به آن حوریه تماشا می کردم با آن کیفیتی که خم شده و می خواست آب از نهر بردارد، دیدم درخت هم با او خم شد، حوریه ظرف را در نهر فرو برده و از آن پر کرده و به حضرت داد، و حضرت به من دادند.

من از آن نوشیدم به خدا سوگند که هیچ آشامیدنی به آن گوارایی و به آن لذت نچشیده بودم. و بوی آن مانند بوی مشک فرح آور و دل انگیز بود. چون در آن کاسه نظر کردم در آن سه رنگ از شراب دیدم.

عرض کردم: فدایت شوم! من چیزی مانند امروز ندیده بودم و اصلاً گمان نمی کردم که امر از این قرار باشد.

حضرت فرمود: این کوچکترین چیزی است که خداوند برای شیعیان ما مقدر فرموده است، چون مؤمن وفات یابد روحش به این نهر متوجه می گردد و در باغ های اطراف این نهر به تفریح و تفریح مشغول می گردد، و از این آب های نهر می آشامد. و دشمن ما چون وفات یابد روحش به وادی برهوت تعلق می گیرد، و در عذاب

برهوت مَخْلَد و جاودان می ماند و از زَقُوم آن می خورد، و از حمیم آن می آشامد. پس از این وادی به خدا پناه ببرید. (1)

این روایت را محمد بن حسن صَقَّار در بصائر الدرجات با اضافاتی ذکر فرموده است. (2)

ص: 226

---

1- . اختصاص، ص 321 - 322.

2- . بصائر الدرجات، ص 129-130.

احقاق الحق ، قاضی نورالله شوشتری،

الإختصاص، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، ناشر: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام ، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

الأمالی (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم 1376 ش.

الأمالی (للطوسی)، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة، قم، چاپ اول، 1414 ق.

الأمالی (للمفید)، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

انوار الشهاده.

بحار الأنوار ، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، 1403 ق.

بصائر الدرجات ، صفار، محمد بن حسن، محقق / مصحح: کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ دوم، 1404 ق.

پایگاه اطلاع رسانی دارالارشاد.

تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، 1404 / 1363 ق.

تفسیر اطیب البیان،

تفسیر المیزان، طباطبائی، سید محمد حسین، انتشارات ، چاپ ، .

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دارالکتب الاسلامیه،



تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، 1380 ق.

تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتب، قم، چاپ سوم، 1404 ق.

تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، 1415 ق.

تنقیح المقال، آیت الله مامقانی .

توضیح المسائل امام خمینی .

توضیح المسائل مراجع.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: غفاری، علی اکبر، ناشر: کتاب فروشی صدوق، تهران، چاپ اول، بی تا

حقوق برادران دینی در اسلام، شیخ صدوق.

حلیه المتقین، مجلسی

الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1362 ش.

خصائص الحسینیة،

داستانهای شگفت، سید عبدالحسین دستغیب،

رساله انسان بعد الدنيا، (معاد) علامه طباطبائی، نسخه خطی،

زاد المعاد، مجلسی، محمدباقر، دارالکتب الاسلامیه،

سفینة البحار، قمی، عباس، ناشر: اسوه، قم، چاپ اول، 1414 ق.

شرح دعای صباح، حکیم سبزواری،

شفاء الصدورفی شرح زیارة العاشور،

الصلف المشحون،

عدة الداعي و نجاح الساعي، ابن فهد حلی، احمد بن محمد، محقق / مصحح: موحدی قمی، احمد، ناشر: دار الکتب الإسلامی، چاپ اول، 1407 ق.

علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، 1385 ش / 1966 م.

غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، ناشر: دار الکتب الاسلامی، قم، چاپ دوم، 1410 ق.

فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، طبع حیدری،

الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامی، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.

کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ناشر: دار المرتضویة، نجف اشرف، چاپ اول، 1356 ش

گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، ناشر: دارالکتب الاسلامی،

مجالس مفید،

مجمع بیان،

مجمع المسائل،

مجموعه ورام، ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی، ناشر: مکتبه فقیه، قم، چاپ اول، 1410 ق.

المحجة البيضاء،

مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام قم، چاپ اول، 1408 ق.

مصادقة الإخوان، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: الخراسانی کاظمی، سید علی، ناشر: مکتبه الإمام صاحب الزمان العامة، کاظمیه، چاپ اول، 1402 ق.

مصباح الزائر،

مصباح الشریعة، منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ اول، 1400 ق.

مصباح المتهجّد و سلاح المتعبد، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، چاپ اول، 1411 ق.

معاد شناسی، آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی.

معانی

الأخبار، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1403 ق.

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی،

مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان، ناشر: دار القلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق، چاپ اول، 1412 ق.

من لا یحضره الفقیه، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، 1413 ق.

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ناشر: علامه، قم، چاپ اول، 1379 ق.

منهاج الصالحین، آیت الله العظمی خویی، کتاب الوصیه،

میزان الحکمه،

نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، شريف الرضي، محمد بن حسين، محقق / مصحح: صالح، صبحي، ناشر: هجرت، قم، چاپ اول، 1414 ق.

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم)، پابنده، ابو القاسم، ناشر: دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، 1382 ش.

وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، 1409 ق.

ص: 230

مرحوم کلینی قدس سره از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: هر کس هنگام مرگ، نیکو وصیت نکند نقص در خرد و مرآت او است، سوال شد یا رسول الله چگونه وصیت کند؟

فرمود: هنگام مرگ بگوید:

«اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّدْ لِي شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْبَيْزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَّيْتُمْ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتُمْ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثْتُمْ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتُمْ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَ خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ يَا عَدَدْتِي عِنْدَ كُرْبِيِّي وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَلِيَّيَّ نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكْلِبْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فَإِنَّكَ إِنْ تَكْلِبْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعَدَ مِنَ الْخَيْرِ فَالْيَسَّ فِي الْقَبْرِ وَحُسْبِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقَالِكِ مَشْهُورًا» (1)

ص: 231

1- . کافی، ج 7، ص 2.

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارك و تعالی كل من علیها فان و یقی وجه ربك ذوالجلال و الاكرام. الحمد لله الباقی بعد فناء الموجودات و وارث الكائنات و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و سیدنا ابی القاسم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و علی آله و اهل بیته و الائمة اثنی عشر صلوة دائمة و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من مات بغير وصیه مات میتة الجاهلیه.

اینجانب ..... فرزند ..... در حال صحت نفس و بدن و سلامت عقل و بدون اکراه و اجبار وصیت می نمایم: اولاً اقرار می کنم که الله تبارک و تعالی واحد و احد است (1)

و مانند ندارد و اعتقاد به وحدانیت و یگانگی او دارم که او منزه است از هر نقص و هر تفسیر باطل .

کتاب الهی خصوصاً قرآن مجید را قبول دارم و منکر هیچ کدام از آنها و خصوصاً ضروریات دین نبوده و نیستم و اعتقاد دارم به بهشت و جهنم، سؤال قبر و حشر و نشر رستاخیز، بازگشت مردگان در عالم رجعت، معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شفاعت ایشان، حساب و کتاب و ساعت قیامت و اینکه خداوند مردگان را از قبور

ص: 232

1- . توحید: «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يُسْقِينِي وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ.» (شعرا/82-78). حضرت ابراهیم علیه السلام بیان فرمود تفضلاتی که رب العالمین در حق او فرموده که رب العالمین آن پروردگاری است که مرا خلق فرمود. پس از خلقت مرا هدایت می نماید و موقعی که مریض شدم پس او شفا عنایت می نماید و آن پروردگاریست که مرا می میراند پس از آن در قیامت زنده می فرماید و آن پروردگاریست که امیدوارم اینکه ببخشد و بیامرزد خطای مرا روز جزاء این آیات شریفه در مقام بیان توحید افعالی است که توحید پنج قسم است: ذاتی، صفاتی، افعالی، عبادتی و نظری. توحید ذاتی مثل و مانند و ضدی و ندی از برای او نیست. و صفاتی اینکه صفات عین ذات است و افعالی اینکه ده فعل است که مختص به ذات اوست: خلق، رزق، امانه، احیاء، صحت، مرض، غنا و فقر، عزت و ذلت. توحید عبادتی اینکه مختص به او است. و توحید نظری اینکه امیدوار به او و توکل به او و تسلیم او و خوف از مخالفت او و امید به رحمت او و خوف از سخط و غضب او و نظر به او با ید باشد. (اطیب البیان، ج10، ص 42)

زنده و مبعوث می کند و به حلیت متعه و حج تمتع و گفتن حی علی خیرالعمل در اذان و آنچه از عقاید حقه مذهب امامیه و فرائض واجبه خداوند و آنچه نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند قبول دارند و منکر نیستیم.

همچنین به نبوت و رسالت همه پیامبران الهی (1) و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده خدا و خاتم پیغمبران و انبیاء اوست و بعد او شریعتی نیست تا روز قیامت و همچنین اقرار می کنم به عصمت آنها و همه فرشتگان و ائمه معصومین و حضرت زهرا علیها السلام که عصمت آنها از اول تا پایان عمر از گناهان صغیره و کبیره است و همچنین اعتقاد دارم که امام و خلیفه و ولی امر بعد از پیامبر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و سپس حسن بن علی و حسین بن علی و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن المهدی علیهم السلام می باشند و اقرار می کنم اینها اولیاء و بندگان خدا و دشمنان نشان دشمنان خدا و طاعت ایشان طاعت خداست و برائت و بیزارگی دارم از همه دشمنان این معصومین و همه قاتلان انبیاء و امامان و معتقدم به مقامات عالییه آنها که در قرآن و در جامعه کبیره ذکر شده و اظهار مودت و محبت و اطاعت از اینان را عقیده دارم و از خداوند متعال می خواهم با همین عقاید و موالات و حب آل رسول که دارم از دنیا بروم و با همین اعتقادات حقه مبعوث شوم.

ص: 233

1- . ابوذر غفاری نقل می کند که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره تعداد انبیاء و کتب الهی سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: تعداد پیامبران 124 هزار پیامبر است که 313 نفر آنها رسول و بقیه نبی بودند و کتاب هایی که بر پیامبران نازل شده 104 کتاب است، ده کتاب بر حضرت آدم، 50 کتاب بر حضرت شیث، سی کتاب بر حضرت ادريس عليه السلام، ده کتاب بر حضرت ابراهيم عليه السلام که جمعاً می شود صد کتاب و تورات بر حضرت موسی عليه السلام و انجیل بر حضرت عیسی عليه السلام و زبور بر داوود عليه السلام و قرآن بر من نازل گشت.

اینجانب ..... فرزند ..... متولد .....

به شماره شناسنامه ..... کد ملی ..... در تاریخ .....

در کمال صحت، عقل، و اختیار به مراتب ذیل وصیت می کنم و وصیت نامه خود را در ده بخش تنظیم می نمایم. تمامی وصیت های دیگر قبل از این تاریخ باطل می باشد.

مرجع تقلید این جانب حضرت آیت الله ..... می باشد.

بخش اول: تعیین وصی

وصی شرعی خود قرار دادم جناب ..... فرزند .....

تلفن ..... ساکن .....

توضیحات .....

.....  
.....  
.....

بخش دوم: تعیین ناظر

ناظر بر انجام وصیت قرار دادم جناب ..... فرزند .....

تلفن ..... ساکن ..... توضیحات .....

.....  
.....  
.....  
.....

بخش سوم: تعیین سرپرست و قیم بر فرزندان صغیر

سرپرستی فرزندان صغیرم را واگذار نمودم به جناب ..... فرزند .....

بخش چهارم: فهرست دارایی ها و اموال اینجانب

1: منزل مسکونی واقع در .....

توضیحات .....

2: وسیله نقلیه .....

3: مغازه یا کارگاه .....

4: زمین و باغ .....

5: موجودی نقدی در بانک .....

6: موجودی نقدی در صندوق قرض الحسنه .....

7: سایر دارایی ها .....

بخش پنجم: فهرست بدهکاری ها

1: برخی از بدهکاری های خود را در دفتر ..... به ثبت رسانده ام.

2: مهریه همسر خانم ..... به مبلغ .....

اگر تمام یا بخشی از مهریه را به همسر پرداخت کرده اید و یا به شما بخشیده اند بنویسید .....

3 خمس درآمدها از سال خمسی گذشته تا هنگام وفات (در ضمن دارایی اینجانب که در سال خمسی گذشته، خمس آن را پرداخت نمودم مبلغ ..... بوده است) سال خمسی اینجانب تاریخ ..... می باشد.



اگر هیچ‌گاه خمس درآمدهای خود را پرداخت نکرده اید بنویسید

.....  
.....

4: حج واجب (حجة الاسلام)

5: نذورات: 6: کفارات

7: زکات

8: دیگر بدهکاری های این جانب عبارت است از:

..... الف)  
..... ب)  
..... ج)  
..... د)  
..... هـ)

9: اگر انجام کارهای خیری را تعهد کرده اید در این قسمت بنویسید

.....

بخش ششم:

ثلث اموال پس از پرداخت بدهی هایی که گفته شد از دارایی ..... در این امور هزینه شود:

1: ..... سال نماز قضا

2: ..... سال روزه قضا

3: ..... نماز آیات

4: مبلغ ..... رد مظالم احتیاطی

ص: 236

5: هزینه غسل، کفن، تشییع، خاکسپاری، مراسم ترحیم به طور متعارف و به دور از تشریفات زائد و هم چنین تصرفاتی که برای این مراسم در خانه می شود.

6: مبلغ ..... در شب اول خاکسپاری بابت صدقه .

7: پس از انجام هزینه های گذشته، باقی مانده ثلث اموال در این امور هزینه شود:

الف: مبلغ ..... به جناب ..... (از خویشاوندان نزدیک).

ب: ایتم

ج: اقامه مجلس روضه خوانی

د) ساخت مدرسه

ه-) کمک به ساخت حوزه های علمیه

و) ساخت مسجد

ز) تجهیزیه

ح: .....

ط: .....

بخش هشتم : واگذاری حق اسکان و اثاث خانه به همسر

حق استفاده از خانه مسکونی خودم واقع در ..... به همسر خانم ..... تا زمان حیات ایشان واگذار نمودم.

حق استفاده از تمامی اثاث خانه را به همسر خانم ..... تا زمان حیات ایشان واگذار نمودم.

بخش هشتم: امانت هایی که از مردم نزد این جانب است

عبارت است از:

1 : .....

2 : .....

- ..... : 3
- ..... : 4
- ..... : 5
- ..... : 6
- ..... : 7

بخش نهم : از افراد ذیل این طلب ها را دارم:

- ..... : 1
- ..... : 2
- ..... : 3
- ..... : 4
- ..... : 5
- ..... : 7

بخش دهم : وصایای اخلاقی

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

در صورت امکان و بدون زحمت برای بازماندگان در ..... به خاک سپرده شوم.

وصیت نامه اینجانب در ..... نسخه و نزد این افراد موجود می باشد:

..... : 1

..... : 2

..... : 3

این وصیت نامه در ده بخش به گواهی آقایان نامبرده ذیل رسید.

1: جناب ..... محل امضا

2: جناب ..... محل امضا

3: جناب ..... محل امضا

و در دفتر خانه اسناد رسمی به شماره ..... ثبت گردید.

محل مهر دفتر خانه اسناد رسمی نام و امضا و اثر انگشت وصیت کننده

نام و امضا ناظر

نام و امضا وصی

تغییرات

در تاریخ ..... این تغییرات در وصیت نامه انجام گرفت:

.....

.....

.....

.....

نام و امضا و اثر انگشت



اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا أَوَّلُ قُدُومِي إِلَيْكَ فَأَكْرِمْنِي فَإِنَّ الضَّيْفَ إِذَا نَزَلَ بِقَوْمٍ يُكْرَمُ وَ أَنْتَ أَوْلَى بِالْكَرَامَةِ إِلَهِي مَا دُمْتُ حَيًّا عَصَبِيكَ وَ أَنْتَ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ (عَلَيَّ) وَ الْآنَ انْقَطَعَ عُصْبَانِي فَلَا تَقْطَعْ إِحْسَانَكَ عَنِّي يَا رَبِّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَطْهَارِ الْأَخْيَارِ الْإِبْرَارِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

به نام خداوند بخشنده مهربان

بار خدایا! به راستی که اولین ورود من به سوی تو است پس به لطف خویش مرا گرامی دار، چرا که میهمان هنگامی که بر مردم بزرگواری وارد می شود مقدم او را گرامی می دارند و تو ای خدای من! به گرامیداشت مهمان زبینده تری . بار خدایا ! من تا زمانی که زنده بودم نافرمانی تو را کردم و تو به من نیکی کردی و اینک که با مرگ گناهم بریده شد تو احسانت را از من مگیر . پروردگارا! مرا از آتش آزاد کن، به حق محمد و خاندان پاک و برگزیده و نیکوکار او و درود خدا بر محمد و خاندانش باد.(1)

از صاحب کتاب معراج السالکین آورده که مرحوم ملا اسدالله بافتی او از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر کس این دعا را نوشته و در کفن میت یا دست او بگذارد خداوند او را در قبر عذاب نخواهد داد و سه بار در این مورد به نام مقدس الله قسم خورده .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ \* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ \* اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ . اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ \* مَلِكِ النَّاسِ \* إِلَهِ النَّاسِ \* مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ \* الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ \* مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ \* مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ \* وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ \* وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ \* وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ جِصْنِي - فَمَنْ دَخَلَ جِصْنِي مِنْ عَدَائِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . محمد علی فاطمه حسن حسین صلوات الله علیهم و بحق صلواتک علیهم ارحمنا . اللهم صل علی فاطمة و آبیها و بعلیها و بنیها بعدد ما أحاط به علمک.

ص: 241



اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا

عکس

﴿۲۴۳﴾

گواهی چهل نفر



گواهی ۴۰ نفر

اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا

ردیف	نام	امضا	ردیف	نام	امضا
۱			۲۱		
۲			۲۲		
۳			۲۳		
۴			۲۴		
۵			۲۵		
۶			۲۶		
۷			۲۷		
۸			۲۸		
۹			۲۹		
۱۰			۳۰		
۱۱			۳۱		
۱۲			۳۲		
۱۳			۳۳		
۱۴			۳۴		
۱۵			۳۵		
۱۶			۳۶		
۱۷			۳۷		
۱۸			۳۸		
۱۹			۳۹		
۲۰			۴۰		





اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبِّكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَبِّكَ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ (2) يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا زَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْأَلَاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ (3) يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا خَيْرَ الْمُحَابِبِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُتَزَلِّينَ يَا خَيْرَ الْمُخْبِتِينَ (4) يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِي يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الْفَقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ هُوَ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ (5) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبِّكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ (6) يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ يَا مَنْ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ دَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ يَا مَنْ اتَّقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ (7) يَا غَافِرَ الْخَطَايَا يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا يَا مُجْرِلَ الْعَطَايَا يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا يَا زَارِقَ الْبِرَايَا يَا قَاصِي الْمَنَايَا يَا سَامِعَ الشَّكَايَا يَا بَاعِثَ الْبِرَايَا يَا مُطْلِقَ الْأَسْرَى (8) يَا ذَا الْحَمْدِ وَالنَّيِّبِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ يَا ذَا الْمَنْ وَالْعَطَاءِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ يَا ذَا الْعُرِّ وَالْبَقَاءِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ (9) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَنْعُ يَا دَافِعُ يَا زَافِعُ يَا صَانِعُ يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ يَا وَاسِعُ يَا مُوسِعُ (10) يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَا زَارِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ يَا فَارِحَ كُلِّ مَهْمُومٍ يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ يَا مَلْبِجًا كُلِّ مَطْرُودٍ (11) يَا عَدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبِي يَا مُوَسِّئِي عِنْدَ حُسْنِي يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي يَا وَلِيَّي عِنْدَ نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي يَا ذَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي يَا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي يَا مُعِينِي عِنْدَ مَفْرَعِي (12) يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يَا طَيِّبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يَا مُنِيرَ الْهَمُومِ يَا مُنْفَسِّ الْغَمُومِ (13) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبِّكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ (14) يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرَحِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ (15) يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ يَا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالنَّبِيَانِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ يَا ذَا الْحِجَّةِ وَالزُّهْرَانِ يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانَ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغَفْرَانِ (16) يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَابِلُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ مُعَلِّمُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ عَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ يَبْقَى وَيَقْنَى كُلُّ شَيْءٍ (17) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّجُ يَا مُكْرَهُ يَا مُلَقَّنُ يَا مُهَيِّجُ يَا مُنَكِّنُ يَا مَزِينُ يَا مُغَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ (18) يَا مَنْ هُوَ فِي مَلِكِهِ مُقِيمُ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمُ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمُ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمُ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمُ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمُ يَا مَنْ هُوَ فِي صَدْرِهِ حَكِيمُ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفُ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمُ (19) يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بِرُهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ يَا مَنْ لَا يُدْرَمُ إِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ بِمِثْلِهِ (20) يَا فَارِحَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِي الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا قَالِقَ الْحَبِّ يَا زَارِقَ الْأَنَامِ (21) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبِّكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ (22) يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلِ يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحِ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ سَكْوَى (23) يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحِجَّةِ الْفَاطِعَةِ يَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعُظْمَةِ الْمَتَبِعَةِ (24) يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ يَا مُقْبِلَ الْعَبْرَاتِ يَا سَائِرَ الْأَمْوَاتِ يَا مُنَزِّلَ الْآيَاتِ يَا مُضْعِفَ الْحَسَنَاتِ يَا مَاجِي السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النِّقْمَاتِ (25) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا مُدَبِّرَ الْمُطَهَّرِينَ يَا مُنَوِّرَ الْفُجَرَاءِ يَا مُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا مُنْذِرَ الْمُفْجَرِينَ يَا مُؤَخِّرَ (26) يَا رَبَّ النَّبِيِّ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِجْلِ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ الثَّوْرِ وَالظَّلَامِ يَا رَبَّ النَّجِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ (27) يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَظْهَرَ الظَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ (28) يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَدِّدَ مَنْ لَا سَدِّدَ لَهُ يَا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ يَا جِزْرَ مَنْ لَا جِزْرَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ يَا مَعِينَ لَهْ يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ (29) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا



قُدوس (58) يا مَنْ فِي السَّماءِ عَظَمَتُهُ يا مَنْ فِي الأَرْضِ آياتُهُ يا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ ةِ دَلالِهُ يا مَنْ فِي البِجارِ عَجائِبُهُ يا مَنْ فِي الجِبالِ خَزائِنُهُ يا مَنْ يَبْدؤُا الخَلقَ ثُمَّ يُعيدُهُ يا مَنْ إِلَيْهِ يُرْجَعُ الأُمُرُ كُلُّهُ يا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ ةِ لُطْفَهُ يا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ ةِ خَلقَهُ يا مَنْ تَصَرَّفَ فِي الخَلائِقِ قُدْرَتُهُ (59) يا حَيِّبَ لهُ يا طَيِّبَ لهُ يا مَجِيبَ لهُ يا مَجِيبَ مَنْ لا مَجِيبَ لهُ يا شَفِيقَ لهُ يا رَفيقَ مَنْ لا رَفيقَ لهُ يا مُغِيثَ مَنْ لا دَليلَ مَنْ لا دَليلَ لهُ يا أُنيسَ مَنْ لا أُنيسَ لهُ يا راجِمَ مَنْ لا راجِمَ لهُ يا صاجِبَ مَنْ لا صاجِبَ لهُ (60) يا كَلِيبَ مَنْ اسْتَكْفاهُ يا هادِيَّ مَنْ اسْتَكْفاهُ يا كَالِيبَ مَنْ اسْتَكْلَاهُ يا راعِيَّ مَنْ اسْتَرَعاهُ يا شافِيَّ مَنْ اسْتَشْفاهُ يا قاصِبِيَّ مَنْ اسْتَقْصاهُ يا مُغَيِّبَ مَنْ اسْتَغْناهُ يا مُوفِيَّ مَنْ اسْتَوْفاهُ يا مُقَوِّبَ مَنْ اسْتَوْفاهُ يا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلاهُ (61) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا خالِقُ يا زارِقُ يا ناطِقُ يا صادقُ يا فائقُ يا فارقُ يا فائقُ يا زائقُ يا سابقُ يا سامِقُ (62) يا مَنْ يَغْلِبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يا مَنْ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَالأنوارَ يا مَنْ خَلَقَ الظَّلَّ وَالْحُرورَ يا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ يا مَنْ قَدَّرَ الخَيْرَ وَالشَّرَّ يا مَنْ خَلَقَ المَوْتَ وَالْحياةَ يا مَنْ لهُ الخَلقُ وَالأُمُرُ يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً يا مَنْ لَيْسَ لهُ شَريكٌ فِي المُلْكِ يا مَنْ لَمْ يَكُنْ لهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ (63) يا مَنْ يُعَلِّمُ مُرادَ المُريدِينَ يا مَنْ يُعَلِّمُ صَبيحَ الصَّامِتِينَ يا مَنْ يَسْمَعُ أُنينَ الواهِنِينَ يا مَنْ يَرى بَكاءَ الخائِفِينَ يا مَنْ يَمْلِكُ حوائِجَ السَّائِلِينَ يا مَنْ يَقْبَلُ عُدْرَ التَّائِبِينَ يا مَنْ لا يُصَلِّحُ أَعْمالَ المُفْسِدِينَ يا مَنْ لا يُضَيِّعُ أَمْرَ المُحْسِبِينَ يا مَنْ لا يُبْعِدُ عَن قُلوبِ العارِفِينَ يا أَجودَ الأَجودِينَ (64) يا دائِمَ البَقاءِ يا سامِعَ الدُّعاءِ يا واسِعَ العُطاءِ يا عافِزَ الحَطاءِ يا بَدِيعَ السَّماءِ يا حَسَنَ النِّبْلاءِ يا جَبيلاً الشِّئاءِ يا قَدِيمَ السَّناءِ يا كَثِيرَ الوِفاءِ يا شَريفَ الجِزاءِ (65) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا سَتَّارُ يا غَفَّارُ يا فَهَّارُ يا جَبَّارُ يا صَبَّارُ يا بَأْرُ يا مُخْتارُ يا فَتَّاحُ يا فَتَّاحُ يا مُرْتاحُ (66) يا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّاهِيَّ يا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّاهِيَّ يا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَّاهِيَّ يا مَنْ قَرَّبَنِي وَأَدْنَاهِي يا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّاهِي يا مَنْ حَفِظَنِي وَكَأَنَّنِي يا مَنْ أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي يا مَنْ وَقَّعَنِي وَهَدَّاهِي يا مَنْ آتَسَنِي وَأَوَّاهِي يا مَنْ آمَنَّنِي وَأَحْبَبَنِي (67) يا مَنْ يُحِقُّ الحَقَّ بِكَلِماتِهِ يا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبادِهِ يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ المَرءِ وَقَلْبِهِ يا مَنْ لا تَنفَعُ الشِّفاعةُ إِلا بِإِذْنِهِ يا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَن سَبيلِهِ يا مَنْ لا مُعْتَبَ لِحُكْمِهِ يا مَنْ لا رادَ لِقِضائِهِ يا مَنْ لا تُفادُ كُلُّ شَيْءٍ ةِ لِأَمْرِهِ يا مَنْ السَّماءاتِ مَطوَّراتٌ بِبَويْتِهِ يا مَنْ يُرْسِلُ الرِّياحَ بَشِراً بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ (68) يا مَنْ جَعَلَ الأَرْضَ مِهاداً يا مَنْ جَعَلَ الجِبالَ أوتاداً يا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سراجاً يا مَنْ جَعَلَ القَمَرَ نُوراً يا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ ليلاساً يا مَنْ جَعَلَ النَّهارَ مَعاشاً يا مَنْ جَعَلَ النُّومَ سباتاً يا مَنْ جَعَلَ السَّماءَ بِناءً يا مَنْ جَعَلَ الأَمدَ نِباءً أَرْواحاً يا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصاداً (69) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا سَمِيعُ يا شَفِيعُ يا رَفيقُ يا مَنبِيعُ يا سَريعُ يا بَدِيعُ يا كَبيرُ يا قَدِيرُ يا مُبِيرُ يا مُجِيرُ (70) يا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يا حَيِّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ يا حَيِّ الَّذِي لا يُشارِكُهُ حَيٌّ يا حَيِّ الَّذِي لا يَحْتَاجُ إِلى حَيٍّ يا حَيِّ الَّذِي يُبِيتُ كُلَّ حَيٍّ يا حَيِّ الَّذِي يَرزُقُ كُلَّ حَيٍّ يا حَيًّا لَمْ يَرثِ الحِياةَ مِن حَيٍّ يا حَيِّ الَّذِي يُحْيِي المَوْتى يا حَيِّ يا قَيُّومُ يا مَنْ لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ (71) يا مَنْ لهُ دَكْرٌ لا يُنسى يا مَنْ لهُ نُورٌ لا يُظْفى يا مَنْ لهُ نَعَمٌ لا تُعدُّ يا مَنْ لهُ مُلْكٌ لا يُزولُ يا مَنْ لهُ نِشاءٌ لا يُحصى يا مَنْ لهُ جَلالٌ لا يَكْتُفَى يا مَنْ لهُ كَمالٌ لا يُدرَكُ يا مَنْ لهُ قِضاءٌ لا يُردُّ يا مَنْ لهُ صِفاتٌ لا تُبدَلُ يا مَنْ لهُ نُعوتٌ لا تُغَيَّرُ (72) يا رَبَّ العالَمِينَ يا مالِكَ يَوْمَ الدِّينِ يا غايَةَ الطَّالِبِينَ يا ظَهْرَ الأَجينِ يا مُدْرِكَ الهارِبِينَ يا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ يا مَنْ يُحِبُّ التَّواكِبِينَ يا مَنْ يُحِبُّ المُتَطَهِّرينَ يا مَنْ يُحِبُّ المُحْسِنِينَ يا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالمُهْتَدِينَ (73) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا شَفِيقُ يا رَفيقُ يا حَفِيفُ يا مَجِيطُ يا مُغِيثُ يا مُعِزُّ يا مُدِلُّ يا مُبْدِيُ يا مُعِيدُ (74) يا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بلا صِدِّ يا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بلا نِدِّ يا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بلا عَيْبٍ يا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بلا كَيْفٍ يا مَنْ هُوَ قاصِيُ بلا حَيْفٍ يا مَنْ هُوَ رَبُّ بلا وَزيرٍ يا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بلا دُلِّ يا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بلا فَقرٍ يا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بلا عَزَلٍ يا مَنْ هُوَ مُوصوفٌ بلا شَيْبِهِ (75) يا مَنْ ذَكَرُهُ شَدِرَتْ لِلذَّاكِرِينَ يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْرٌ لِلشَّاكِرِينَ يا مَنْ حَمْدُهُ عَزٌّ لِلحامِدِينَ يا مَنْ طاعَتُهُ نِجاةٌ لِلْمُطِيعِينَ يا مَنْ باهُ مُفْتوحٌ لِلطَّالِبِينَ يا مَنْ سَبيلُهُ واضِحٌ لِلْمُتَبِينِينَ يا مَنْ آياتُهُ بُرْهانٌ لِلناظِرِينَ يا مَنْ كِتابُهُ تَذَكيرَةٌ لِلْمُتَبِينِينَ يا مَنْ رِزْقُهُ عَمومٌ لِلطَّالِبِينَ وَالعاصِمِينَ يا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ المُحْسِنِينَ (76) يا مَنْ تَبارَكَ اسْمُهُ يا مَنْ تَعالَى جَدُّهُ يا مَنْ لا إِلَهَ غَيرُهُ يا مَنْ جَلَّ ثَنائُهُ يا مَنْ تَعَدَّسَتْ أَسمائُهُ يا مَنْ يَدومُ بَقاؤُهُ يا مَنْ العِظَمَةُ بَهاؤُهُ يا مَنْ الكِبَرِياءُ رِداؤُهُ يا مَنْ لا تُحصى آلاؤُهُ يا مَنْ لا تُعَدُّ نِعَمائُهُ (77) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُعِينُ يا آمينُ يا مُبِينُ يا مَتِينُ يا مَكِينُ يا رَشيدُ يا حَميدُ يا مَجيدُ يا شَديدُ يا شَهِيدُ (78) يا ذا العَرْشِ المَجيدِ يا ذا القَوْلِ السَّديدِ يا ذا الفِعْلِ الرَّشيدِ يا ذا البَطْشِ السَّديدِ يا ذا الوَعْدِ وَالوَعيدِ يا مَنْ هُوَ الوَلِيُّ الحَميدُ يا مَنْ هُوَ فَعالٌ لِمَا يُريدُ يا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيرُ بَعيدٍ يا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ ةِ شَهِيدُ يا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلامٍ لِلعَبيدِ (79) يا مَنْ لا شَريكَ لهُ وَلا وَزيرَ يا مَنْ لا شِيبَةَ لهُ وَلا نَظيرَ يا خالِقَ الشَّمْسِ وَالقَمَرَ المُنِيرِ يا مُغْنِيَّ النَّاسِ الفَقيرِ يا زارِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يا راجِمَ الشَّيخِ الكَبيرِ يا جابِرَ العَظَمِ الكَبيرِ يا عِصَمَةَ الخائِفِ المُسْتَجيرِ يا مَنْ هُوَ عِبادِهِ خَيبَرُ بَصيرٍ يا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ ةِ قَدِيرٌ (80) يا ذا الجُودِ وَالنَّعَمِ يا ذا الفُضْلِ وَالكَرَمِ يا خالِقَ اللُّوحِ وَالقَلَمِ يا بارئِ الدَّرِّ وَالنَّسَمِ يا ذا النَّبَسِ وَالنَّعَمِ يا مُلْهَمَ العَرَبِ وَالعَجَمِ يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالأَكْمِ يا عالِمَ السِّرِّ وَالهِجَمِ يا رَبَّ النَّبِيبِ وَالْحَرَمِ يا مَنْ خَلَقَ الأَشياءَ مِنَ العَدَمِ (81) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا فَاعِلُ يا جاعِلُ يا قايِلُ يا قايِلُ يا فاصِلُ يا واصلُ يا عادِلُ يا غالِبُ يا طالِبُ يا واهِبُ (82) يا مَنْ أَعَمَّ بِطولِهِ يا مَنْ أَكْرَمَ بِجودِهِ يا مَنْ جادَ بِلُطْفِهِ يا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ يا مَنْ قَدَّرَ بِحُكْمَتِهِ يا مَنْ حَكَمَ بِتَلْبِيرِهِ يا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يا مَنْ تَجاوَزَ بِحِلْمِهِ يا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ يا مَنْ عَلاهُ فِي دُنُوِّهِ (83) يا مَنْ يَخْلُقُ ما يَشاءُ يا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشاءُ يا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ يا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ يا مَنْ يَعدُّبُ مَنْ يَشاءُ يا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ يا مَنْ يُعزُّ مَنْ يَشاءُ يا مَنْ يَبدُلُ مَنْ يَشاءُ يا مَنْ يَصوِّرُ فِي الأَرْحامِ ما يَشاءُ يا مَنْ يَخْصُصُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ (84) يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صاجِبَةً وَلا وَلِداً يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ

شَيْءٍ ۚ قَدْرًا يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ ۚ أَمَدًا يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ۚ عَلِمًا يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ ۚ عَدَدًا (85) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَوَّلَ يَا آخِرَ يَا ظَاهِرَ يَا بَاطِنَ يَا بَرَّ يَا حَقَّ يَا قَرْدُ يَا وَثِرَ يَا صَمَدًا يَا سَرْمَدَ (86) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عَرِيفَ يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عَبْدَ يَا أَجَلَ مَشْكُورٍ شَكْرَ يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذِكْرَ يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حَمْدَ يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلِبَ يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وَصِفَ يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قَصْدَ يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سَدِيلَ يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عِلِمَ (87) يَا حَبِيبَ الْبَاكِيْنَ يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيْسَ الذَّاكِرِينَ يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوفِينَ يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالِمِينَ يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ (88) يَا مَنْ عَلَا قَهْرَ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرَ يَا مَنْ يَطَّنَ فَخْبَرَ يَا مَنْ عَيْدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عَصِي فَغَفَرَ يَا مَنْ لَا تُحْوِيهِ الْفِكْرُ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا زَارِقَ الْبَشَرِ يَا مَقْدِرَ كُلِّ قَدْرِ (89) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظَ يَا تَارِيئَ يَا ذَارِيئَ يَا فَارِحَ يَا فَانِحَ يَا كَاشِفَ يَا صَاحِبَ يَا أَمْرٍ يَا نَاهِي (90) يَا مَنْ لَا يَلْعَلُ الْعَيْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَمُّ الثُّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْلِبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَدْبُرُ الْأُمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَنْزِلُ الْعَيْثَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَسْبُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ (91) يَا مُعِينَ الضُّعْفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ يَا أَيْسَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَنْبِيَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكُرْمَاءِ (92) يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ يَا قَانِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ۚ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ ۚ يَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ ۚ يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ ۚ (93) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرَمَ يَا مُطْعَمَ يَا مُنْعَمَ يَا مُعْطِي يَا مُغْنِي يَا مُفْنِي يَا مُجِيبِي يَا مُرْضِي يَا مُنْجِي (94) يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ آخِرَهُ يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ مَلِيكَهُ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ صَانِعَهُ يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ خَالِقَهُ يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ بَاسِطَهُ يَا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ مُعِيدَهُ يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ مُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ مُحَوِّلَهُ يَا مُجِيبِي كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ مُبِينَهُ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ وَارِثَهُ (95) يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَ مَدْعُودٍ يَا خَيْرَ مُجَابٍ وَ مُجِيبٍ يَا خَيْرَ مُؤْنِسٍ وَ أُنْسِي يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَ جَلِيسِي يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَ مَحْبُوبٍ (96) يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَجِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَادِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَرَادَهُ عَليمٌ (97) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبَ يَا مُرْعِبَ يَا مُقَلِّبَ يَا مُعَقِّبَ يَا مُرْتَبِّبَ يَا مُخَوِّفَ يَا مُحَلِّزَ يَا مُدَكِّرَ يَا مُسَخِّرَ يَا مُغَيِّرَ (98) يَا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقُ يَا مَنْ وَعَدَهُ صَادِقُ يَا مَنْ لَطْفُهُ ظَاهِرُ يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ يَا مَنْ قَضَاؤُهُ كَانُنُ يَا مَنْ قَرَأَهُ مَحِيدٌ يَا مَنْ مُلْكُهُ قَادِيمٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَليمٌ يَا مَنْ عَرَشُهُ عَظِيمٌ (99) يَا مَنْ لَا يَسُدُّ خَلْعَهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يَمْتَنِعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لَا يُلْهِمُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ يَا مَنْ لَا يُعَلِّطُهُ سُؤَالَ عَنْ سُؤَالَ يَا مَنْ لَا يُحْجِبُهُ شَيْءٌ ۚ عَنْ شَيْءٍ ۚ يَا مَنْ لَا يُتْرَمُهُ الْإِحْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ (100) يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُّ يَا قَاهِرًا لَا يَغْلِبُ يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ يَا غَنِيًّا لَا يَقْتَرِبُ يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ يَا حَافِظًا لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ .

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.  
(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام عليه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل‌بیت علیهم السلام نیست؟  
و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟  
به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آاده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

